



طرح مطالعاتی

از توحید تا قلل

سیر مطالعاتی آثار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام

به‌کوشش: حسین ایزدی

طرح مطالعاتی از توحید تا تمدن (سیر مطالعاتی آثار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام)

به سفارش و نظارت:

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

نگارش و تنظیم: حسین ایزدی (با همکاری محمدحسین مطهری)

صفحه آرا: علی اصغر رفیعی نژاد - مؤسسه سبحان

ناشر: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

نشانی: قم، جمکران، خیابان انتظار، مجتمع دارالولایة

معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه

www.pazhuhesh.ir

معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

www.tahzib_howzeh.ir

مراکز پخش:

قم، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۳۸۳

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

بخش اول

- بیان ضرورت و مراحل طراحی سیر مطالعاتی ۱۳
- الف. ضرورت ۱۵
- یک. اندیشه رهبری، اندیشه راهنما و بنیادین انقلاب اسلامی ۱۵
- دو. خلاصه نوع از طرح مطالعاتی بین طرح‌های موجود ۱۵
- سه. کاستی‌هایی در سیرهای مطالعاتی موجود درباره آثار رهبری ۱۶
- چهار. مطالبه صریح مدیریت حوزه‌های علمیه ۱۶
- ب. آینده و غایت ۱۶
- یک. تبدیل شدن به یکی از طرح‌های مطالعاتی رسمی حوزه ۱۶
- دو. زمینه سازی برای نشر و ترویج اندیشه مقام معظم رهبری ۱۷
- ج. شیوه و مراحل طراحی ۱۷
- یک. نگارش طرحنامه اقدام ۱۷
- دو. مصاحبه با صاحب نظران عرصه و جذب عقلانیت موجود ۱۸
- سه. طراحی نظام پرسش‌ها ۱۸
- چهار. تدوین گفتگوها، استخراج و طبقه‌بندی ایده‌ها ۱۹
- پنج. رصد ایده‌ها و طرح‌های موجود در این زمینه ۲۰
- شش. جمع‌بندی ایده‌ها و طراحی سیر مطالعاتی ۲۰

بخش دوم

- گفت‌وگوهایی با صاحب نظران پیرامون سیر مطالعاتی ۲۱
۱. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی ذوعلم ۲۲

۲۲.....	اشاره:
۲۲.....	ضرورت طرح
۲۳.....	هدف‌گذاری صحیح طرح
۲۴.....	نشر تفکر انقلاب اسلامی در حوزه
۲۴.....	شیوهٔ برگزاری طرح
۲۴.....	کلیت
۲۵.....	مخاطب
۲۵.....	استاد
۲۶.....	شیوهٔ کار
۲۸.....	امتداد دوره
۲۸.....	احتراز
۳۰.....	۲. گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد عبدالحسین خسروپناه
۳۰.....	اشاره:
۳۰.....	رهبری ایدئولوگِ استراتژیست
۳۱.....	راهگشا و راهبردی بودن اندیشه رهبری
۳۲.....	رویکرد اجتهادی رهبری
۳۲.....	اهمیت و ضرورت نگاه منظومه‌ای
۳۳.....	ابعاد منظومه فکری رهبری
۳۵.....	گزیده نکات:
۳۶.....	۳. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد محمد عالم‌زاده نوری
۳۶.....	اشاره:
۳۶.....	اسلام‌شناسی؛ نصاب طلبگی
۳۸.....	فهم جامع دین و نگاه کلان به آن، ضرورت اسلام‌شناس بودن
۴۳.....	روش خاص رهبر معظم انقلاب
۴۴.....	ضرورت آشنایی با اندیشه مقام معظم رهبری
۴۵.....	گزیده نکات:
۴۶.....	۴. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد محمدرضا فلاح شیروانی
۴۶.....	اشاره:
۴۶.....	هشت مطلوبیت اساسی

چند پیشنهاد:	۴۹
گزیده نکات:	۵۰
۵. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسمین محمد مهدی حقانی	۵۱
اشاره:	۵۱
ضرورت طرح	۵۱
محتوای طرح	۵۳
دسته‌بندی اندیشه رهبری	۵۳
تولید محتوا	۵۳
ملاک و کلیت سیر پیشنهادی	۵۳
سطح‌بندی محتوا	۵۴
شناور بودن طرح	۵۴
آموزش مهارت	۵۴
گزیده نکات:	۵۵
۶. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام محمد رضا طاهری	۵۷
اشاره:	۵۷
ضرورت طرح	۵۷
خروجی مطلوب طرح	۵۹
محتوای طرح	۵۹
بخش‌های اصلی اندیشه رهبری	۵۹
بخش اول: مبانی قرآنی	۵۹
بخش دوم: ساحت عمل و اقدام مؤمنانه	۶۰
بخش سوم: آشنایی با علوم اسلامی	۶۰
بخش چهارم: شناخت علوم روز	۶۰
بخش پنجم: دشمن‌شناسی	۶۰
بخش ششم: ساحت اقتصادی	۶۱
بخش هفتم: بُعد عبادی	۶۱
بخش هشتم: ساحت خانواده	۶۲
التزام به جامعیت منظومه فکری در محتوا	۶۲
نیاز جدی به تولید محتوا	۶۳

نیاز جدی.....	۶۳
راهکارهای تسهیل‌کننده تولید محتوا.....	۶۳
الزامات محتوایی تولید محتوا.....	۶۴
۱. روش تحقیق متقن و آزموده.....	۶۴
۲. براساس تمام بیانات.....	۶۴
محتوا برای دوره گذار.....	۶۵
الگوی تربیت پژوهشگر در اندیشه رهبری.....	۶۶
چگونگی تربیت یافتن طلبه‌ها براساس اندیشه رهبری.....	۶۶
گزیده نکات:.....	۶۷
۷. گفت‌وگو با جناب آقای دکتر مصطفی غفاری.....	۷۰
اشاره:.....	۷۰
مخاطب‌شناسی.....	۷۰
نکته‌های راهبردی برای ترویج اندیشه رهبر انقلاب در حوزه.....	۷۱
مطرح کردن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان اندیشمند.....	۷۱
توجه به تفاوت نوع مواجهه با اندیشه متفکر و رهبر.....	۷۲
بروز نکته‌های راهبردی مذکور در عمل.....	۷۴
پیشنهادهایی پیرامون سیر مطالعاتی.....	۷۵
بیانات دیدارهای مهم.....	۷۵
آثار مکتوب مقام معظم رهبری.....	۷۵
دال مرکزی فکر رهبری.....	۷۵
ویژگی عمده سبک و شخصیت فکری رهبری.....	۷۶
سبک تفکر رهبری.....	۷۷
انعطاف در برداشت از بیانات رهبری.....	۷۹
پرداختن به خلأهایی که رهبری به آن‌ها نپرداخته‌اند.....	۸۰
مخاطب.....	۸۱
تعیین مخاطب هدف.....	۸۱
ایجاد نیاز در مخاطب.....	۸۲
برنامه برای خواهران.....	۸۳
نکته‌های محتوایی و روشی طرح.....	۸۴

۸۴	عادت زدایی
۸۴	ایجاد انگیزه
۸۵	آغاز سیر
۸۵	آشنایی با مبانی
۸۶	عادت زدایی
۸۶	تفکر انتقادی
۸۸	گزیده نکات:
۹۰	۸. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی مهدیان
۹۰	اشاره:
۹۰	دالّ مرکزی
۹۱	دسته‌بندی موضوعی اندیشه رهبری
۹۱	مباحث معرفتی بنیادین
۹۱	مباحث سلوکی و اخلاقی
۹۲	مباحث فقهی
۹۲	مکتب سیاسی-اجتماعی
۹۳	مباحث راهبردی
۹۳	تاریخ معاصر
۹۳	تاریخ اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۹۳	سیره
۹۴	مباحث تخصصی
۹۴	دسته‌بندی دیگر
۹۴	ضرورت‌های انگیزه‌بخش
۹۵	هدف
۹۶	رسیدن به خروجی کارآمد، نیازمند طرحی جامع
۹۶	ناکارآمدی انبوه‌خوانی
۹۸	ابعاد طرح جامع
۹۸	سیر محتوا
۹۹	در بستر تشکیلات
۹۹	تمرین اندیشه‌ورزی و تولید ایده

۹۹.....	درگیر شدن با میدان.....
۹۹.....	ضلع‌های عملیات.....
۱۰۰.....	نیروی اقدام.....
۱۰۰.....	جایگاه طرح در حوزه.....
۱۰۰.....	موانع.....
۱۰۱.....	راهکار: تربیت استاد.....
۱۰۳.....	گزیده نکات:.....
۱۰۶.....	۹. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام اسماعیل فخریان.....
۱۰۶.....	اشاره:.....
۱۰۶.....	ضرورت طرح.....
۱۰۷.....	نتایج اصلی طرح.....
۱۰۷.....	محتوای طرح.....
۱۰۸.....	خلاً محتواهای موجود.....
۱۰۹.....	محتواهای مورد استفاده.....
۱۰۹.....	اجرا.....
۱۱۱.....	امتداد و لواحق کار.....
۱۱۲.....	گزیده نکات:.....
۱۱۳.....	۱۰. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مصطفی‌اللهیاری.....
۱۱۳.....	اشاره:.....
۱۱۳.....	اندیشه‌ی ولی.....
۱۱۳.....	ضرورت شناخت.....
۱۱۴.....	ویژگی‌ها.....
۱۱۴.....	مبنا و هدف طراحی سیر.....
۱۱۴.....	نیازمحور.....
۱۱۵.....	نیاز امروز.....
۱۱۶.....	براساس بیانیه‌ی گام دوم.....
۱۱۶.....	اتصال به عمل.....
۱۱۷.....	روند کلی سیر.....
۱۱۸.....	محتوا.....

۱۱۸.....	عمومی و تخصصی
۱۱۸.....	دو نمونه اصلی
۱۱۹.....	گزیده نکات:
۱۲۱.....	۱۱. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی خاک‌رنگین
۱۲۱.....	اشاره:
۱۲۱.....	جهت‌های ضرورت ارتباط طلبه‌ها با رهبری
۱۲۱.....	۱. لازمه ماهوی تحقق اهداف حوزه
۱۲۳.....	۲. ویژگی‌های شخصیتی مقام معظم رهبری
۱۲۴.....	۳. جذابیت‌های اندیشه رهبری
۱۲۵.....	محتوای طرح
۱۲۵.....	دال مرکزی اندیشه رهبری
۱۲۵.....	نیاز به تولید محتوا
۱۲۵.....	جنس محتوای مورد نیاز
۱۲۶.....	پیشنهاد برای دوره گذار
۱۲۶.....	شیوه و نکته‌های برگزاری دوره
۱۲۶.....	مهارت‌آموزی، نیاز ضروری دوره کارآمد
۱۲۷.....	پژوهش
۱۲۷.....	فن بیان و ارائه
۱۲۷.....	تندخوانی
۱۲۷.....	آشنایی با فضای مجازی
۱۲۸.....	جمع‌بندی
۱۲۸.....	سادگی و غرق نکردن مخاطب
۱۲۹.....	گزیده نکات:

بخش سوم

۱۳۱.....	معرفی سیر مطالعاتی پیشنهادی
۱۳۲.....	یک. ضرورت تعیین هدف از سیر مطالعاتی
۱۳۳.....	دو. انواع مدل‌های طراحی سیر مطالعاتی اندیشه رهبری
۱۳۳.....	الف. سیر مطالعاتی کثرت‌گرا (با محوریت موضوعات متنوع)

- ب. سیر مطالعاتی وحدت‌گرا (با محوریت موضوع واحد) ۱۳۳
- ج. نظام اندیشه محور ۱۳۴
- سه. ویژگی‌های اندیشه و آثار مقام معظم رهبری ۱۳۵
- الف. بینش‌ساز ۱۳۵
- ب. هویت‌ساز و مأموریت‌آفرین ۱۳۵
- ج. اندیشه‌پشتیبان انقلاب ۱۳۵
- د. برخورداری از نظام اندیشه ۱۳۶
- ه. برخورداری از رویکرد تمدنی ۱۳۷
- چهار. هدف از سیر مطالعاتی اندیشه رهبری ۱۳۸
- الف. آشنایی با دالّ مرکزی اندیشه رهبری ۱۳۸
- ب. شناخت جامع انقلاب اسلامی با قرائت مکتب امام ۱۳۹
- ج. شناخت مأموریت طلبه عصر انقلاب ۱۳۹
- پنج. نگاهی به منطق طراحی و اجزای سیر پیشنهادی: ۱۴۰
- الف. مروری بر مهمترین نکات بیان‌شده در مصاحبه‌ها ۱۴۰
- ب. درآمدی بر منطق طراحی سیر ۱۴۲
- ج. معرفی اجزای سیر مطالعاتی ۱۴۳
- یکم. زمانه و زمینه شکوفایی ۱۴۳
- دوم. مبانی کلامی و قرآنی ۱۴۳
- سوم. رویکردهای کلان به تاریخ و طرح رهبران تشیع ۱۴۴
- چهارم. ساحت‌های اصلی اندیشه ۱۴۴
- شش: معرفی کتاب‌های سیر مطالعاتی ۱۴۶
- یک. زمانه و زمینه شکوفایی صاحب اندیشه: ۱۴۶
- دو. مبانی کلامی و قرآنی ۱۴۷
- سه. رویکردهای کلان به تاریخ و طرح رهبران تشیع ۱۴۸
- چهار. ساحت‌های اصلی اندیشه: ۱۵۱
- یکم. انقلاب اسلامی در آینه مکتب امام ۱۵۱
- الف. تاریخ و پیشینه انقلاب: ۱۵۱
- ب. مبانی و مکتب انقلاب اسلامی: ۱۵۲
- ج. تطور، اندیشه راهبردی و آینده انقلاب اسلامی ۱۵۵

۱۵۸.....	د. دستاوردهای انقلاب اسلامی:
۱۵۹.....	دوم. فرهنگ و سیاست
۱۶۱.....	سوم. حوزه و رسالت صنفی
۱۶۳.....	هفت: نکات کلی درباره سیر مطالعاتی
۱۶۳.....	اول: نگاهی اجمالی به سطح دوم سیر مطالعاتی
۱۶۴.....	دوم: سیاست پرهیز از انبوه خوانی
۱۶۴.....	سوم: تنوع در شیوه اجرا
۱۶۵.....	هشت: دستورالعمل اجرایی
۱۶۵.....	الف. کلیات و تعاریف
۱۶۵.....	ب. متصدیان
۱۶۶.....	ج. وظایف دبیرخانه امور معرفتی و اجتماعی
۱۶۶.....	د. شرایط ثبت نام
۱۶۶.....	ه. مزایای شرکت در دوره
۱۶۷.....	و. شیوه ارزیابی
۱۶۷.....	ز. وظایف استاد راهبر معرفتی
۱۶۸.....	نه: مراحل و جداول طرح مطالعاتی

پیوست‌ها

۱۷۱.....	انواع سیرهای مطالعاتی موجود پیرامون اندیشه رهبر معظم انقلاب
----------	---

مقدمه

مقوله معرفت و رشد معرفتی در تهذیب و تربیت دارای سهم و جایگاه برجسته‌ای است. از این روی معاونت تهذیب در کنار ساماندهی امور تهذیبی و تربیتی، نگاهی به مسائل و امور معرفتی طلاب نیز دارد. رسیدگی به مسائلی چون دوره‌های آموزشی طرح ولایت و اسلام ناب و ... و طرح‌های مطالعاتی شهید مطهری، آثار آیت‌الله مصباح و ... بخشی از این امور است. ارتقای معرفتی طلاب ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و عنصری اساسی در نقش‌آفرینی اجتماعی طلاب و ایفای رسالت اجتماعی ایشان است. پس باید اهتمام ویژه‌ای نسبت به آن داشت تا همواره متناسب با نیازهای زمانه و عصر ارتقا یابد.

مدیر محترم حوزه‌های علمیه و معاون محترم تهذیب و تربیت حوزه با تشخیص صحیح این ضرورت، آشنا کردن طلاب با اندیشه‌های مقام معظم رهبری به صورتی نظام‌مند و در مقیاسی عمومی را مطالبه دارند. طراحی سیر مطالعاتی مسیری است برای آشنا نمودن طلاب با اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب. از این روی پروژه‌ای با همین عنوان در معاونت تهذیب شکل گرفت.

اثر پیش‌روی با رصد تلاش‌های صورت‌گرفته در زمینه معرفی اندیشه‌های مقام معظم رهبری و نیز بر اساس گفتگو با صاحب‌نظران و فعالین این عرصه و تحت اشراف و راهنمایی معاونت محترم تهذیب و تربیت حوزه تولید شده است. ما در این کتاب می‌کوشیم مدلی جدید برای طراحی یک سیر مطالعاتی ارائه دهیم و متکی به مطالعات پیشینی و بهره‌مندی از تجربیات کنش‌گران میدان طرحی در اندازیم. این اثر ویراست نخست طرح مطالعاتی آثار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری به شمار می‌آید و انشاءً در گام‌های بعدی تکمیل شده و ارتقا خواهد یافت.

در پایان لازم می‌دانم از حمایت‌ها و رهنمودهای استاد بزرگوار حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین عالم‌زاده نوری که با اهتمام فراوان و مستقیماً پیگیر تدوین این اثر بودند، سپاس فراوان داشته باشم. به‌ویژه از فاضل‌گرامی جناب آقای محمدحسین مطهری که با تلاش فراوان زحمت انجام و تدوین بیشتر مصاحبه‌ها را متقبل شدند سپاسگزارم. همچنین در پایان از همه عزیزان در معاونت تهذیب به‌ویژه حضرات حجج‌اسلام رهنما، عبداللهی، حاجی‌زاده، مهران‌پور، موسوی و شریف‌نجاج به دلیل همراهی‌ها و زحمات، کمال امتنان را دارم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

حسین ایزدی

پائیز ۱۴۰۲

بخش اول

بیان ضرورت و مراحل طراحی سیر مطالعاتی

یکی از ابزارهای مهم برای رشد معرفتی طلاب بهره‌مندی از قالب و روش «سیر مطالعاتی» است. انس با کتاب و راه‌یافتن به افق اندیشه یک اندیشمند از مسیر مطالعه مستقیم آثار وی، دستیابی به سرمایه معرفتی را تسهیل می‌کند. اثر پیش روی درآمدی است بر «سیر مطالعاتی اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی» که برای طلاب حوزه‌های علمیه تدارک دیده شده است. حوزه علمیه در زمینه طراحی سیرهای مطالعاتی طی سه دهه اخیر تجربیاتی را پشت سر گذاشته است. کوشیده‌ایم با نگاهی به تجارب و زحمات گذشته و با نگاهی به نیازها و مختصات آینده سیری طراحی کنیم که بهره‌مند از مزایا و پیراسته از کاستی‌های تجارب پیش‌روی باشد. در این مجال نگاهی به ضرورت، غایت، شیوه و مراحل تدوین سیر پیش روی خواهیم داشت.

الف. ضرورت

یک. اندیشه رهبری، اندیشه راهنما و بنیادین انقلاب اسلامی

چرا سخن از سیر مطالعاتی آثار مقام معظم رهبری به میان می‌آوریم؟ در بخش سوم از همین اثر به تفصیل ویژگی‌ها و ره‌آوردهای آشنایی با اندیشه رهبری معظم انقلاب را بیان نموده‌ایم. اما اجمالاً امر اینکه انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده تمدنی بزرگ در قرن اخیر در پیدایش بر اساس یک مکتب فکری پدید آمده است و برای بقاء و پایایی نیازمند تغذیه از همین منبع جوشان فکری است. اندیشه رهبری انقلاب اندیشه راهنما و پشتیبان این حرکت است که در امتداد مکتب امام راحل مسیر را به ما نشان می‌دهد. طلاب حوزه‌های علمیه به عنوان پیشران‌های فکری جامعه در عصر انقلاب اسلامی، تنها زمانی می‌توانند مأموریت تمدنی خود را به سرانجام برسانند که با اندیشه اصلی انقلاب اسلامی انس داشته باشند. سیر مطالعاتی آثار معظم له مسیری است برای اتصال بین ذهنیت طلاب و حوزه‌های علمیه با مأموریت تمدنی برخاسته از مکتب امام راحل با تقریر مقام معظم رهبری.

دو. خلا این نوع از طرح مطالعاتی بین طرح‌های موجود

هرچند امروز در حوزه سیرهای مطالعاتی رسمی و غیر رسمی متعددی وجود دارد که برخی دستاوردهای تحسین‌برانگیزی را در پی داشته‌اند اما چنان که در بخش‌های بعدی به تفصیل اشاره می‌شود، اندیشه رهبری دارای امتیازاتی منحصر به فرد است که اتصال به آن حیات جدیدی را برای طلبه رقم می‌زند؛ امتیازاتی که در برخی سیرهای موجود به وضوح دیده نمی‌شود. اندیشه‌ای که بینش‌ساز و مأموریت‌آفرین باشد می‌تواند منجر به هویت‌مندی طلبه شود. این امتیاز در آثار رهبری انقلاب به وضوح به چشم می‌خورد و حوزه امروز به صورت سیستماتیک از آن بهره‌مند نیست. سیر مطالعاتی بستری است برای ایجاد ارتباط منسجم و نظام‌مند با این منبع مهم.

سه. کاستی‌هایی در سیرهای مطالعاتی موجود درباره آثار رهبری

جبهه انقلاب اسلامی که مملو از شور و نشاط و دغدغه است مدتی است به این ضرورت پی برده و تلاش‌هایی در راستای طراحی سیر مطالعاتی اندیشه رهبری نموده است. این تلاش‌ها منجر به طراحی چندین سیر در این زمینه شده است. مطالعه این سیرها نشان می‌دهد علی‌رغم همه امتیازات موجود در هر سیر، هنوز نقصان‌هایی به چشم می‌خورد که ایجاب می‌کند به سیرهای مطالعاتی دیگری نیز در این زمینه فکر کرد. همه آنچه گذشت ایجاب می‌کند شورای امور معرفتی معاونت تهذیب و تربیت حوزه علمیه به طراحی سیر مطالعاتی آثار رهبری انقلاب اقدام نماید.

چهار. مطالبه صریح مدیریت حوزه‌های علمیه

یکی از پیشران‌های حرکت به سمت طراحی چنین سیری، مطالبه صریح، مجدانه و دائمی مدیر محترم حوزه‌های علمیه حضرت آیت‌الله اعرافی از معاونت تهذیب و تربیت برای طراحی چنین سیری بوده است. مدیریت محترم حوزه با درک به موقع و دقیق این خلاء در بین طلاب و حوزه‌های علمیه مأموریت طراحی این فرآیند را به معاونت تهذیب حوزه سپردند و همین امر موجب شد این گام‌ها به صورت منسجم‌تر برداشته شود.

ب. آینده و غایت

یک. تبدیل شدن به یکی از طرح‌های مطالعاتی رسمی حوزه

سیر مطالعاتی اندیشه رهبری انقلاب در کنار سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری، سیر مطالعاتی آثار آیت‌الله مصباح، طرح ولایت و دیگر طرح‌های مطالعاتی و معرفتی باید به یکی از سیرهای مطالعاتی محوری در بین طلاب تبدیل شود. آنچه به عنوان آینده طرح دیده می‌شود عبارت است از رسمیت بخشی و فرهنگ‌سازی بین طلاب برای مطالعه دقیق آثار رهبری انقلاب اسلامی. فرهنگ‌سازی در این زمینه و ایجاد مطالبه جدید بین طلاب یکی از

اهداف آتی طرح به شمار می‌آید.

دو. زمینه سازی برای نشر و ترویج اندیشه مقام معظم رهبری

پس از آنکه بتوانیم سیر مطالعاتی آثار رهبری را به عنوان یک امر رایج و فرهنگ عمومی در بین طلاب تبدیل کنیم، عملاً زمینه نشر و ترویج اندیشه رهبری در بین طلاب و حوزه‌های علمیه و به تبع اثرگذاری بر جهت‌گیری‌های کلان در حوزه به وقوع می‌پیوندد. حوزه اگر می‌خواهد در افق مأموریت‌های تمدنی گام بردارد چاره‌ای جز اتصال به اندیشه رهبر فرزانه انقلاب ندارد و سیر مطالعاتی آثار ایشان گامی است برای ایجاد اتصال بین حوزه و مأموریت‌های تمدنی با قرائت انقلاب اسلامی.

ج. شیوه و مراحل طراحی

یکی از اهداف ضمنی این سبک از طراحی سیر مطالعاتی در ادامه به جزئیات آن اشاره می‌شود، ارتقای سطح اقدام در زمینه طراحی سیرهای مطالعاتی است. اینکه برای طراحی یک سیر مطالعاتی از منطق ویژه‌ای پیروی شود و بر اساس یک الگو اقدام نماییم، امری ضروری است. سبک اقدام اخیر می‌تواند به ارتقای شیوه طراحی سیرهای مطالعاتی و اندیشه پشتیبان این دست از اقدامات مدد برساند. اما گام‌هایی که ما برای رسیدن به سیر مطالعاتی مطلوب برداشتیم به شرح زیر بود:

یک. نگارش طرحنامه اقدام

در گام اول یک طرحنامه پیشنهادی تهیه شده و در آن گام‌های منطقی برای رسیدن به سیر مطالعاتی بیان شد. طرحنامه طی جلساتی در شورای امور معرفتی معاونت تهذیب و تربیت با حضور حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین استاد عالم‌زاده نوری مورد تدقیق و بررسی قرار گرفت تا نقشه راه مشخص شود.

دو. مصاحبه با صاحب نظران عرصه و جذب عقلانیت موجود

پیش‌نیاز طراحی سیر مطالعاتی، مشورت و جذب ایده‌های موجود و برخورداری از یک نظام مطلوبیت‌های کلی در زمینه مورد نظر است. مطلوبیت‌های ساختاری، محتوایی و اجرایی که براساس آسیب‌شناسی دوره‌های موجود و به عنوان تجربه زیسته می‌توان از آن بهره برد. از سوی دیگر مواجهه با صاحب نظران بدون یک طراحی پیشینی منتج و موفق نخواهد بود. از این روی باید عقلانیت موجود در صحنه را جذب کرد.

طی سال‌های اخیر پژوهشگران بسیاری به تامل در اندیشه رهبری پرداخته‌اند. از این روی می‌توان از تجارب ایشان در این زمینه بهره برد. از سوی دیگر مقبولیت یافتن طرح جدید که از سوی معاونت تهذیب ارایه خواهد شد، نیازمند زمینه‌سازی اجتماعی و ایجاد بستر پذیرش نخبگانی است. از این روی گفتگو با صاحب نظران این حوزه و جذب دارایی‌ها و امتیازات اندیشه آن‌ها کمک به اتقان طرح و نیز پذیرش عمومی آن می‌شود. بر این اساس فهرستی تفصیلی از صاحب نظران این عرصه تهیه شده و برای مصاحبه با ایشان اقدام گردید. هرچند برخی از سروران به دلایلی از مصاحبه خودداری کردند و یا فرصت مناسب برای گفتگو با برخی فراهم نشد، اما در نهایت با ده نفر از عزیزان گفتگوهایی صورت پذیرفت.

سه. طراحی نظام پرسش‌ها

برای گفتگو با افراد و صاحب نظران باید بر اساس الگوی واحدی عمل شده و مطلوبیت‌هایی در نظر گرفته شود. بر این اساس نظام پرسش‌هایی تدوین شده و در اختیار صاحب نظران قرار گرفت تا بر اساس محورهای تعیین شده به ارائه مباحث خود بپردازند. برخی از پرسش‌های مطرح شده عبارتند از:

۱. ضرورت طراحی سیر مطالعاتی اندیشه رهبری چیست؟
۲. هدف از سیر مطالعاتی اندیشه رهبری چیست؟ برای مثال:

به دست آوردن رویکرد تمدنی
 به دست آوردن رویکرد و فهم کلامی
 به دست آوردن رویکرد و فهم تفسیری
 به دست آوردن رویکرد و فهم معارفی

به دست آوردن رویکرد و فهم تاریخی

۳. روش‌ها و ملاحظات به دست آوردن اشراف بر اندیشه رهبری چیست؟
آیا برای فهم اندیشه رهبری باید ابتدا به آثار امام خمینی مراجعه کرد؟
آیا باید برای کلام ایشان سطوحی قائل شد و بر اساس آن گام به گام جلو رفت؟
آیا برای فهم کلام ایشان باید ابتدا از منظومه فکری ایشان آغاز کرد؟
آیا برای فهم کلام ایشان مطالعات دیگر از جمله مطالعات تاریخی و حتی ادبی نیاز است؟

۴. مراحل ارتباط با اندیشه رهبری را چگونه توصیف می‌کنید؟

۵. بطور مثال آیا ابتدا باید زندگی نامه ایشان را مطالعه کرد و با شخصیت وی انس گرفت بعد وارد آثار شد یا ابتدا باید منظومه فکری آغاز کرد یا ابتدا باید به اصل مسئله انقلاب اسلامی پرداخت؟

۶. دال مرکزی اندیشه رهبری چیست؟

۷. سیر مطالعاتی پیشنهادی شما برای آثار و اندیشه رهبری چیست؟

به لحاظ عملیاتی چه مدل و الگویی را برای مطالعه آثار رهبری پیشنهاد می‌دهید؟

معیار طبقه‌بندی و تقدم و تأخر این سیر و کتب نسبت به هم چیست؟

چند مرحله و سطح برای آشنایی با اندیشه رهبری پیشنهاد می‌دهید؟

معیار تفکیک سطوح از هم چیست؟

۸. آیا افراد دیگری که صاحب نظر در این زمینه باشند، مدنظر دارید و جهت گفتگو معرفی می‌فرمایید؟

چهار. تدوین گفتگوها، استخراج و طبقه‌بندی ایده‌ها

پس از انجام مصاحبه‌ها، اقدام به تهیه خروجی‌های متنوع از مصاحبه‌ها نمودیم. در گام اول خلاصه راهبردی هر جلسه مشتمل بر مهمترین نکات مطرح شده و ایده مرکزی هر یک از صاحب نظران تهیه و تنظیم شد. این خلاصه راهبردی در شورای امور معرفتی به گفتگو و مباحثه گذاشته شد و در نهایت اهم نکات استخراج شده و در طراحی سیر نهایی اعمال گردید.

در گام دوم مصاحبه‌ها به صورت کامل پیاده‌سازی شد. متن‌ها پس از تبدیل از حالت گفتاری به نوشتاری، ویراستاری و عنوان‌گذاری به صورت منسجم و متن قابل نشر درآمد و به عنوان اسناد پشتیبان در مجموعه حاضر گردآوری شد که در فصل دوم همین اثر از نظر خواهد گذشت.

پنج. رصد ایده‌ها و طرح‌های موجود در این زمینه

اقدام دیگر در کنار مصاحبه با افراد، رصد ایده‌های موجود در زمینه سیر مطالعاتی آثار رهبری بود. در این مرحله کوشیدیم نکات، ایده‌ها و مطالب مرتبط رصد شده و تجمیع گردد تا اشراف کاملی نسبت به فضای موجود داشته باشیم. بخشی از محصول رصد شده، سیرهای مطالعاتی متعددی بودند که توسط فرادگوناگون پیشنهاد داده شدند که در پایان همین اثر به عنوان پیوست تقدیم می‌گردد.

شش. جمع‌بندی ایده‌ها و طراحی سیر مطالعاتی

اما مهمترین مرحله جمع‌بندی مطالب رصد شده، نکات به دست آمده از مصاحبه‌ها مباحثه ایده‌ها در شورای سیاستگذاری طرح و جمع‌بندی نهایی بود. شورای امور معرفتی کوشید با تکیه بر عقلانیت موجود در صحنه طراحی جدید تدوین نماید که محصول ساعت‌ها گفتگوست. پس از تدوین طرح اولیه، این طرح به مباحثه داخلی گذاشته شد و تا ایرادات آن رفع شود.

در مرحله بعد و پس از اعمال نکات اعضای شورای امور معرفتی، طرح به مباحثه و ارائه نقد و نظر در حلقه دیگری نهاده شد. در این مرحله افراد صاحب‌نظری که حتی در مرحله مصاحبه نیز حضور نداشتند، طرف مشورت قرار گرفتند و نکات ایشان نیز دریافت و اعمال گردید. در مرحله نهایی اثر پیش‌روی برای حدود ده نفر از صاحب‌نظران ارسال شده تا با مطالعه و ارائه نکات اصلاحی و تکمیلی ما را برای طراحی مطلوب مدد رسانند.

بخش دوم

گفت‌وگوهای با صاحب‌نظران پیرامون سیر مطالعاتی

۱. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی ذوعلم

اشاره:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی ذوعلم، استادیار گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. وی یکی از چهره‌های شناخته شده، موثر و پرکار حوزه فرهنگی کشور است. همچنین تمرکز ویژه‌ای بر آثار و اندیشه مقام معظم رهبری داشته و در این زمینه از تألیفات متعددی برخوردار است. از سوابق ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عضو شورای تحول و نوسازی نظام آموزشی و عضو شورای مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو شورای علمی گروه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - موسسه آموزش عالی حوزوی اندیشه، عضو کمیسیون فرهنگ و تمدن شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، مدیر اندیشه‌نامه انقلاب اسلامی و همچنین معاون آموزش پژوهش مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی اشاره کرد. ایشان هم‌اکنون مدیر اندیشکده بیانیه گام دوم هستند.

برخی آثار و کتب ایشان عبارتند از: جرعه جاری (سی مقاله پژوهشی به مناسبت بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، انقلاب و ارزش‌ها (پژوهشی درباره سیر تحول ارزش‌ها در پرتو انقلاب اسلامی در ایران)، نگاهی به مبانی قرآنی ولایت فقیه، سما (سیر مطالعات اسلامی)، نظریه تحول در اسلام (رهیافتی در باب گفتمان دینی)، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم، پیشرفت عدالت محور، تحلیل بیانیه گام دوم.

ضرورت طرح

کارکرد حوزه علمیه در نگاه انقلاب اسلامی صرفاً مباحث آکادمیک نیست؛ در کنار این‌ها نگرش انقلابی به اسلام و ابعاد دین نیز بسیار مهم است و باید روی آن کار شود تا حوزه علمیه

بتواند پیش‌برندهٔ انقلاب باشد. انقلاب اسلامی از اسلام برآمده است؛ نه از اسلام سکولار یا متحجر یا منهای روحانیت، بلکه از اسلامی که در بطن حوزهٔ علمیه با نگاه حضرت امام رحمته‌الله علیه رشد کرده است. ولی اگر امتداد انقلاب حلاجی نشود، دچار آسیب التقاط یا انحراف خواهیم شد یا خدای ناکرده ممکن است روند انقلاب و نظام از اسلام زاویه پیدا کند. بنابراین برای پیشگیری باید چنین مطالعات و پژوهش‌هایی داشته باشیم.

هدف‌گذاری صحیح طرح

اگر بخواهیم کمی خودمانی‌تر بگوییم، ما به دنبال این هستیم که افرادی بهتر از امام خمینی رحمته‌الله علیه و آیت‌الله خامنه‌ای تربیت کنیم. چون ایشان که معصوم نبوده‌اند؛ بالاخره خدای متعال می‌تواند توفیق و وسعت دهد. به این‌ها نیاز داریم. یک امام خمینی رحمته‌الله علیه و یک آیت‌الله خامنه‌ای برایمان کم است؛ باید ده‌ها آیت‌الله خامنه‌ای داشته باشیم. لذا باید توانمندی‌ها و انتظاراتی که از خروجی دوره دارید را قدری سطح بالا بگیرید. مخاطبان این دوره‌ها باید سی سال بعد، مجتهدانی مبلّغ، مولّد و غنی‌سازی‌کنندهٔ فکر انقلاب اسلامی باشند. اکنون چند نفر از فضایی قم در بحث ولایت‌فقیه دیدگاهی روشن و جذاب دارند؟ چند نفر می‌توانند مردم‌سالاری دینی با دیدگاه امام رحمته‌الله علیه و آقا را تبیین کنند؟ چند نفر می‌توانند مباحثه و مناظره کنند و کسی را که می‌گوید تمام روایت‌ها در این زمینه مخدوش است متقاعد کنند؟

به اعتقاد بنده باید به دنبال تربیت متفکران جوان اندیشمند انقلاب اسلامی اصیل باشیم که بتوانند مجتهدانه اندیشهٔ انقلاب اسلام ناب محمدی را براساس آنچه امام رحمته‌الله علیه و آقا گفته‌اند امتداد ببخشند، نه فقط تکرار کنند. تعمیق کنند، نه فقط روخوانی کنند. پس اینکه در حوزهٔ علمیه بر روی اندیشه‌های حضرت آقا کار عمیق و جدی مطالعاتی بشود واقعاً ضرورت دارد و نیاز است. نباید در این کار مقلدپروری کنیم، بلکه باید مجتهدپروری کنیم. درحقیقت باید این طلبه‌ها فضایی مجتهد انقلاب شوند؛ یعنی نگاهی اجتهادی به تفکر انقلاب داشته باشند و خودشان بتوانند در حلقه‌های دیگر، در مجامع دانشگاهی و حوزوی و سیاست‌گذاری، مبین و مدافع اندیشهٔ انقلاب باشند و بتوانند مسائل جدیدی را که در طول ده‌ها سال آینده به وجود می‌آید شناسایی و تحلیل کنند. به بیان دیگر، نگاه

آینده‌پژوهانه، بین‌المللی و تمدن‌ساز داشته باشند.

طلبة مجاهد انقلابی طلبه‌ای است که، به تعبیر بنده، اجتهاد را با تهجد و جهاد درآمیخته است؛ یعنی این سه ضلع را دارد: هم متعهد است و عبادت، تضرع، توکل و معنویت دارد؛ هم مجاهد است و جهاد فرهنگی، جهاد تبیین، جهاد رسانه‌ای، جهاد تربیتی و... می‌کند؛ و هم از بُعد علمی مجتهد است.

نشر تفکر انقلاب اسلامی در حوزه

چگونه تفکر انقلاب اسلامی در باب اسلام را در حوزه نشر دهیم؟

۱. ما برای انقلاب، هم به کار تعلیمی و آموزشی نیاز داریم، هم به کار تبلیغی و هم به کارهای تربیتی. البته کار تربیتی بسیار عمیق‌تر، ماندگارتر، ضروری‌تر و مفیدتر است که اگر نباشد، آن‌ها دیگر بی‌مایه می‌شوند. از این رو باید در برنامه رسمی درسی حوزه یک‌سری واحد درسی جنبی بگذاریم که طلبه‌ها با دیدگاه امام رحمته الله علیه و حضرت آقا به اجمال آشنا شوند؛ مثلاً طرح کلی را بخوانند.

۲. باید دائم در فضای حوزه در قالب همایش، کارگاه آموزشی، فراخوان کار پژوهشی، مقاله‌نویسی و... رویداد تولید و برگزار کنیم. باید به هر طریقی که می‌توانیم اسم آقا، اسم امام رحمته الله علیه، اسم انقلاب اسلامی و فراتر از این نام‌ها، دغدغه انقلابی و فکورانه را در حوزه همیشه زنده نگه داریم. در تشکلهای طلبگی باید این دغدغه ایجاد شده باشد. بسیج طلاب و اساتید و نهادهای انقلابی حوزه باید کاری انجام دهند.

شیوه برگزاری طرح

کلیت

می‌توان برای هر دوره سه‌ساله، طلبه‌های مستعد و داوطلب پایه‌های ششم و هفتم را در قالب گروه‌ها و حلقه‌های حداکثر نه نفره با حضور استاد راهنما سامان‌دهی کرد و طرح را در بستر شکل‌گیری این گروه‌ها تعریف کرد.

مخاطب

اگر قرار است که این کار به‌طور جدی و عمیق صورت بگیرد، نباید به‌عنوان ماده‌ای درسی تلقی شود. اتفاقاً رسمی و عمومی شدنش آفت است و شاید نقض‌غرض شود. بلکه باید کاملاً داوطلبانه طراحی شود و طلبه‌های خوب به این طرح ترغیب و تشویق شوند؛ مثلاً خوب است مقداری جبران مادی کنیم و رقمی معقول، و نه فریبنده، حق‌الزحمه بدهیم.

ورودی این دوره‌ها باید از جنبه‌ی التزام به بحث انقلاب اسلامی، بحث‌های اخلاقی و سلوکی، بحث‌های ساخته‌شدگی طراز اسلام و آنچه واقعاً از طلبه‌ها انتظار می‌رود تأیید شود. صرفاً طلبه‌هایی پذیرفته شوند که معدلشان بیشتر از هفده است و واقعاً درس خوانده‌اند؛ چون تعداد استادان شایسته (باحوصله، انقلابی، فاضل و...) برای این کار کم است و طلبه‌ها نیز باید گلچین و پذیرش شوند. آزمون ورودی بگیرید؛ در اینجا مصاحبه خیلی مهم است. نه یک نفر، بلکه چهار نفر مصاحبه بگیرند و به نتیجه برسند که آن فرد واقعاً اهل فکر و جهاد فرهنگی هست یا خیر.

استاد

مسئله بسیار مهم استادان راهنما هستند که باید با تأمل انتخاب شوند که هم خصلت‌های اخلاقی و انقلابی داشته باشند و هم از حیث علمی در حدی باشند که بتوانند این گروه‌ها را راهنمایی کنند؛ همچنین فرصت این را داشته باشند که به‌عنوان مشاور و کمک‌کننده در کنارشان باشند و هر هفته یا هر دو هفته یک بار با هم جلسه‌ای چندساعته تشکیل دهند. آقا فرموده‌اند: بعضی‌ها نه فقط استاد علم، بلکه استاد فکرند. استاد راهنما باید بیشتر استاد فکر و اخلاق و عمل جهادی باشد. این هم کلیدواژه‌هایی است که می‌شود در بحث‌های مقام معظم رهبری اصطیاد کرد و ملاک قرار داد.

استاد راهنما از اول باید با اعضای گروه هماهنگ باشد؛ یعنی از ابتدا که طلبه‌های گروه انتخاب می‌شوند، استاد راهنما آنان را برانداز کند و خود از اعضای گروه مصاحبه‌گر باشد. استاد راهنما باید انگیزه این کار را داشته باشد؛ یعنی خودش بگوید می‌خواهم چند نفر تربیت کنم که اهل قلم، اهل سخن، اهل چالش و اهل مناظره شوند.

نکته دیگر اینکه استادان باید به‌گونه‌ای حمایت و تأمین شوند که در یک دوره سه‌ساله پای این کار بایستند. آفتی که در این زمینه داریم این است که کار رها می‌شود. باید با

استادان قرارداد محکم سه‌ساله بسته شود و تأمین شوند که بتوانند وقت بگذارند، مطالعه کنند و درگیر شوند. البته نه اینکه فقط خودشان با گروه ارتباط داشته باشند، بلکه در هر موضوع تخصصی استادی متخصص بیاورند و گروه را تغذیه کنند.

شیوه کار

بنده روش را به اندازه محتوا مهم می‌دانم. شیوه باید تلفیقی از تربیت و آموزش و پژوهش باشد؛ هم بشنوند و هم بگویند. این‌ها باید طلبه طراز انقلاب را بسازند؛ یعنی بعد خودسازی که امام رحمته الله علیه و آقا مطرح کرده‌اند و زنی طلبگی که امام رحمته الله علیه خیلی بر آن تأکید داشته‌اند، برایشان از نظر ذهنی و باوری روشن شود و رفتارشان را با آن تنظیم کنند.

باید برای این گروه‌ها کارگاه‌های هم‌اندیشانه تعریف شود و نه کلاس یا دوره کارگاهی. کارگاه‌های اندیش‌ورزانه و مباحثاتی در سه ضلع تعریف می‌شوند:

۱. **تأمل و کار فکری طلبه** که باید با رویکرد نقد و حتی تکمیل و نوآوری و امتداد و تعمیق به مباحث پردازد؛ یعنی نباید چنین بیندیشیم که مباحثی که مثلاً حضرت آقا در دهه پنجاه یا شصت مطرح کرده‌اند آخر خط است. مقام معظم رهبری در بحث فکری و اندیشه‌ای، معلم جامعه است. باید از ایشان، به‌عنوان معلم، بشنویم و خودمان به حاق مطلب برسیم و حتی تعمیق و امتدادش دهیم. متفکران دیگر نیز مانند شهید صدر، علامه مصباح و... باید به‌عنوان منابع جنبی دیده شوند.

طلبه‌ها در این حلقه‌ها باید بیشتر به نقاط تمایز بپردازند که این تمایز در فهم چگونگی شیوه تفکر رهبری بسیار مهم است. پس رویکرد باید کاملاً اندیشه‌ورزانه، نقادانه و امتداددهنده اندیشه متفکران انقلاب اسلامی باشد. بعد دریابند که کارایی آن اندیشه برای امروز ما چیست؛ سپس امتداد و تبلور آن اندیشه در نظام جمهوری اسلامی و جبهه و جریان انقلاب اسلامی چه مقدار بوده و ما چه مقدار زاویه داریم. باید با هدایت استاد راهنما بر روی این نکته‌های مهم تأمل کرد.

به تدریج طلبه‌ها باید با مقاله نوشتن و مصاحبه و درگیر شدن در تدریس و بحث پخته شوند، آورده داشته باشند، ایده‌پردازی و تحلیل و حتی برای بحث‌های گوناگون عملیاتی راهکار ارائه کنند.

۲. **مباحثه در گروه:** رویکرد گروه باید رویکرد مباحثاتی و آزاداندیشانه و کاملاً نقادانه باشد و اعضا به هیچ‌وجه در بُعد فکری کوتاه نیایند. باید این ظرفیت ایجاد شود که شخصیت زده بحث نکنند، بلکه فکری و اندیشه‌ورزانه بحث کنند. از طرفی باید مراقب باشیم که حلقه‌هایشان علمی به معنای تخصصی نشود، بلکه حلقه فکری باشد. چون مخاطبان طرح طلبه هستند، منابع اصلی دستشان است: قرآن، روایات، سیره اهل بیت علیهم‌السلام. اصلاً می‌توانند بیانات رهبری را مستند کنند. اگر می‌خواهند نقد و نوآوری کنند، باید از منابع اصلی دینی مان باشد.

۳. مطالعه منابع که در سیر محتوایی به آن می‌پردازیم.

این دوره سه‌ساله می‌تواند یک دوره یک‌ساله عمومی داشته باشد که آشنایی و تأملی کلان در اندیشه امام رحمته‌الله‌علیه و رهبری باشد. باید در نظر داشت که نمی‌شود اندیشه حضرت آقا را بدون اندیشه حضرت امام مطرح کرد. پس حتماً باید پیوندی از آغاز بین این دو وجود داشته باشد که این‌ها اندیشه ناب انقلاب اسلامی هستند.

برای دوره عمومی از جمله مباحثی که بسیار مهم است و خوشبختانه در موسسه انقلاب اسلامی (نشر آثار مقام معظم رهبری) درموردش کار و منبع تولید شده، بحث دین‌شناسی حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و حضرت آقا است که نگاهشان به اسلام چه بوده است؛ مثلاً نگاه امام رحمته‌الله‌علیه و رهبری به زن، هنر، موسیقی، فرهنگ، سیاست، علم و فناوری، پیشرفت، غرب و... این‌ها محورهای مهمی است که باید بحث شود؛ یعنی هم معلم می‌خواهند، هم مباحثات می‌خواهند و هم باید خودشان بیندیشند. باید مقاله ترویجی هم داشته باشند. در دو سال بعد نیز علمی و تخصصی کار کنند.

الان نباید وارد بحث محتوا برای سال دوم و سوم شویم. اگر قرار است که این دوستان بعداً متفکر انقلاب اسلامی شوند و از آن دفاع کنند، باید نگاهشان تمدن‌ساز باشد. در نگاه تمدن‌سازی، باید فکر تمدنی پرورش یابد. یکی از موضوعاتی که نیاز به پژوهش دارد، همین تمدن اسلامی است. حال موضوعات با توجه به مسائل و چالش‌های کلانی که دست می‌آید که امروزه در جامعه خودمان با آن‌ها مواجهیم و تمدن نوین غربی بر آن‌ها تمرکز کرده است؛ یعنی نقاط تلاقی تفکر غرب امروز با چالش‌های خودمان.

تأکید می‌کنم که باید مراقب باشیم این حلقه‌ها علمی به معنای تخصصی نشوند، بلکه

حلقه‌های فکری باشند. اگر به دنبال این هستیم که استاد فکر تربیت کنیم و نشست‌هایشان اندیشه‌ورزانه باشد، باید به سراغ بعضی از منابع غربی نیز بروند؛ مثلاً بررسی کنند که تفاوت عدالت و آزادی در نگاه اسلامی و غربی چیست. البته نه از بُعد علمی. بُعد علمی خیلی عریض می‌شود و ما را کمی از هدف دور می‌کند.

چنین دوره‌ای خودبه‌خود به فکر اعضای حلقه‌ها جهت می‌دهد تا خودشان پس از اتمام سطح، در حوزه تخصصی تفسیر، قرآن‌شناسی، کلام و... فکر انقلاب اسلامی را به صورت تخصصی تبیین و تعمیق کنند یا توسعه دهند.

امتداد دوره

پس از پایان دوره سه‌ساله، می‌شود دوره هفت‌ساله‌ای را تعریف کرد که خودشان در سطح عمیق‌تری با هم گفت‌وگو و بحث داشته باشند؛ مثلاً انجمن پژوهشگران انقلاب اسلامی تشکیل دهند، در آن انجمن گفت‌وگو کنند، نشست و سمینار و همایش برگزار کنند، به دانشگاه و خارج از کشور بروند و....

احتراز

من دوستان را از دو چیز به شدت احتراز می‌دهم:

یکم از اینکه این طرح در برنامه رسمی حوزه گنجانده شود؛ چون آسیب می‌زند. وقتی درسی رسمی شود به ناچار باید استاد داشته باشد؛ استاد شایسته نیز زیاد پیدا نمی‌شود و کار خراب می‌شود. طرح باید داوطلبانه باشد.

دوم از اینکه منتهی به مدرک شود. به قول آیت‌الله بهاء‌الدینی (که از امثال ایشان و آیت‌الله بهجت نیز باید در دوره نام برده شود) به ثبوت بیندیشید، نه به اثبات؛ یعنی به نفس الامر مسئله، نه اینکه چه گزارشی از آن داده می‌شود. کاری کنید مشکلی تولید شود که خودش خاصیت داشته باشد؛ در این صورت طرح به موفقیت می‌انجامد.

گزیده نکات:

ما به دنبال این هستیم که افرادی بهتر از امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه و آیت‌الله خامنه‌ای تربیت کنیم. مخاطبان این دوره‌ها باید سی سال بعد، مجتهدانی مبلّغ، مولّد و غنی‌سازی‌کننده فکر انقلاب اسلامی باشند.

به اعتقاد بنده باید به دنبال تربیت متفکران جوان اندیشمند انقلاب اسلامی اصیل باشیم که بتوانند مجتهدانه اندیشه انقلاب اسلام ناب محمدی را براساس آنچه امام رحمه‌الله‌تعالیه و آقا گفته‌اند امتداد ببخشند، نه فقط تکرار کنند. تعمیق کنند، نه فقط روخوانی کنند.

می‌توان برای هر دوره سه‌ساله، طلبه‌های مستعد و داوطلب پایه‌های ششم و هفتم را در قالب گروه‌ها و حلقه‌های حداکثر نه نفره با حضور استاد راهنما سامان‌دهی کرد و طرح را در بستر شکل‌گیری این گروه‌ها تعریف کرد.

بنده روش را به اندازه محتوا مهم می‌دانم. شیوه باید تلفیقی از تربیت و آموزش و پژوهش باشد؛ هم بشنوند و هم بگویند. این‌ها باید طلبه طراز انقلاب را بسازند؛

برای دوره عمومی از جمله مباحثی که بسیار مهم است و خوشبختانه در موسسه انقلاب اسلامی (نشر آثار مقام معظم رهبری) درموردش کار و منبع تولید شده، بحث دین‌شناسی حضرت امام رحمه‌الله‌تعالیه و حضرت آقا است که نگاهشان به اسلام چه بوده است؛ مثلاً نگاه امام رحمه‌الله‌تعالیه و رهبری به زن، هنر، موسیقی، فرهنگ، سیاست، علم و فناوری، پیشرفت، غرب و... این‌ها محورهای مهمی است که باید بحث شود؛

تأکید می‌کنم که باید مراقب باشیم این حلقه‌ها علمی به معنای تخصصی نشوند، بلکه حلقه‌های فکری باشند.

۲. گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد عبدالحسین خسروپناه

اشاره:

استاد عبدالحسین خسروپناه یکی از اساتید و نظریه‌پردازان برجسته حوزه علمیه قم است. از وی آثار علمی متعددی (بالغ بر ۵۰ عنوان) به زیور طبع آراسته شده است. اما یکی از مهمترین آثار وی «کتاب منظومه فکری مقام معظم رهبری» در دو مجلد است که می‌کوشد رهیافتی به منظومه فکری ایشان باشد. استاد خسروپناه عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بوده و اکنون دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشند.

رهبری ایدئولوگ استراتژیست

من اگر بخواهم شهید مطهری را به شما معرفی کنم، باید بگویم او یک ایدئولوگ بود اما استراتژیست نبود. اگر بخواهم شهید بهشتی را به شما معرفی کنم، باید بگویم بهشتی یک استراتژیست بود اما ایدئولوگ نبود. نمی‌خواهم بگویم شهید بهشتی اصلاً بحث ایدئولوگ نداشت و یا شهید مطهری اصلاً استراتژی نداشت بلکه استراتژیست نبود.

من مقام معظم رهبری را جامع شهید مطهری و شهید بهشتی می‌شناسم. ایشان ایدئولوگ استراتژیست است. در بخش مبانی نظری ایشان دقیقاً مثل یک ایدئولوگ کامل و جامع ورود پیدا کرده است و در هر بحثی نیز اصول راهبردی دارد. من طلبه حوزه علمیه هستم و مباحثات فقهی دارم، فقهای ما عمدتاً فقیه احکام هستند اما مقام معظم رهبری فقیه راهبرد است. ایشان موسس فقه راهبردی است. راهبرهای که ایشان در زمینه‌های مختلف ابلاغ کرده است دقیقاً با روش اجتهادی است.

راهگشا و راهبردی بودن اندیشه رهبری

من یاد ندارم جایی و مسئله‌ای وجود داشته باشد که جزو دغدغه رهبری عنوان شده و ما اگر کم توجهی کردیم متضرر نشده باشیم تجربه ثابت کرده هر جا کوتاهی کردیم خودمان ضرر کردیم.

اوایل انقلاب عده‌ای تصمیم گرفتند ارتش جمهوری اسلامی ایران را منحل کنند. همه کسانی که اکنون علیه سپاه حرف می‌زنند و خُرده می‌گیرند اول انقلاب به دنبال انحلال ارتش بودند.

بخاطر دارم یکی از شخصیت‌های که به جد از ارتش حمایت کرد و لباس ارتشی می‌پوشید و در منطقه حضور پیدا می‌کرد و بنده مکرر در دزفول و در پایگاه نیروی هوایی ارتش و مسجد جامع شخصاً دیدم، آیت‌الله خامنه‌ای بود. می‌دیدم ایشان با لباس ارتشی برای تثبیت و تحکیم ارتش جمهوری اسلامی حضور پیدا می‌کرد. تا ارتش منحل نشود تا ارتش و سپاه با هم ۲ بازوی نظامی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شوند. آن زمان خیلی‌ها می‌گفتند حفظ ارتش تصمیم انقلابی نیست، تصمیم انقلابی منحل ارتش است اما آیت‌الله خامنه‌ای تصمیم صحیح انقلابی اتخاذ کردند.

ما در دوران دفاع مقدس با امکانات خیلی کمی برخوردار بودیم. سیم خاردار نداشتیم. زنجیرهایی که به وسیله آن رزمندگان پلاک‌هایشان را به گردن آویزان می‌کردند را هم نداشتیم. در عملیات رمضان برای آویزان کردن پلاک به ما سیم تلفن دادند و به وسیله آن پلاک‌ها را به گردن می‌بستیم. ما وقت نماز متوجه زخم گردن مان می‌شدیم. در عملیات بدر به بچه‌ها گفتند یا لباس نظامی انتخاب کنید یا شلوار چون لباس کامل نظامی وجود نداشت رزمندگان بپوشند. بعضی لباس شخصی با شلوار نظامی پوشیدند و بعضی‌ها برعکس. موشک‌هایی که داشتیم نیز خیلی محدود بود که از طریق بازار سیاه و واسطه‌ها با چند برابر قیمت واقعی خریداری می‌شد.

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر شد. اولین توصیه‌ای که به فرماندهان ارشد سپاه و ارتش کردند این بود که باید موشک بسازیم. و در بُرد و ارتفاع نباید رادارها بتوانند روی موشک‌های ما تاثیرگذار باشند. تازه جنگ تمام شده بود و صدام شکست خورده بود. همه دنیا علیه آن‌ها موضع گرفته بودند و مهاجم شناخته شده بودند. این تصمیم در مخیله کسی نمی‌گنجید

که الان اگر این قدرت موشکی و نظامی را نداشتیم ده‌ها و صدها بار حمله نظامی می‌شد. رهبری وقتی دیدند کشور از نظر علمی افت دارد و رتبه علمی ما که جایگاه تمدنی داریم رتبه ۶۰ و ۷۰ بود. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «این شأن ایران نیست، نقشه جامع علمی کشور باید نوشته شود تا رتبه ایران ارتقا پیدا کند» اینقدر مطالبه، پیگیری و دنبال کردند تا رتبه علمی کشور به ۱۶ رسید. ایشان شخصاً از بسیاری از طرح‌ها علمی حمایت می‌کردند. مرحوم کاظمی آشتیانه ذکر کردند «هرجا ما مراجعه کردیم حمایت نشدیم، تنها کسی که از ما حمایت و پشتیبانی کرد شخص رهبری بود و پس از دستور ایشان سایر نهادها حمایت کردند.»

در عرصه ماهواره شخص رهبری پیگیری می‌کردند. وقتی می‌گفتند ایران ماهواره بسازد، خودی‌ها مسخره می‌کردند. رهبر انقلاب حمایت، پیگیری و تصمیم گرفت که می‌توانیم و ماهواره هم ساختیم. و اولین ماهواره به مدار ۴۵ درجه پرتاب شد. نمونه بعدی تصمیم‌های حکیمانه، مدبرانه، عادلانه و حلیمانه رهبر انقلاب نسبت به فتنه‌های مختلف کشور است. بعد از رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تاکنون چندین فتنه دامن کشور را گرفته که رهبر انقلاب منصفانه، عادلانه و حکیمانه این فتنه‌های داخلی را خنثی، حل و بصیرت زایی کردند.

رویکرد اجتهادی رهبری

در هر بحثی که ایشان وارد شده‌اند، دقیقاً با روش اجتهادی بحث کرده‌اند. یک ادعای ذوقی در اندیشه رهبری ندیده‌ام. نکته دیگر اینکه شخصیت‌هایی مانند حضرت آقا چون شخصیت‌های جامعی هستند سخنانشان نظام‌مند است و اجزای آن یکدیگر را تکمیل می‌کنند. مثلاً کسی بخواهد همه نظامات اجتماعی را بداند باید نظام فرهنگی رهبری را ببیند چون روح نظامات اجتماعی در نگاه رهبری، فرهنگ است.

اهمیت و ضرورت نگاه منظومه‌ای

نگاه منظومه‌ای به اندیشه بزرگان، اهمیت بسیاری دارد، هر شخص و یا انسان بزرگی دارای منظومه فکری نیست و انسان‌های محدودی این نظام مندی را در سخنان و کردار و رفتار خود دارند.

وقتی شخصیت ارزشمندی همچون مقام معظم رهبری این منظومه فکری را دارند، هر زمان یک بخش از این پازل را با کلمات و بیانات خود پر می‌کنند؛ مثلاً یک زمان با دانشگاهیان، هنرمندان، ورزشکاران، نظامیان و ... دیدار دارند ولی خط بحث ایشان یک مسیر مشخص را طی می‌کند و فقط برای آن جمع سخن نمی‌گویند؛ در واقع در هر سخنرانی، یک بخش از این پازل تکمیل می‌شود.

رهبری تنها یک نظریه‌پرداز در یک علم خاص نیست بلکه ایشان با تبحر خاصی که در علوم چون فقه، اخلاق، جامعه‌شناسی و تاریخ و قرآن و... دارند ولی همیشه به نظرات کلان تحول آفرین می‌پرداختند؛ همچون نظام تحولی که ایشان در دیدار با اکابر فلسفه حوزه به آن اشاره کردند که واقعا جای حیرت داشت که ایشان چقدر زیبا نظریه تحول در حوزه فلسفه اسلامی را مطرح کردند و چگونه پنجره‌های جدیدی به روی فلاسفه حوزوی باز شد.

منظومه فکری رهبری، مجموعه مدیریتی استراتژیک است که بسیار کلان‌تر از مدیریت نظریه است؛ نگاه ایشان نگاه استراتژیک، راهبردی و کلان و خط ده به جریانات مختلف فکری، فرهنگی، اجتماعی و... است. در بحث نگاه توحیدی نیز، ایشان و امام راحل یک نگاه توحیدی اعتقادی و اجتماعی داشتند، این دو شخصیت ارزشمند جهان اسلام، هیچگاه ذره‌ای از روش و متدولوژی قرآن و روایات خارج نشدند و حرف خود را به جای حرف خدا و اولیاءالله نزدند. شالوده اصلی تفکرات نظام‌مند مقام معظم رهبری مساله توحید است که می‌خواهد بر کل جامعه تاثیر بگذارد.

ابعاد منظومه فکری رهبری

منظومه فکری رهبری دارای سه ساحت اساسی است:

ساحت اول عبارت از روح نظام فکری رهبری است که عبارت از توحید محوری است که بر تمام اجزاء منظومه سریان دارد.

ساحت دوم عبارت از رکن منظومه است که پیوند محکم بین ولایت و مردم و به تعبیری مردم سالاری ولایی است.

ساحت سوم عبارت از غایت منظومه یعنی تمدن نوین اسلامی از طریق استقلال و

آزادی و عدالت و پیشرفت است.

اسلام شناسی و ولایت شناسی دو معرفت انسان شناسی و جهان شناسی را به بار می‌نشانند؛ از مجموعه این تعاملات فکری به شناخت جامعه مطلوب می‌رسید. در نظام بخشی سه بحث را باید از هم جدا کرد که نخستین آن، نظام‌های عمدتاً اجتماعی است که در آن از نظام حقوقی اخلاقی استفاده می‌شود؛ و دیگری اهداف نظام اجتماعی و رویکردهای نظام اجتماعی است.

نظام تفکر اجتماعی، عبارت از نظام علمی، عبادی، تربیتی، مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و امنیتی است که با رویکرد فرهنگ اسلامی تنظیم شده است؛ اینها می‌خواهند به آزادی، استقلال، عدالت و پیشرفت و تمدن برسند؛ در منظومه فکری رهبری در این بعد، عدالت، پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی را مشاهده می‌کنیم که هدف نهایی آن، رسیدن به کمال و قرب الهی است که مرکز و کانون آن، تفکر توحیدی است.

حال با توجه به همه این نکات باید گفت یکی از ضرورت‌ها برای رشد جامع طلبه آشنا کردن ایشان با منظومه فکری رهبری فرزانه انقلاب است. از این روی طراحی سیر مطالعاتی آثار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری امری لازم و ضروری است. این سیر باید بتواند نگاهی جامع برای طلبه نسبت به اندیشه رهبری ایجاد کند و شناختی منظومه‌ای پدید آورد.

گزیده نکات:

من مقام معظم رهبری را جامع شهید مطهری و شهید بهشتی می‌شناسم. ایشان ایدئولوگ استراتژیست است.

فقه‌های ما عمدتاً فقیه احکام هستند اما مقام معظم رهبری فقیه راهبرد است. ایشان موسس فقه راهبردی است.

شخصیت‌هایی مانند حضرت آقا چون شخصیت‌های جامعی هستند سخنانشان نظام‌مند است و اجزای آن یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

منظومه فکری رهبری، مجموعه مدیریتی استراتژیک است که بسیار کلان‌تر از مدیریت نظریه است؛

منظومه فکری رهبری دارای سه ساحت اساسی است:

ساحت اول عبارت از روح نظام فکری رهبری است که عبارت از توحید محوری است که بر تمام اجزاء منظومه سریان دارد.

ساحت دوم عبارت از رکن منظومه است که پیوند محکم بین ولایت و مردم و به تعبیری مردم سالاری ولایی است.

ساحت سوم عبارت از غایت منظومه یعنی تمدن نوین اسلامی از طریق استقلال و آزادی و عدالت و پیشرفت است.

یکی از ضرورت‌ها برای رشد جامع طلبه آشنا کردن ایشان با منظومه فکری رهبری فرزانه انقلاب است. از این روی طراحی سیر مطالعاتی آثار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری امری لازم و ضروری است. این سیر باید بتواند نگاهی جامع برای طلبه نسبت به اندیشه رهبری ایجاد کند و شناختی منظومه‌ای پدید آورد.

۳. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد محمد عالم‌زاده نوری

اشاره:

استاد عالم‌زاده نوری یکی از چهره‌های شناخته شده در حوزه‌های علمیه و بین طلاب است. کتاب راه و رسم طلبگی ایشان یکی از کتبی است که طلاب از بدو ورود به حوزه برای شناخت مسیر و رسالت طلبگی خود با آن انس می‌گیرند. استاد عالم‌زاده نوری که امروز سکاندار معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه کشور را به عهده دارد و در پی ایجاد تحول در نظام تربیتی و تهذیبی حوزه است. وی یکی از صاحب نظران حوزه اخلاق و تربیت و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است و آثار متعددی از وی تا کنون منتشر شده است از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: درآمدی بر زی طلبگی، سیمای آرمانی طلبه در نگاه رهبر انقلاب، استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و أدله لفظی، راهبردی تربیت اخلاقی در قرآن کریم.

اسلام‌شناسی؛ نصاب طلبگی

حوزه‌های علمیه متولی پرورش عالمان دین هستند. خروجی حوزه‌های علمیه در دو کلمه، مختصر و مفید عبارت است از: «اسلام‌شناس». خروجی حوزه علمیه فیلسوف، استاد اخلاق، اقتصاددان، روان‌شناس، جامعه‌شناس یا اندیشمند سیاسی نیست. فقط «عالم دین» است؛ البته این عالم دین وقتی میخواهد به جامعه خدمت کند، طبیعتاً نمیتواند در همه سنگرها حاضر باشد و همه مشکلات جهان را حل کند؛ باید یک سنگر مشخص را به عنوان عرصه‌ی خدمت خود انتخاب کند. آن وقت اگر در زمینه فلسفه و حکمت اسلامی خدمت کرد، می‌شود عالم دینی که فیلسوف است؛ اگر در زمینه اخلاق اسلامی کار کرد، می‌شود عالم دینی که استاد اخلاق است. در هر زمینه که به شکل تخصصی ورود کرد،

می‌شود عالم دینی که آن تخصص را دارد.

برخی از رشته‌های علمی مانند اخلاق، روان‌شناسی و بسیاری از علوم اجتماعی مثل جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم سیاسی، اقتصاد، علوم تربیتی و... هم در حوزه و هم در دانشگاه ارایه می‌شود. تفاوت حوزه و دانشگاه در این رشته‌ها این است که دانشگاهیان محتوای این علوم را می‌خوانند که از آن به‌صورت مستقیم بهره‌گیرند؛ اما حوزویان، عالمان دین هستند نه متخصصان این علوم، و اگر این علوم را می‌خوانند - با توجه به اختلاف مبانی علوم غربی با فرهنگ اسلامی - نمی‌خواهند آن را مستقیم مصرف کنند، بلکه به‌عنوان عالم دین در جهت فهم و ارایهٔ بهتر معارف اسلامی از آن بهره‌می‌گیرند. مثلاً یک دانشجوی، روان‌شناسی می‌خواند تا آموخته‌های خود را در یک مرکز مشاوره یا کلینیک روان‌شناسی به‌کار گیرد؛ اما طلبه همین روان‌شناسی را احتمالاً با همان متون می‌خواند نه به هدف اینکه سخن‌گوی نظریات دانشمندان غربی باشد؛ بلکه به این غرض که با فضای عمومی روان‌شناسی و موضوعات و مکاتب آن آشنا شود و بتواند در راه تولید و به‌کارگیری روان‌شناسی اسلامی نقشی ایفا کند؛ یعنی طلبه اصالتاً به دنبال علم دین است و در نهایت پس از تحصیل در حوزهٔ علمیه، «عالم دین» خواهد شد، اما از آنجا که عرصهٔ موضوعات دینی، بسیار گسترده، عمیق و فراتر از عمر متوسط آدمیان است، عالم دین در مرحلهٔ خدمت، توان خود را در یک حوزهٔ تخصصی متمرکز می‌کند. بنابراین خروجی حوزه در این علوم کسی است که ابتدا عالم دین است و در مرتبهٔ بعد به این موضوعات اشراف و احاطه یافته تا سخن دین را در آن کشف و عرضه کند. پس تخصص اصلی طلبه، علوم دینی و قدرت بهره‌گیری از قرآن و حدیث است و علوم اجتماعی، حوزهٔ مطالعات جانبی اوست که تنها یک پنجرهٔ ارتباطی با موضوعات جدید برای او پدید می‌آورد.

خلاصه اینکه حوزویان به‌عنوان وارثان انبیا، موظف به تفقه هستند. تفقه یعنی فهم عمیق و کامل معارف اسلامی «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۱. حوزویان باید اسلام‌شناس و متفقه در دین خدا باشند.

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲۲.

فهم جامع دین و نگاه کلان به آن، ضرورت اسلام‌شناسی بودن

شناخت دین خدا شرایطی دارد. کسی میتواند ادعای اسلام‌شناسی کند که دین را به صورت جامع، یکپارچه و منظومه‌ای بشناسد؛ نه اینکه تنها پاره‌هایی از دین را به صورت تصاویر ازهم‌گسیخته دیده باشد. این شناخت گسیخته، دین‌شناسی نیست. این صورت ناموزون همان حکایت فیل در تاریکی است، کسی که به پای فیل دست زده است، فیل را چیزی شبیه ستون می‌داند؛ اما کمی نرم‌تر! کسی که گوش فیل را لمس کرده است، فیل را به چیزی شبیه بادبزن تشبیه می‌کند؛ اما کمی بزرگ‌تر! و کسی که به خرطوم فیل دست زده است فیل را چیزی شبیه ناودان می‌داند اما کمی نازک‌تر! هیچ یک از اینها فیل‌شناس نیستند.

این مسئله ناشی از این است که یک نگاه یک‌پارچه از بالا به مجموعه‌ی اندام فیل نشده است، بلکه در آن تاریکی، تنها بخشهایی دیده شده است. فرض کنید از یک فیلم سینمایی یک‌ساعته، صد عکس تهیه کنند و به کسی نشان دهند، این فرد فیلم را ندیده است و بر داستان آن اشراف ندارد؛ اما اگر بخش‌های مهم فیلم را انتخاب کنند و بر اساس سیر داستان به او نشان دهند آگاهی او از داستان قابل اعتمادتر است.

نظام اندیشه اسلامی نگاه کلان به اسلام است. در نگاه کلان، نقاط کلیدی و نقاط عطف یک شیء تبیین می‌شوند چنانکه به یک نمودار نگاه می‌کنیم و نقاط عطف آن را به سرعت تشخیص می‌دهیم. در نگاه کلان روابط کل را با اطرافش به دست می‌آوریم. بخش‌های کلیدی یک کل روشن می‌شود، نسبت و تناسب آن تبیین می‌گردد. جایگاه امور معلوم می‌شود و توجه به روابط و نسبت‌های مهم می‌شود. شناخت دین با این ویژگی‌ها غیر از شناخت اجزا و فروع آن است. در این رویکرد تک‌تک آیات یا روایات کافی نیست، بلکه باید جمع آنها را در نظر گرفت.

ویژگی دیگر نظام اندیشه هماهنگی و انسجام است. «طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها، یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی است»^۱.

ما در صورتی به هدف تحصیلات حوزوی میرسیم که یک نگاه کلان یکپارچه به مجموعه‌ی تعالیم دینی داشته باشیم. این نگاه باید تصویری موزون، هماهنگ، متناسب،

۱. سید علی خامنه‌ای؛ طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ مقدمه.

متوازن و به تعبیر زیبایی رهبر معظم انقلاب در مقدمه کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، متماسک و متحدالاجزا باشد. اگر این تصویر، ناموزون و نامتناسب شد، درک ما از تعالیم دینی، درک درستی نیست؛ یعنی اسلام‌شناس نشده‌ایم؛ چون تصویری است که یا بعضی از اجزایش دیده نشده‌اند؛ یعنی شیر بی‌یال و سر و ایشکم میشود. یا بعضی از اجزا به درستی در جایگاه خود قرار نگرفته‌اند یا حتی اگر همه‌ی اجزا دیده شده، شبکهی مناسبات و تَرَابط بین اجزا، خوب فهم نشده است و فهم ما فهم کاریکاتوری است که در این صورت هم اسلام‌شناس نیستیم.^۱

نگرش اتمی و فهم جزیره‌ای یعنی جزء‌نگری و بیبهره بودن از نگاه جامع، آسیبی است که حضرت امام نیز نسبت به آن هشدار می‌دادند: «یک فاجعه‌ای برای اسلام از اول تا حالا بوده، و آن فاجعه اینکه اسلام را نشناخته‌اند. کسانی که بحث از اسلام کردند، چه در سابق و چه در لاحق، اینها اسلام را با همه ابعادش نشناختند. هر کسی یک بُعدی از ابعاد اسلام را در آن نظر کرده است».^۲

رهبر معظم انقلاب نیز در مقدمه کتاب طرح کلی پس از بیان ضرورت «طرح و نقشه یک آیین متحدالاجزا و متماسک که نسبت آن با مکتب‌ها و آیین‌های دیگر مشخص باشد» به همین موضوع اشاره کرده‌اند: «[باید] مسائل فکری اسلام، به صورت پیوسته و به عنوان اجزای یک واحد، مورد مطالعه قرار گیرد و هر یک به لحاظ آنکه جزئی از مجموعه دین و عنصری از این مرکب و استوانه‌ای در این بنای استوار است و با دیگر اجزا و عناصر، هم‌آهنگ

۱. این دین‌شناسی جامع و منظومه‌وار حد نصاب طلبگی است؛ یعنی بدون آن طلبه به واقع طلبه نیست. به بیان دیگر اگر کسی در حوزه مجتهد نشود اشکال ندارد؛ ولی اگر با وجود امکانات فراوان، دین‌شناس نباشد پذیرفته نیست. امروزه برای انجام هر خدمتی و ایفای هر نقشی در عالم طلبگی به دین‌شناسی نیاز است. از این رو چه کسی بخواهد مجتهد شود و چه نخواهد، ضروری است این نگاه کلان یکپارچه را به معارف دینی داشته باشد.

نسبت بین این اسلام‌شناسی با اجتهاد نیز عموم و خصوص من وجه است؛ یعنی به دست آوردن این تصویر جامع از دین، ممکن است به شکل اجتهادی باشد یا به شکل تقلیدی یعنی با اعتماد به اسلام‌شناسانی که این تلاش را کرده‌اند صورت گیرد. مثلاً شخصی با مطالعه آثار اندیشمندان بزرگ اسلامی اسلام‌شناس شود. بنابراین نه هر اسلام‌شناسی مجتهد است و نه هر مجتهدی الزاماً اسلام‌شناس است؛ زیرا مجتهد کسی است که توان استنباط و دریافت دین را از منابع معتبر داراست. ممکن است چنین مجتهدی فرصت یا دغدغه‌ی استنباط منظومه‌ی کامل معارف دینی را نداشته باشد یا این تلاش را آغاز کرده ولی هنوز به نهایت آن نرسیده باشد یا توان استنباطش را فقط خرج گوشه‌ای از معارف دین کرده باشد، به هر حال هنوز اسلام‌شناس نشده است. تفصیل این بحث را در کتاب راه و رسم طلبگی؛ دفتر پنجم ملاحظه کنید.

۲. صحیفه امام، ج ۴، ص ۶.

و مرتبط است - و نه جدا و بی‌ارتباط با دیگر اجزا - بررسی شود تا مجموعاً از شناخت این اصول، طرح کلی و همه جانبه‌ای از دین، به صورت یک ایدئولوژی کامل و بی‌ابهام و دارای ابعادی متناسب با زندگی چندبُعدی انسان، استنتاج شود».

شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «کسی که میخواهد پیامی را به جامعه برساند باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد. باید فهمیده باشد که هدف این مکتب چیست؟ اصول و پایه‌های این مکتب چیست و راه این مکتب چیست و به کجا میرسد. اخلاق، اقتصاد و سیاست این مکتب چیست؟ ... از اینجا معلوم میشود که برای یک نفر مبلغ تا چه اندازه وسعت اطلاعات علمی و شناخت اسلام آن هم به صورت یک مکتب لازم است. اسلام خودش یک مکتب است، یک اندام است. یک مجموعه هماهنگ است. یعنی اگر تک‌تک شناختی، فایده ندارد. باید همه را در آن اندام و ترکیبی که وجود دارد بشناسی. ارزیابی ما درباره مسائل اسلامی باید درست باشد. برای یک اندام، یک عضو به تنهایی ارزش ندارد. در اندام انسان دست، پا و غیره هر کدام یک عضو هستند، ولی آیا ارزش این اعضا در این اندام، با اینکه همه لازم و واجب هستند، یک جور است؟ آیا اگر لازم شد، یک عضو را فدای عضو دیگر کنیم، کدام عضو را فدا میکنیم؟ آیا اگر لازم شد، قلب را فدای دست می‌کنیم؟ اسلام هم همینطور است.»^۱

نه تنها عالمان دین که توده عوام نیز باید از دین تصویر منسجم و متوازن داشته باشند و جایگاه معارف را به درستی بشناسند. البته ممکن است این نقشه کلان به هم پیوسته و غیرقابل تجزیه برای طلاب و عالمان دین، مقیاس یک به صد داشته باشد و برای توده مردم، مقیاس یک به صد هزار؛ اما در هر حال باید توازن و تناسب کلان برهم نخورد. به همین جهت لازم است خطبا و مبلغان در تبلیغ اسلام متوجه باشند که برای جا انداختن اهمیت یک موضوع با استفاده از تکنیک‌های خطابی کاری نکنند که قواره و ترکیب یک پارچه دین برهم خورد و جای اصل و فرع و اهم و مهم عوض شود؛ مثلاً مجلس ختم صلوات بسیار ارزشمند است اما باید توجه داشته باشیم که هرگز در ردیف مجالس علمی قرار نمی‌گیرد.

تصویر ما از دین در ایام کودکی به نماز و روزه و زیارت و قرآن خواندن منحصر بود. به مرور علم‌آموزی و امر به معروف و بهداشت و ازدواج هم به آن اضافه شد. به مرور متوجه شدیم دین حکومت و جنگ و مبارزه و اشداء علی الکفار هم دارد و قرار است هم آخرت‌مان را آباد

۱. مجموعه آثار، ج ۱۷، ص: ۴۱۵.

کند و هم دنیایمان را. این تصویر باید کامل‌تر و کامل‌تر شود.

توجه داشته باشیم که مسیر تحصیلات حوزوی شبیه یک سپرده‌گذاری درازمدت، طولانی و دیربازده است. به همین جهت اگر کسی در سال‌های اول طلبگی از حوزه انصراف دهد و تحصیل حوزه را رها کند فایده چندانی نبرده است. لازم است طلبه از همان آغاز در فکر کسب نظام اندیشه اسلامی باشد تا بتواند از این ذخیره ارزشمند هم در زندگی فردی، هم در ارتباطات اجتماعی و هم در تبلیغ معارف دینی استفاده کند.

حقیقت این است که اگر کسی تنها احکام را می‌شناسد، در واقع احکام‌شناس هم نیست؛ زیرا گرچه ساختار درونی احکام را شناخته است؛ اما ارتباط و پیوند این احکام با سایر معارف را نمیداند، مثل اینکه این محله را خوب می‌شناسد ولی نمیداند این محله کجای شهر قرار گرفته است، شمال شهر است یا جنوب آن، یا نمیداند شکل هندسی محله چگونه است، یا نمی‌داند ارتباط این محله با سایر نقاط و محلات چیست. این فرد حتی محله را هم نمی‌شناسد، چه رسد ادعا کند شهر را می‌شناسد. این فرد ساختار درونی را می‌شناسد؛ ولی ساختار بیرونی را نمی‌شناسد.^۱

حتی ممکن است کسی تمام اجزای دین را شناخته باشد ولی اسلام‌شناس نباشد؛ از آن جهت که روابط و نسبت‌های آن را به خوبی نمی‌داند و این اجزا را ناموزون و کاریکاتوری تلقی کرده است.^۲

پس ما تنها در صورتی اسلام‌شناس هستیم که اجزای اسلام را یا حداقل اجزای محوری و

۱. معمولاً گفته می‌شود نگاه به پدیده‌ها بر دو قسم است. نخست: نگاه کلان و از بالا و دوم: نگاه جزئی و از درون. نگاه از بالا را اصطلاحاً *bird view* یعنی از نگاه از چشم پرنده یا نگاه ماهواره‌ای نامیده‌اند. همان طور که نگاه جزئی را *worm view* یعنی نگاه از چشم کرم نام نهاده‌اند.

۲. نظریه ولایت فقیه حضرت امام از این نگاه کلان به معارف دین به دست آمده است. استدلال ایشان بر این نظریه استدلال جزئی نیست و از فهم منظومه‌ای و نظر به مجموعه‌ی دین حاصل شده است گرچه شواهدی از روایات نیز دارد. امام راحل در مصاحبه‌ی ۱۷ دی ماه سال ۱۳۵۷ با روزنامه تایمز یک تصویر جامع کلان از تمام اسلام در یک صفحه بیان می‌کنند که بسیار عمیق و خواندنی است (صحیفه امام، ج ۵، ص: ۳۸۷).

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با کارگزاران نظام در ۱۳۷۹/۹/۱۲ مجموعه معارف اصلی اسلام که در عمل فردی و نیز اقدام دولت اسلامی دارای تأثیر است را به این شرح خلاصه می‌کنند: ۱. توحید به عنوان رکن اصلی بینش و تلقی اسلام؛ ۲. تکریم انسان؛ ۳. تداوم حیات بعد از مرگ؛ ۴. استعداد بی‌پایان انسان؛ ۵. جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح. سپس بر اساس این جهان‌بینی وظایف پنج‌گانه زیر را نتیجه می‌گیرند: ۱. عبودیت و اطاعت خداوند؛ ۲. هدف گرفتن تعالی انسان؛ ۳. ترجیح فلاح و رستگاری آخری بر سود دنیوی؛ ۴. مجاهدت و تلاش و مبارزه؛ ۵. امید به پیروزی در همه شرایط به شرط جهاد فی سبیل‌الله. پس از آن مراحل رسیدن به تمدن اسلامی را بیان می‌کنند: ۱. انقلاب اسلامی؛ ۲. نظام اسلامی؛ ۳. دولت (حاکمیت) اسلامی؛ ۴. کشور اسلامی؛ ۵. دنیای اسلامی.

کلان آن را در یک طرح کلی یعنی در یک نقشه کلان به هم پیوسته و غیرقابل تجزیه بشناسیم و ربطها، نسبت‌ها، پیوندها و شبکه‌های مناسبات آن‌ها را تشخیص دهیم. اصل و فرع، سطح و وزن و صدر و ساقه را تفکیک کنیم. در این صورت ما به هدفمان از حوزه آمدن رسیدهایم، وگرنه تفقه در دین نداریم و دین‌شناس نیستیم. یکی از مهم‌ترین مغالطه‌ها در فضای کار حوزوی این است که مهارت فهم متون دینی معادل دین‌شناسی دیده می‌شود. بسیاری از طلاب بر این باورند که دین‌شناسی به معنای حرکت در مسیر اجتهاد است. یعنی اگر ادبیات عرب و سپس اصول و فقه را پشت سر بگذاریم و به دروس خارج راه پیدا کنیم و این توان را در نهایت بیابیم که از منابع دین فروع و احکام را استخراج کنیم این یعنی دین‌شناسی حال آنکه دین‌شناسی غیر از کسب مهارت در روش فهم متون است. دین‌شناسی مفهومی است که به مکتب‌شناسی و جهان‌بینی نزدیک است.

حضرت آیه الله جوادی آملی در «تفسیر موضوعی قرآن در قرآن»^۱ مقاله‌های دارند که در آن روش تفسیری مرحوم علامه طباطبایی را توصیف کرده‌اند، در آنجا می‌فرمایند: مرحوم علامه در قرآن آیهای پیدا کرده بود که تمام قرآن شرح و بسط و تفصیل آن یک آیه است و همهی قرآن برای آن آیه، نازل شده است. سپس چند آیه دیگر پیدا کرده بود که همگی ذیل آن آیه‌ی اصلی بودند و خودشان محورهای اصلی و کلیدی سایر معارف قرآنی هستند؛ یعنی گزاره‌های مادری که سایر معارف ذیل آنها قرار می‌گیرند. ما وقتی قرآن را می‌خوانیم، تمام آیات را تخت و تک‌لایه و هم‌وزن تصور می‌کنیم؛ اما مرحوم علامه طباطبایی برداشتشان از قرآن این‌گونه نبود بلکه فهم هر می‌چند سطحی لایه‌لایه از آن داشتند. ایشان سطح و وزن، اصل و فرع و صدر و ساقه را تشخیص میدادند. آیات قرآن مثل هم نیستند، ضریب اعتبار و درجه‌ی ارزششان و نظام اولویتشان متفاوت است: «کی بود تبت یدا مانند یا ارض ابلعی؟». کسی که میخواهد عالم قرآن باشد باید این را درک کند که کدام آیه، ام‌المعارف است؛ آیاتی که ذیل آن ام‌المعارف هستند، یا به تعبیر ایشان غُرر آیات اند کدام اند. همچنین کدام آیات در قاعده‌ی این هرم قرار می‌گیرند که در واقع شرح و بسط و تفصیل و مصداق آن معارف اصلی هستند. این اسلام‌شناسی است.

این موضوع را باید در چهار گزاره بیان کنیم و هر یک را توضیح دهیم که مجال‌ی وسیع

۱. عبدالله جوادی آملی؛ تفسیر قرآن در قرآن کریم؛ //

می‌طلبد اما اینجا فقط به سرفصل‌ها اشاره می‌کنیم:

یک: دین یک حقیقت نظام‌مند است.

دو: فهم دین باید نظام‌مند باشد؛ یعنی این حقیقت را همان‌گونه که هست باید شناخت. سه: تبلیغ دین نیز باید نظام‌مند باشد؛ یعنی این حقیقت را همان‌گونه که هست باید شناساند.

چهار: برای تحقق خارجی این حقیقت یعنی پیاده‌سازی و تحقق عملی دین باید نظامی پدید آورد.

روش خاص رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب در مقدمه کتاب طرح کلی پس از بیان ضرورت «طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک‌آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها، در رقابت با مکاتب و مسالک اجتماعی» فرموده‌اند: «[باید] معارف و دستگاه فکری اسلامی از تجرد و ذهنیت محض خارج گشته و همچون همه مکاتب اجتماعی ناظر به تکالیف عملی و به‌ویژه زندگی اجتماعی باشد و هر یک از مباحث نظری، از این دیدگاه که چه طرحی برای زندگی انسان و چه هدفی برای بودن او و چه راهی برای رسیدن به این هدف ارائه می‌دهد، مورد بررسی و تأمل و تحقیق قرار گیرد». «نه صرفاً بحث‌های ذهنی و دور از حیطه تأثیر عملی و عینی و مخصوصاً اجتماعی که بیش از معرفتی ذهنی به بار نیاورده و نسبت به زندگی جمعی انسان‌ها، علی‌الخصوص نسبت به تعیین شکل و قواره جامعه، تعهد و تکلیف و حتی نظریه روشن و مشخصی را ارائه نداده است».

نظامات عینی که برای اجرا و تحقق بخشیدن به دین پدید می‌آیند نظامات ثابت نیستند و بر حسب زمان و مکان و شرایط و مخاطب متفاوت می‌شوند؛ زیرا در مقام دست‌یابی و اجرا، ممکن است اولویت‌ها یا اولیت‌ها عوض شود. مثلاً در فرایند تربیت ممکن است برای کسی در برهه خاصی چیزی اصل باشد و برای دیگری یا برای همان کس در برهه دیگر چیز دیگری اصل شود. در این زمینه به مقاله فقه و نظام‌سازی از نویسنده مراجعه شود.

پس یک علم نظام‌مند داریم که در آن روابط واقعی و تکوینی معارف، به نحو سامانمند و منسجم در نظر گرفته شده است و یک نظام اجرایی در مقام تحقق داریم. رهبر معظم انقلاب

از این مسئله بالاتر رفتند و نقشهای کشیدند که هر دوی این نظامها در آن باشد. در مراحل پیش از آن دانشمندان اسلامی نقشههایی که میکشیدند ناظر به یک موضوع خاص بود، مثلاً تقوا در اسلام. بعد به سمت این رفتند که نقشه‌ای بکشند که کل اخلاق یا کل فقه در آن باشد. بعد به سمت این رفتند که در این نقشه همه معارف یعنی احکام، عقاید و اخلاق باشد.

رهبر معظم انقلاب وقتی دیدند همه این‌ها منظومه معرفتی دین است و دین به تحقق خارجی هم احتیاج دارد بالاتر رفتند و رابطه حوزه معرفت دینی با عمل دینی را هم داخل نقشه آوردند؛ یعنی به این پرداختند که این دو نظام را چگونه باهم ارتباط بدهیم یعنی نظام معرفتی ما چگونه در مقام عمل آشکار بشود و عمل ما چگونه از علم تأثیر بگیرد و علم ما چگونه از عمل اثر پذیرد، و حل و کشف روابط میان این دو عرصه، افق بالاتری نیاز دارد. کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، ویژگی بسیار مهمی دارد که هم نظام معرفتی و هم نظام اجرایی یا عینی و عملی در آن هست؛ البته در سطح بسیار کلان.

ضرورت آشنایی با اندیشه مقام معظم رهبری

حال با توجه به مقدمه نسبتاً مستوفایی که گذشت می‌توان گفت یکی از اندیشمندان برجسته معاصر که نگاهی کلان و نظام‌مند به اسلام دارد و می‌توان وی را صاحب یک منظومه معرفتی راقی به شمار آورد، مقام معظم رهبری است. کسی اندیشه اش ریشه در مبانی دارد، صورت بندی اندیشه دینی را بر اساس یک نگاه راهبردی در قالبی نظام‌مند تنظیم کرده است و با سکان داری حاکمیت دینی از منظر تمدنی مسائل و گزاره‌های دینی را خوانش کرده و جانمایی می‌کند.

کسی که می‌خواهد اسلام‌شناس شود و آن هم نه یک اسلام‌شناس عادی بلکه اسلام‌شناسی در تراز تمدنی بی‌تردید نیازمند آشنایی با اندیشه مقام معظم رهبری است. از این رهگذر و با ممارست نسبت به آثار و اندیشه‌های ایشان است که می‌توان کم‌کم ذائقه‌ای جدید و نو پیدا کرد که اسلام را دقیق و عمیق و متناسب با افق‌های بزرگ و در ساحت تمدن سازی قرائت می‌کند.

از این روی اهتمام به تنظیم سیر مطالعاتی آثار ایشان یکی از بهترین و ضروری‌ترین مسیرها برای رهنمون کردن طلاب به تراز بالا و ارتقای سطح کنش‌گری اجتماعی و علم

ورزی در ساحت نیازهای نظام اسلامی در نسل جدید طلاب خواهد بود.

گزیده نکات:

حوزه‌های علمیه متولی پرورش عالمان دین هستند. خروجی حوزه‌ی علمیه در دو کلمه، مختصر و مفید عبارت است از: «اسلامشناس». خروجی حوزه‌ی علمیه فیلسوف، استاد اخلاق، اقتصاددان، روان‌شناس، جامعه‌شناس یا اندیشمند سیاسی نیست. فقط «عالم دین» است؛

شناخت دین خدا شرایطی دارد. کسی میتواند ادعای اسلامشناسی کند که دین را به صورت جامع، یکپارچه و منظومه‌ای بشناسد؛ نه اینکه تنها پاره‌هایی از دین را به صورت تصاویر ازهم‌گسیخته دیده باشد. این شناخت گسیخته، دین‌شناسی نیست.

نظام اندیشه‌ی اسلامی نگاه کلان به اسلام است. در نگاه کلان، نقاط کلیدی و نقاط عطف یک شیء تبیین می‌شوند چنانکه به یک نمودار نگاه می‌کنیم و نقاط عطف آن را به سرعت تشخیص می‌دهیم. در نگاه کلان روابط کل را با اطرافش به دست می‌آوریم.

رهبر معظم انقلاب نیز در مقدمه‌ی کتاب طرح کلی پس از بیان ضرورت «طرح و نقشه‌ی یک آیین متحدالاجزا و متماسک که نسبت آن با مکتب‌ها و آیین‌های دیگر مشخص باشد» به همین موضوع اشاره کرده‌اند

یکی از اندیشمندان برجسته معاصر که نگاهی کلان و نظام‌مند به اسلام دارد و می‌توان وی را صاحب یک منظومه معرفتی راقی به شمار آورد، مقام معظم رهبری است. کسی اندیشه‌اش ریشه در مبانی دارد، صورت بندی اندیشه دینی را بر اساس یک نگاه راهبردی در قالبی نظام‌مند تنظیم کرده است و با سکان داری حاکمیت دینی از منظر تمدنی مسائل و گزاره‌های دینی را خوانش کرده و جانمایی می‌کند.

کسی که می‌خواهد اسلام‌شناس شود و آن هم نه یک اسلام‌شناس عادی بلکه اسلام‌شناسی در تراز تمدنی بی‌تردید نیازمند آشنایی با اندیشه مقام معظم رهبری است. از این رهگذر و با ممارست نسبت به آثار و اندیشه‌های ایشان است که می‌توان کم‌کم ذائقه‌ای جدید و نو پیدا کرد که اسلام را دقیق و عمیق و متناسب با افق‌های بزرگ و در ساحت تمدن سازی قرائت می‌کند.

۴. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد محمدرضا فلاح شیروانی

اشاره:

حجت‌الاسلام والمسلمین استاد فلاح شیروانی از اساتید سطوح عالی حوزه علمیه قم بوده که در حوزه مطالعات راهبردی و استراتژیک حول انقلاب اسلامی تمرکز دارند. وی سال‌ها است که به مطالعه، تحقیق، تدریس و طراحی حول مکتب فکری امام و رهبری اشتغال داشته و آثار مهمی در این زمینه تولید نموده است. وی بنیانگذار موسسه فرهنگ و تمدن توحیدی (فتوت) است که به صورت ویژه بر اندیشه رهبری و مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی تمرکز دارد. از سوابق ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عضویت در هیأت امنای سازمان تبلیغات اسلامی با نصب مستقیم مقام معظم رهبری (مدّ ظلّه)، عضویت در گروه پژوهشی اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات، عضویت در اتاق فکر مجمع عالی حکمت اسلامی، مسؤولیت بخش ممتازین واحد فرهیختگان دفتر رهبری. از تألیفات وی نیز می‌توان موارد زیر را برشمرد: تألیف حوزه باید انقلابی بماند، مکتب امام به روایت رهبری، رسالت گفتمان‌سازی، پنج رویکرد مادر در مکتب امام، اندیشه پشتیبان انقلاب اسلامی، درآمدی بر دیدگاه و باورداشت‌های اسلامی - انقلابی، درآمدی بر نظریه حاکمیت نوین در مکتب امام، طرح راهبردی انقلاب اسلامی (درآمدی بر تبیین فرآیند پنج مرحله‌ای انقلاب اسلامی).

هشت مطلوبیت اساسی

وقتی از سیر مطالعاتی اندیشه و آثار رهبر معظم انقلاب صحبت می‌کنیم باید توجه داشته باشیم چند مطلوبیت داریم:

۱. رهبری به عنوان یک اندیشمند رصد شود و دیده شود؛

این در حالی است که ما با یک نارسایی مواجهیم؛ اینکه مطالعه‌گران ما حتی نمی‌دانند اندیشمند یعنی چه و دانشمند یعنی که و در چه صورتی این نام را باید به کسی داد؟ آیا باید کتاب زیاد داشته باشد؟ آیا باید به این خصلت شهره باشد؟ آیا ...

۲. رهبری به عنوان یک فکر نشیط و پاسخگوی اسلامی دیده شود؛ یعنی:

این که تقریر جدیدی از اسلام و تمام مفاهیم دینی دارند؛

نگاه راهبردی به اسلام دارند؛

فقیه، حکیم، مفسر یا ادیب نیستند، اسلام‌شناس هستند؛

اسلام را به صورت یک کل منسجم می‌بینند؛

اسلام را کاملاً با خاصیت می‌خواهند مثل کاری که آقا رسول اکرم ص می‌خواست با

اسلام بکند؛

اسلام ایشان اسلام ذلت نیست، اسلام عاطفه محض نیست، اسلام عقل محض نیست، اسلام آخرت‌گروی محض نیست، اسلام دنیا‌گروی اصلاً نیست، اسلام شیفتگی نسبت به خدا است، اسلام خوش بینی به هستی است، اسلام آبادکردن دنیا است، اسلام سیاست محض نیست، اسلام سیطره، استیلا و اقتدارگرایی هم نیست، اسلام از دست دادن فرصت نیست، اسلام به هم پیوستگی شدید جامعه ایمانی است، اسلام فردگرایی نیست، اسلام هضم در جامعه و اسلام بی‌خلوت نیز نیست، اسلام ...

اسلام را با ذائقه تمدنی می‌فهمند؛

ذیل مکتب امام تعریف می‌شوند؛

به یک رگه متفکران خوش فکر در طول تاریخ اسلام تعلق دارند؛

کاملاً پیوسته با پیامبران می‌اندیشند؛

اندیشه ایشان شدیداً و عریقاً قرآنی است، با عشق و اعتقاد به قرآن و با همراهی آن به دل هر جهلی جست می‌زند و راه را می‌یابد و می‌پذیرد و با یک داد و ستد نورانی با خدای عالم روزگار می‌گذراند؛

تاریخ در اندیشه ایشان حضوری هشیاری آفرین، افق‌ساز، عطش‌بخش و وسعت‌ساز

دارد؛

اینها را اگر نشان ندهیم کاری نکرده‌ایم. نشان دادن این ویژگی‌ها با انبوه‌خوانی حاصل نمی‌شود.

۳. نظام فکری رهبری به دست بیاید؛ یعنی چند محور روشن شود:

اموری که تأکید دارد مشخص شود.

اندیشه‌ی محوری معلوم شود.

نحوه‌ی رشد پرتوهای سخن محوری مشخص شود.

ساخت محکم این اندیشه آشکار شود.

چند نمونه تفصیلات به اندیشه‌های بنیادین تأویل برده شود و این انسجام به نمایش در بیاید.

۴. سیر رشد معرفتی و اخلاقی و اجتماعی ایشان معلوم شود.

مدرسه‌های معرفتی‌ای که با آنها مواجه شده و نکاتی از آنها آموخته‌اند. فضاهایی که عوض کرده‌اند. با امام چگونه آشنا شده‌اند؟

از مرحوم علامه چه میزان استفاده کرده‌اند؟ از سید قطب و متفکران اخوان چه میزان متأثر بوده است؟ و ...

۵. سیر تولید آثار ایشان و اندیشه‌هایی که به صورت تاریخی به آنها توجه نشان داده معلوم شود.

این که هر اثر به خاطر چه پدید آمده است؟ هر اثری چه چیزی را دنبال می‌کند؟

این که جای چه آثاری خالی است؟

۶. کسانی که پای مدرسه‌ی ایشان بزرگ شده اند نیز معرفی بشوند. از این منظر یکی از کارهای مهم این است که به برخی از شبهات است. برای مثال شبهات مربوط به وابستگی فکری حبیب الله آشوری به رهبری، متأثر شدن داعش از اندیشه‌های رهبری یا اندیشه‌هایی که توحیدمحورند، مواردی از این دست باید جواب داده شود.

۷. نقش معرفتی ایشان در دوران انقلاب و بعد از انقلاب با تکیه بر سخنرانیها و بیانیه‌ها

و پیش‌نویس اساسنامه‌ها (مثل اساسنامه جامعه مدرسین) و محافل ایشان توضیح داده شود.

۸. خط امروز ایشان در امتداد اندیشه دیروز ایشان به تصویر کشیده شود. اینکه ایشان عبارت است از: «اندیشمند اصیل و نوگرای پرسخن و خلاق و عینیت‌گرا و ...»؛ بدون این تصویرها کاری برای خود و انقلاب و حضرت آقا نکرده‌ایم.

چند پیشنهاد:

۱. وقت خوبی روی یکی دو تا از آثار ایشان گذاشته شود و این چهارچوب فکری به نمایش در بیاید؛

۲. تمام آثار ایشان خلاصه شود و با نمودارهای محتوایی خوب و واضح در دسترس مطالعه‌کنندگان قرار بگیرد؛

۳. خلاصه خلاصه‌ها در یک اثر تحت عنوان «کتابشناسی توصیفی» با توضیح دسته‌بندیهای آثار و سیر تولید هر کدام و غرضی که هر اثر دنبال می‌کند و ... ارائه شود؛ اول این اثر دیده شود. شاید بهتر باشد که بعد از «نظام فکری» این معرفی صورت بگیرد.

۴. برای تأمین مباحثی که در فهرست مطلوبیت‌ها آمد، اگر مقدور بود تحقیقی تعریف شود و به سرعت جمع‌بندی شود، اگر نشد سخنرانی یا مصاحبه‌ای تعریف شود، اگر نشد یک نشست با دعوت از چند نفر برگزار شود و محتوا در یک مجموعه فاخر برای استفاده «مطالعه‌کنندگان» ارائه شود.

۵. پس از اینها مطالعه چند سخنرانی و پیام ایشان پس از انقلاب لذت فوق‌العاده‌ای خواهد داشت :

- سال اول انقلاب

- در حزب جمهوری

- در خطبه‌های نماز جمعه دوره ریاست جمهوری (مثل بحث آزادی)

- در ارتباط با کنگره‌های علمی و ادبی

- در نشست سران کشورهای اسلامی

- در سازمان ملل

- پس از قطعنامه ۵۹۸
- در سالگرد امام خمینی
- پیام بیانیه گام دوم انقلاب

گزیده نکات:

وقتی از سیر مطالعاتی اندیشه و آثار رهبر معظم انقلاب صحبت می‌کنیم باید توجه داشته باشیم چند مطلوبیت داریم:

۱. رهبری به عنوان یک اندیشمند رصد شود و دیده شود؛
۲. رهبری به عنوان یک فکر نشیط و پاسخگوی اسلامی دیده شود؛
۳. نظام فکری رهبری به دست بیاید؛
۴. سیر رشد معرفتی و اخلاقی و اجتماعی ایشان معلوم شود.
۵. سیر تولید آثار ایشان و اندیشه‌هایی که به صورت تاریخی به آنها توجه نشان داده معلوم شود.
۶. کسانی که پای مدرسه ایشان بزرگ شده اند نیز معرفی بشوند. از این منظر یکی از کارهای مهم این است که به برخی از شبهات است.
۷. نقش معرفتی ایشان در دوران انقلاب و بعد از انقلاب.
۸. خط امروز ایشان در امتداد اندیشه دیروز ایشان به تصویر کشیده شود.

۵. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی حقانی

اشاره:

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی حقانی فرزند شهید بزرگوار غلامحسین حقانی (از شهدای برجسته روحانیت) است. وی یکی از پرکارترین افراد در زمینه پژوهش و آموزش در حوزه‌های علمیه می‌باشد؛ علاوه بر تدریس در سطوح عالی، موسس و متولی مؤسسه علمی فرهنگی لوح و قلم است که منشأ اقدامات ماندگاری در زمینه پژوهش در بیانات رهبر انقلاب گردیده است.

از نمونه پژوهش‌ها می‌توان به کتاب آفتاب در مصاف که بیانات رهبری پیرامون سیدالشهدا است، اشاره کرد؛ تدوین کتاب گرانسنگ «منشور حوزه و روحانیت» تحت اشراف وی، که در ۱۵ جلد تقریباً تمام بیانات رهبری درباره حوزه و روحانیت را گردآوری کرده است. ایشان در زمینه آموزش طلاب نیز اقدام به تأسیس مدارس علمیه فقه محور متعددی کرده است که مدرسه علمیه آل یاسین در مقدمات، سطح و خارج از آن نمونه می‌باشد. دغدغه ایشان تربیت نیروهای زبده و کارآمد برای خدمت به نظام اسلامی و منطبق با الگوی تربیتی مقام معظم رهبری است.

ضرورت طرح

از زاویه‌های گوناگونی می‌توانیم این ضرورت را تبیین کنیم. یکی اینکه وظیفه حوزه‌های علمیه عبارت است از: تفقه، انداز، فرهنگ‌سازی، اقامه دین و... چیزهای دیگر هم هست، اما این‌ها حتماً درونش هست. بخشی از فرمایشات رهبری فقه اجتماعی اسلام است و فهم فقه اجتماعی اسلامی از مصداق‌های تفقه است. منظور از فقه نیز فقه به معنای اعم از معارف، اخلاق و احکام است. پس جزء تکالیف ماست که همان‌گونه که مکاسب محرّمه و

طهارت و... می‌خوانیم، اندیشه اجتماعی اسلام را نیز بخوانیم و حتی این بر مسائل فردی که اسلام بیان می‌کند ترجیح دارد.

گفتنی است که بالاترین دستاوردهای علمی ما در اندیشه و فقه اجتماعی اسلام، فرمایشات امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری است. نمی‌شود اندیشه اجتماعی اسلام را فهم کرد، ولی نظر این دو عالم برجسته را ندید. ولی متأسفانه زاویه‌دید به نظرات و بیانات ایشان در همین حد سخنرانی است. خیلی‌ها در باب اندیشه اجتماعی. سیاسی اسلام کار کرده‌اند، ولی خروجی‌اش چیزی غیر از اسلام شده است. فرمایشات این دو بزرگوار معیار و میزان حق و باطل است؛ چون به لحاظ حجیت، ایشان در فهم دیدگاه‌های اجتماعی اسلام اعلم هستند.

زاویه دیگر این است که ما در برابر انقلاب اسلامی، جبهه حق و حرکت جبهه حق وظایفی داریم. تسلط بر مبانی لازمه تشخیص وظایف در مواجهه با جبهه حق است.

از زاویه دیگر ایشان در منصب رهبری قرار دارند. رهبری تکلیفی شرعی است، یعنی برعهده امام رحمته الله علیه و رهبر معظم است که امامت را انجام دهند؛ ولی این تکلیف مانند نماز جمعه است که فقط با فرد امام جمعه اقامه نمی‌شود، بلکه نیازمند حضور همه مسلمانان است، حضوری که تبعیت و همراهی کنند.

نمی‌شود به این مبانی مسلط نبود و در چهارچوب رهبری حرکت کرد. طلبه‌ها تکالیفی دارند؛ فرهنگ‌سازی و تعیین مسیر برای جامعه برعهده طلبه‌هاست. مقدمه همه این‌ها فهم فرمایشات رهبری در اندیشه اجتماعی اسلام است. ما همان وظیفه‌ای را که در برابر اسلام داریم، در برابر فرمایشات رهبری نیز داریم؛ یعنی باید این فرمایشات را به خوبی بفهمیم و سپس آن‌ها را تبلیغ و اقامه کنیم؛ وظیفه داریم مطالبه‌گری، فرهنگ‌سازی و از این فرمایشات دفاع کنیم. اما به‌رغم اهمیت این مسئله، متأسفانه فرمایشات ایشان در حوزه مهجور است. حتی در طرح ولایت، فرمایشات ایشان نیست؛ چه برسد به مدارس علمیه که مثل نان شب واجب است. دوستان کتاب نوشته‌اند، ولی این کار اولیه است. اصل کار این است که فرهنگ و گفتمان و منشأ اقدام شود.

محتوای طرح

دسته‌بندی اندیشه رهبری

بسیار مهم است که تقسیم‌بندی‌ها براساس کشف ساختار ذهنی ایشان باشد، نه براساس ساختارهای تحمیلی. اگر کسانی که پیش‌فرض، ساختار ذهنی، عقاید و واژگان خودشان را دارند بر روی فرمایشات رهبری کار کنند، ممکن است کارشان به تحریف بینجامد که من مکرر می‌بینم.

تولید محتوا

این امکان وجود دارد که براساس کتاب‌های موجود سیر مطالعاتی بدهیم؛ اما برای اینکه کلیت اندیشه ایشان را بدون ساختار تحمیلی دسته‌بندی و براساس آن طرح ارائه کنیم، باید ساختار تولید کنیم و سرفصل‌هایی ارائه دهیم؛ هرچند فعلاً چنین کتاب دقیق و جامعی نوشته نشده است. تا زمانی که کتاب نیست، راه‌های دیگری وجود دارد؛ مثلاً استاد توضیح دهد و پژوهش انجام شود.

ملاک و کلیت سیر پیشنهادی

برای طراحی سیر مطالعاتی باید براساس ابتلا و سطح علمی طلبه‌ها اولویت‌سنجی صورت پذیرد. اگر بخواهیم سیر ما، هم ناظر به ساختار منظومه فکری حضرت آقا باشد و هم نیاز طلبه‌ها را در نظر بگیریم، این چند مورد و دسته ابتدایی بسیار مهم است:

- شخصیت‌شناسی از این باب که جاذبه‌ای ایجاد می‌کند؛
- حوزه روحانیت، چون امواج فکری زیادی در ذهن طلبه‌ها هست؛
- اندیشه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... به لحاظ هدایت ذهن طلبه‌ها؛
- در مباحث فقه اجتماعی، دیدگاه‌های حضرت آقا در باب فقه حکومتی؛
- در باب علوم انسانی، مطالبی که برای هدایت و جلوگیری از انحراف طلبه‌ها نیاز است.

سطح بندی محتوا

برای فهم فرمایشات ایشان می‌توان سه مرتبه و سطح در نظر گرفت: ۱. فهم ظواهر؛ ۲. فهم مبانی فقهی، کلامی، معارفی، تاریخی و...؛ ۳. امتداد فهم؛ یعنی جاهایی که حتی خود ایشان کار نکرده‌اند، باید امتداد یابد و کار شود.

طبیعتاً فهم ظواهر اولویت دارد و همیشه باید از آسان آغاز شود. نمی‌شود همه مبانی حضرت آقا را آموزش داد؛ چون چندان کار نشده و دست‌ها خالی است. کار منطقی و درست این است که در فهم ظواهر، منظومه‌ای همه‌جانبه اما اجمالی تعریف کنیم که ساختار و دسته‌بندی آن نیز از متن استخراج شده باشد. مثلاً مهم‌ترین سخنرانی‌های رهبری را جمع‌آوری کنیم و بستر قرار دهیم، هرچند در قالب کتاب نباشد. اما اگر نشد، باید براساس کتاب‌هایی پیش برویم که درباره اندیشه‌های ایشان نوشته شده است. به هر حال تا زمانی که منظومه‌ای از فرمایشات ایشان به‌طور جامع استنباط نشده باشد، این نقص را داریم. البته ارائه منظومه بدون مقدمه لازم در حال انجام است.

شناور بودن طرح

برای ارائه سیر، اطلاعات قبلی مخاطب تأثیر دارد. باید اولویت‌های گوناگونی را در نظر گرفت. اما این‌ها نسخه کاملی نیست؛ به‌خصوص تا زمانی که فرمایشات ایشان در قالب درس‌نامه‌های قلم‌زده تدوین نشده است، باید در آموزش حالتی شناور داشته باشیم. طرح مطالعاتی ثابت منظم سخت‌گیر معمولاً به سرانجام نمی‌رسد. باید برنامه دقیق‌تری داشته باشیم، اما نباید خیلی سخت‌گیری کنیم.

آموزش مهارت

اگر طلبه‌ای را آموزش می‌دهید که فرهنگ‌سازی کند، طبیعتاً به مهارت‌های گوناگونی نیاز دارد. چون دامنه مهارت‌ها وسیع است، می‌توانید به شکل‌های مختلفی آموزش بدهید.

گزیده نکات:

از زاویه‌های گوناگونی می‌توانیم این ضرورت را تبیین کنیم. یکی اینکه وظیفه حوزه‌های علمیه عبارت است از: تفقه، انذار، فرهنگ‌سازی، اقامه دین و... چیزهای دیگر هم هست، اما این‌ها حتماً درونش هست. بخشی از فرمایشات رهبری فقه اجتماعی اسلام است و فهم فقه اجتماعی اسلامی از مصداق‌های تفقه است.

گفتنی است که بالاترین دستاوردهای علمی ما در اندیشه و فقه اجتماعی اسلام، فرمایشات امام رحمته‌الله‌علیه و مقام معظم رهبری است. نمی‌شود اندیشه اجتماعی اسلام را فهم کرد، ولی نظر این دو عالم برجسته را ندید.

زاویه دیگر این است که ما در برابر انقلاب اسلامی، جبهه حق و حرکت جبهه حق وظایفی داریم. تسلط بر مبانی لازمه تشخیص وظایف در مواجهه با جبهه حق است.

نمی‌شود به این مبانی مسلط نبود و در چهارچوب رهبری حرکت کرد. طلبه‌ها تکالیفی دارند؛ فرهنگ‌سازی و تعیین مسیر برای جامعه برعهده طلبه‌هاست. مقدمه همه این‌ها فهم فرمایشات رهبری در اندیشه اجتماعی اسلام است.

بسیار مهم است که تقسیم‌بندی‌ها براساس کشف ساختار ذهنی ایشان باشد، نه براساس ساختارهای تحمیلی. اگر کسانی که پیش‌فرض، ساختار ذهنی، عقاید و واژگان خودشان را دارند بر روی فرمایشات رهبری کار کنند، ممکن است کارشان به تحریف بینجامد که من مکرر می‌بینم.

این امکان وجود دارد که براساس کتاب‌های موجود سیر مطالعاتی بدهیم؛ اما برای اینکه کلیت اندیشه ایشان را بدون ساختار تحمیلی دسته‌بندی و براساس آن طرح ارائه کنیم، باید ساختار تولید کنیم و سرفصل‌هایی ارائه دهیم؛ هرچند فعلاً چنین کتاب دقیق و جامعی نوشته نشده است.

برای طراحی سیر مطالعاتی باید براساس ابتلا و سطح علمی طلبه‌ها اولویت‌سنجی صورت پذیرد. اگر بخواهیم سیر ما، هم ناظر به ساختار منظومه فکری حضرت آقا باشد و هم نیاز طلبه‌ها را در نظر بگیریم، این چند مورد و دسته ابتدایی بسیار مهم است:

- شخصیت‌شناسی از این باب که جاذبه‌ای ایجاد می‌کند؛

- حوزه روحانیت، چون امواج فکری زیادی در ذهن طلبه‌ها هست؛

- اندیشه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... به لحاظ هدایت ذهن طلبه‌ها؛
 - در مباحث فقه اجتماعی، دیدگاه‌های حضرت آقا در باب فقه حکومتی؛
 - در باب علوم انسانی، مطالبی که برای هدایت و جلوگیری از انحراف طلبه‌ها نیاز است.
- برای فهم فرمایشات ایشان می‌توان سه مرتبه و سطح در نظر گرفت: ۱. فهم ظواهر؛ ۲. فهم مبانی فقهی، کلامی، معارفی، تاریخی و...؛ ۳. امتداد فهم؛ یعنی جاهایی که حتی خود ایشان کار نکرده‌اند، باید امتداد یابد و کار شود.

۶. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام محمدرضا طاهری

اشاره:

استاد محمدرضا طاهری مؤلف ۷۰ عنوان کتاب (در ۱۰۷ مجلد) از بیانات رهبر معظم انقلاب حفظه الله تعالی و در حوزه فقه سیاسی، حکومت دینی و ولایت فقیه است. وی دارای تجربه بلندمدت در تولید اسناد راهبردی و مسئولیت برنامه‌ریزی راهبردی و طرح و برنامه مراکز و سازمان‌های فرهنگی و مذهبی و در کارنامه خود سابقه مدیر کلی تبلیغات اسلامی استان بوشهر را نیز دارد. همچنین مدتی مدیر تولید محتوای موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی) بوده است. مدیریت مرکز مطالعات راهبردی رهیافت ولایت، طراحی و برگزاری دوره‌های آموزشی متعدد و کرسی‌های آزاد اندیشی و پرسش و پاسخ آزاد؛ با موضوع ولایت فقیه، معارف اسلامی در اندیشه امامین انقلاب، و شیوه پژوهش در بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله‌العالی)، برای دانشجویان، اساتید دانشگاه، طلاب، اساتید حوزه علمیه و مدیران و کارشناسان نهادهای فرهنگی همچون آستان قدس رضوی، آستان مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها، دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان و الحشد الشعبی عراق بخشی دیگر از سوابق وی به شمار می‌آید.

ضرورت طرح

حوزه علمی فعلی با حوزه مطلوبی که پشتیبان انقلاب و تمدن‌ساز باشد، فاصله‌ای جدی دارد و حتی با وجود تحولات اخیر در مدیریت آن نیز مدت‌زمان رسیدن به نقطه مطلوب زیاد است. حوزه علمیه بیش از آنکه تحت تأثیر اندیشه انقلابی و فقه جواهری حضرت امام رحمته‌الله‌علیه باشد، تحت تأثیر فضای عمومی حوزه نجف قدیم است و متأسفانه فاصله بسیار

جدی و معناداری با مبانی اندیشه انقلاب اسلامی دارد. امروزه نقص‌های واقعی میدانی حوزه، گستره‌ای از ناتوانی دروس حوزه علمیه در پشتیبانی محتوایی از مبانی اسلام انقلابی و تمدن‌سازی نوین اسلامی تا تربیت نکردن طلبه‌های متناسب با شرایط امروز جامعه را شامل می‌شود. چرایی این موضوع جای تحلیل جدی دارد؛ ولی در هر صورت ابتدا باید این موضوع را به رسمیت شناخت و درک کرد.

اگر حوزه علمیه بخواهد با همین فرمان «آرام آرام جلو برویم تا ببینیم چه می‌شود» پیش برود، بی‌گمان تحول مورد نظر اتفاق نمی‌افتد. نیاز به تحول، موضوعی تشریفاتی نیست که اگر به سمتش حرکت نکنیم نهایتاً حُسنی را نادیده گرفته باشیم. خیر؛ حوزه علمیه خواهد مُرد. دیگر کسی حاضر نیست در حوزه علمیه شرکت کند. مردم هوشمندانه این را فهمیده‌اند که حوزه افرادی را تربیت می‌کند که برای نظام مفید نیستند. اگر این را درک کنیم، نگاه جامعی خواهیم داشت؛ در غیر این صورت، اتفاقی که به دنبال انجامش هستیم صرفاً تزینی خواهد بود.

راهکار اساسی، ایجاد تحولی جدی در فضای مدیریت کلان حوزه علمیه است که در ابعاد گوناگون نمایان باشد. حضور مجتهدی روشن بین و دغدغه مند، مثل آیت‌الله اعرافی، در رأس مدیریت حوزه بشارت‌افزا و امیدآفرین است که بالاخره این حرف‌ها شنونده و پیگیری‌کننده‌ای دارد؛ اما سرعت این تحول نسبت به انتظاراتی که وجود دارد خیلی کم است. ایشان با موانع و مشکلاتی جدی مواجه هستند، ولی امیدواریم که ان شاء الله تحولی اتفاق بیفتد. اما اگر بخواهیم با همین سیر گامی که تاکنون در مدیریت‌های جدید دیده‌ایم پیش برویم، کمتر از سی سال آینده اتفاقی نمی‌افتد و امیدی به نجات نسل امروزی نیست. راه میان‌بر رسیدن نسل معاصر طلبه‌ها به نقطه مطلوب، کسب اندیشه امامین انقلاب است. راه میان‌بری که بتواند طلبه‌های این نسل را با شرایط روز متناسب کند و موجب شود این پوسته را بشکنند و با ظرفیتی فوق‌العاده درونی به سمت آن هدف متعالی حرکت کنند، آشنایی با اندیشه امام علیه السلام و رهبر انقلاب است.

نیاز است به موازات جریان فقه سنتی متداول، برنامه‌ریزی شود که طلبه‌ها به مرور از همان سال اول با این اندیشه آشنا شوند تا بتوانند افق نگاه و محتوای مورد نیازشان را متناسب با شرایط و نیازهای امروز جامعه و انقلاب و افق تمدنی‌ای که باید در آن قرار بگیرند،

تأمین کنند. اگر این روند درست ادامه یابد، وقتی به درس خارج برسند می‌توانند با روش اجتهادی به اندیشه‌ی امامین انقلاب بپردازند و مسئله‌های روز را از این اندیشه استخراج و استنباط کنند و وارد میدان عمل شوند. در این صورت می‌توان مطمئن شد که نقص‌ها و ضعف‌ها تا حدود زیادی برطرف می‌شود.

ورود به اندیشه‌ی امامین انقلاب باید با چنین نگاهی باشد؛ نه این‌گونه که چند کتاب در درس جنبی بگذاریم تا طلبه‌ها صرفاً این حرف‌ها را شنیده باشند. این نگاه قطعاً شکست خورده است؛ هرچند همان هم غنیمت است. اما الان کم نیستند طلبه‌های درس خارج که هیچ چیزی از اندیشه‌ی امامین انقلاب نمی‌دانند. این خسارت محض است.

خروجی مطلوب طرح

با این نگاه لازم است براساس منظومه‌ی معارفی دقیقی - که بر این تأکید دارم و توضیح خواهم داد - طرح آموزشی منسجمی متناسب با سطوح حوزه‌ی علمیه طراحی شود؛ به طوری که اگر طلبه‌ای در این مسیر قرار بگیرد، درنهایت به نظامی منسجم از اندیشه‌های امامین انقلاب دست یابد و پس از پایان سطح سه برای پژوهش‌های تخصصی مجتهدانه در اندیشه‌ی امامین انقلاب آماده باشد. این طرح کاملاً قابل دستیابی و طراحی است.

محتوای طرح

بخش‌های اصلی اندیشه‌ی رهبری

مبنای دسته‌بندی

به جای ملاک‌های خود، باید واقعاً به سراغ اندیشه‌ی مقام معظم رهبری برویم و ساحت‌هایی را ملاک دسته‌بندی قرار دهیم که امامین انقلاب خودشان به طور مستقل به آن‌ها پرداخته‌اند. دسته‌بندی‌ای که بنده ارائه می‌دهم با این ملاک قابل تطبیق است.

بخش اول: مبانی قرآنی

گاهی به آن «مبانی اعتقادی» نیز گفته می‌شود که حرف ناقص اما قابل قبولی است. مبانی قرآنی مقام معظم رهبری بهره‌هایی جدی از ایمان، اعتقادات و اخلاق دارد. مبانی قرآنی

ایشان از آثار تفسیری و کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن دست‌یافتنی است.

بخش دوم: ساحت عمل و اقدام مؤمنانه

در این ساحت اولویت با الگوگیری از سیره اهل بیت علیهم السلام است. این الگو در انسان ۲۵۰ ساله، هم‌زمان حسین علیه السلام، دو امام مجاهد و امثال این‌ها ارائه شده است. پروژه «اهل بیت علیهم السلام در نگاه مقام معظم رهبری» افزون بر چهارده معصوم، حضرت ابوالفضل، حضرت زینب و حضرت معصومه علیهم السلام را نیز شامل می‌شود و محتوای جامع‌تر و به‌مراتب قوی‌تری از کتاب انسان ۲۵۰ ساله در آن تبیین می‌شود. این کار در ۱۴۰۰ صفحه به سفارش حرم حضرت معصومه علیها السلام انجام شده و در سطح یک و دو قابل ارائه است.

بخش سوم: آشنایی با علوم اسلامی

در این بخش طلبه با هویت حوزه علمیه و مأموریت خود آشنا می‌شود. این‌ها به او کمک می‌کند که بتواند زندگی خود را براساس مأموریت طلبگی از نگاه امامین انقلاب، به‌عنوان حوزه اقدام و فضای تنفس خود، برنامه‌ریزی و راهبری کند. در این زمینه کتاب‌های مفید حوزه و روحانیت از لوح و قلم و منشور روحانیت از شورای عالی و چند کار پژوهشی خوب وجود دارد. افزون بر این‌ها، مباحث دقیقی نیز درباره علوم حوزوی، مثل کتاب آشنایی با علوم اسلامی شهید مطهری، در نظرات حضرت آقا وجود دارد.

بخش چهارم: شناخت علوم روز

در بیان مقام معظم رهبری تمدن و علوم روز غرب، که امروزه در قالب علوم انسانی غربی تجلی یافته، به تفصیل مطرح و نقد شده است. درمقابل، آنچه در تمدن نوین اسلامی مورد توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بوده و قرار است اتفاق بیفتد نیز به تفصیل در بیانات حضرت امام خروج الله تعالی و حضرت آقا تجلی پیدا کرده و امتدادهای آن در علوم انسانی اسلامی مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

بخش پنجم: دشمن‌شناسی

بخش پنجم، دشمن‌شناسی یا تبیین وضعیت مقابله تمدنی ما با غرب و جریان‌های سیاسی فعال در داخل و خارج از کشور است. این قابلیت وجود دارد که آنچه امامین انقلاب به‌عنوان جریان باطل و جریان دشمن از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا امروز تبیین می‌کنند. به‌خصوص در

زمان مشروطه که دوز اقتضائات سیاسی اش پُررنگ‌تر است، یا انقلاب اسلامی و جریان‌های انحرافی درون انقلاب اسلامی، یا عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی امروز. ارائه گردد.

بخش ششم: ساحت اقتصادی

رهبران انقلاب به تفصیل به این مباحث پرداخته‌اند: نگاه اسلام به عدالت، محرومیت‌زدایی، زئی اسلامی، زئی طلبگی و در امتداد آن مبارزه فقر و غنا و امتدادش در زندگی طلبگی و تجلی‌ای که در حرکت‌های اجتماعی او می‌تواند داشته باشد. اما به‌ندرت به این‌ها اعتنا شده است.

این تفکر که طلبه باید درسش را بخواند و کار اقتصادی نکند، معارض‌هایی بسیار جدی در روایت‌ها دارد؛ به طوری که اصلاً فرصت طرح و بیان پیدا نمی‌کند. تفکر صحیح درباره نظام اقتصادی مسلمانان و طلبه‌هایی که می‌خواهند علمدار جریان تفکر دینی باشد چیست؟ نگاه متعالی و میانه‌روی حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و آقا در این فضا چگونه است؟ متأسفانه اصلاً به این‌ها پرداخته نشده و گویا ساحت اقتصادی طلبه‌ها در حوزه علمیة کلاً پاک شده است و اصلاً طلبه‌ها حق ندارند وارد دنیای مذموم شوند! وقتی خط صحیح میانه را روشن نمی‌کنیم، انحراف از معیار پیش می‌آید و یا به زُهدی می‌انجامد که خانواده طلبه‌ها نمی‌توانند با آنان همراهی کنند، یا زیاده‌روی می‌شود.

همچنین در بیانات امام رحمته‌الله‌علیه و آقا به ساحت سلامت و ورزش و توانمندی جسمانی طلبه‌ها، هرچند کم‌حجم، پرداخته شده است. تفریح را نیز می‌توان براساس روایت‌ها و سرشاخه‌هایی در بیانات به این ضمیمه کرد.

بخش هفتم: بُعد عبادی

درباره ساحت اخلاق، معنویت و عبادت در بیان حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و آقا نگاه متفاوتی از آنچه اکنون در حوزه علمیة ترویج می‌شود وجود دارد. ما هفت مکتب جدی ریشه‌دار اخلاقی-تربیتی در حوزه علمیة از مکتب خواجه نصیرالدین طوسی رحمته‌الله‌علیه تا مکتب آیت‌الله سید علی قاضی رحمته‌الله‌علیه داشته‌ایم. مکتب اخلاقی-تربیتی حضرت امام رحمته‌الله‌علیه مکتب دیگری است که نسبتش با بعضی از این‌ها من‌وجه و با بعضی متباین است. هیچ‌گاه این‌گونه به مکتب حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و مقام معظم رهبری توجه نشده که در نگاه ایشان فرایند رشد و تکامل انسان چیست یا آنچه انسان را به تعالی معنوی می‌رساند چگونه است.

متأسفانه بعضی از مکاتب اخلاقی حوزه علمیه با مصرّحات سیره اهل بیت علیهم السلام منافات دارد؛ مثلاً ورود به عرصه سیاست اجتماع را نفی می‌کند و به رُهبانیتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نفی فرموده‌اند نزدیک می‌شود. این‌ها در مکاتب اخلاقی حوزه تدریس می‌شود و پایگاه و طرف‌دار دارد. اما نگاه حضرت امام رحمته الله علیه و آقا که در آن ورود به عرصه مبارزه، جهاد و شهادت و ورود به صحنه مورد نیاز اجتماع و حکومت یکی از عرصه‌های پیش‌برنده و رشددهنده و مصداق عمل صالح است، مغفول است؛ در حالی که به تفصیل در کتاب‌های اخلاقی حضرت امام رحمته الله علیه و در مباحث اخلاقی مقام معظم رهبری به آن‌ها پرداخته شده است.

بخش هشتم: ساحت خانواده

در زمینه تعاملات خانوادگی از اینکه طلبه برای ازدواج باید به سراغ چه خانواده‌ای برود و چگونگی برگزاری مراسم و قرارهای ناظر بر عقد تا فرایند تعامل با همسر و تربیت فرزند، در اندیشه حضرت امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری آموزه‌هایی وجود دارد که متأسفانه طلبه‌ها آن‌ها را نمی‌دانند.

التزام به جامعیت منظومه فکری در محتوا

نگاه جامع به زندگی انسان با ساحت‌های گوناگونش فقط در نگاه حضرت امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری وجود دارد که به تفصیل به هرکدام از آن ابعاد پرداخته‌اند. اگر طلبه را فقط با بخشی از نگاه رهبر انقلاب آشنا کنیم، مثلاً فقط در عرصه سیاست، تلقی این می‌شود که هروقت خواستم به سراغ سیاست یا اندیشه آقا می‌روم، فعلاً بگذار به کار علمی برسم!

اگر حتی یکی از بخش‌های اصلی منظومه معرفتی ایشان مغفول بماند، قطعاً تصویر ارائه‌شده غیرواقعی خواهد بود. ما اجازه نداریم براساس ذهن خودمان در اندیشه حضرت امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری تصرف کنیم و مثلاً بگوییم اخلاق مهم است یا سیاست در اندیشه حضرت امام رحمته الله علیه و آقا برجسته است، پس فقط بر روی آن‌ها کار کنیم! باید به همه ساحت‌هایی که ایشان پرداخته‌اند و طلبه را توجه داده‌اند بپردازیم تا طلبه بتواند برنامه زندگی‌اش را براساس آن و متناسب با شرایط امروز جامعه و زندگی ولایت‌مدارانه ترسیم کند. اگر جز این باشد، رشد او کاریکاتوری خواهد بود.

نیاز جدی به تولید محتوا

بنده مدتی مدیریت تولید محتوای مؤسسه مقام معظم رهبری بودم؛ در آن دوره تمام آثار منتشرشده در حوزه اندیشه مقام معظم رهبری (۱۷۴۰ عنوان کتاب، مقاله علمی-پژوهشی و پایان‌نامه) را جمع‌آوری کردم. در مرحله بعدی، ارزیابی این آثار را انجام دادم و بر آن‌ها نقد نوشتیم. اکثر نویسندگان آثار از دوستان بنده هستند. ما تمام سیصد مؤسسه و فردی که دست به قلم برده و فعال بودند را دور هم جمع کردیم و هیئت بیاناتی را تشکیل دادیم که جمع می‌شدند و با هم گفت‌وگو می‌کردند. همچنین خانه اندیشه ولایت را تأسیس کردیم. بنده از ۱۳۷۹ در حوزه اندیشه مقام معظم رهبری کتاب نوشته‌ام و ۱۰۶ جلد کتاب را یا خودم نوشته‌ام یا گروهش را مدیریت کرده‌ام. لذا کاملاً با این فضا آشنا هستم و دست‌کم در قم، اگر نگوییم در کشور، بیش از همه با آثار موجود آشنا هستم.

نیاز جدی

در هریک از ساحت‌هایی که ذکر شد آثار خوبی، هرچند کم‌حجم، وجود دارد که می‌توان برای دوره گذار از آن استفاده کرد. اما برای طرح اصلی حتماً نیاز است که تألیف صورت بگیرد؛ چون درس‌ها و کتاب‌های منتشرشده از اندیشه رهبران انقلاب حجم بسیار کمی از آنچه طلبه‌ها باید بدانند را در اختیار قرار می‌دهد؛ در حالی که در اندیشه امامین انقلاب، محتوای مورد نیاز و متناظر با هریک از سطوح طلاب وجود دارد و حتی برای رشته‌های تخصصی بعد از سطح دو، با توجه به درختواره موضوعی حوزه، می‌توان دروس متناظر را تولید کرد. براساس اشرافم به مباحث تأکید می‌کنم که این‌ها درنهایت می‌توانند پنج درصد از محتوایی را که برای تحقق واقعی هدف لازم است تأمین کنند.

چنان‌که فقه را برای هرکدام از سطوح به‌گونه‌ای متفاوت تألیف می‌کنید، اینجا نیز باید متناظر با سطح طلبه و فرایند رشدش بُرش‌ها و عمق‌های متفاوت این اندیشه را تولید کنید تا بیشتر و بهتر بهره‌مند شود.

راهکارهای تسهیل‌کننده تولید محتوا

بیش از آنچه تاکنون منتشر شده، آثار ارزشمند و فاخری درباره اندیشه حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و مقام معظم رهبری وجود دارد که به جهت وضع بازار چاپ و نشر منتشر نشده‌اند، ولی

قابلیت استفاده دارند. بسیاری از آن‌ها قابل تدوین در آثاری هستند که هدف‌گذاری دقیق بر روی آن‌ها انجام شود. اتفاقاً کسانی که در این حوزه‌ها کار کرده‌اند، اگر بدانند به‌طور جدی از نوشته‌شان استفاده خواهد شد، واقعاً علاقه‌مندند که در نظامی منسجم به تولید اثر بپردازند. حتی قابلیت این وجود دارد که به کمک بیابند و چه بسا فی سبیل الله وقت بگذارند؛ چون می‌دانند اثرشان به استفاده قابل اعتنایی می‌رسد و متن درسی خواهد شد.

الزامات محتوایی تولید محتوا

۱. روش تحقیق متقن و آزموده

تولید آثاری که واقعاً بتواند از اندیشه حضرت آقا نمایندگی کند بسیار سخت، به‌شدت دقیق، عالمانه و پُرحجم است؛ زیرا با حجمی حدود سه برابر بحار الأنوار ۱۱۰ جلدی از بیانات رهبری مواجه هستیم. الان متاسفانه رایج‌ترین شیوه کار در اندیشه حضرت آقا جست‌وجوهای کلیدواژه‌ای است که اتفاقاً سخیف‌ترین، ضعیف‌ترین و ناکارآمدترین الگوی پژوهش در اندیشه ایشان است. امروزه در دنیا در روش‌های کیفی پژوهش، الگوهای گوناگون و پیشرفته‌ای وجود دارد؛ روش تحلیل مضمون، تحلیل گفتمان، گرند تئوری، تحلیل منظومه‌ای و اجتهادی.

ما در مؤسسه حفظ و نشر آثار با حضور استادان و پژوهشگرانی که با هرکدام از این روش‌ها در اندیشه آقا محصول تولید کرده بودند جلسات متعددی برگزار و درباره این روش‌ها گفت‌وگو کردیم؛ درنهایت به روش پژوهش در اندیشه آقا رسیدیم و آن را در قالب آیین‌نامه‌هایی تدوین کردیم که بر مبنای الگوی صحیح منظومه‌ای است. سه دوره براساس این آیین‌نامه‌ها پژوهشگر تربیت کردیم و بیش از صد جلسه هیئت‌علمی با استادان این دوره‌ها برگزار، الگو و روش کار را به‌دقت ارزیابی و آیین‌نامه‌ها را در مقام عمل راستی‌آزمایی کردیم و ایرادهایش را درآوردیم. اکنون، الحمدلله، به الگوی پخته‌ای در این زمینه رسیده‌ایم.

۲. براساس تمام بیانات

در حوزه اندیشه مقام معظم رهبری از هفتاد و چهار هزار صفحه بیانات ایشان تاکنون فقط بیست و سه هزار صفحه منتشر شده است؛ قطعاً وقتی می‌خواهید ناظر به اندیشه

صاحب‌نظری حرف بزنید، معنا ندارد که بگویید دو سوم آن در دسترس نیست. البته اخیراً با همکاری مؤسسه حفظ و نشر آثار کارهای خوبی در این زمینه انجام شده است. ما در حال تولید سامانه‌ای جامع و کامل از بیانات رهبر معظم انقلاب هستیم که اگر به نقطه مطلوب و نهایی برسیم، این امکان وجود خواهد داشت که در هر سطحی بتوانید به محتوای طبقه‌بندی و جانمایی شده در منظومه فکری حضرت آقا دست یابید. بحمدالله تاکنون کار پژوهشی یک سوم از بیانات حضرت آقا در این سامانه انجام شده و برآورد ما این است که کمتر از دو سال دیگر سامانه تکمیل شود.

محتوا برای دوره گذار

اکنون و پیش از تکمیل سامانه نیز می‌شود آغاز کرد، اما باید بدانیم که این ویرایش نخست است و مصداق واقعی و قابل قبول کار پس از این است که بتوانیم آن سامانه را به صورت جامع در اختیار داشته باشیم.

اگر فرایند اجرایی تان حدود دو سال طول می‌کشد تا به ثمر جدی بنشینید، به نظر بنده در طول این دوره گذار دوساله خیلی انرژی صرف نکنید و دوره عمومی کوتاهی طراحی کنید و فراخوان عمومی بزنید تا کسانی که علاقه‌مندند با این مباحث آشنا شوند. این کمک می‌کند تا بتوانید استادان و طلبه‌های علاقه‌مند را پیدا کنید و آرام‌آرام به نظام آموزشی نزدیک شوید. ولی اگر واقعاً امکان این را دارید که از سال تحصیلی آینده این کار را در دستور کار آموزشی مدارس علمیه قرار دهید، به انرژی و توان مضاعفی نیاز است که سطح یک این کار را تولید کنید؛ که البته قابلیت انجام هم دارد.

برای این دوره گذار می‌توان از آثار منتشرشده رهبری استفاده کرد. بنده پیش‌تر طرح‌نامه‌ای در این زمینه برای جامعه‌الزهرات تنظیم کردم که متأسفانه پیگیری نشد. آن طرح‌نامه ناظر به مأموریت و میزان عمق طلبه در سطوح یک تا چهار بود و در آن، ساحت‌های مورد نیاز برای هر سطح و کتاب‌های متناظر با آن می‌آمد. البته طرح‌نامه بنده نیاز به تکمیل دارد و تیمی از طلبه‌های فعال در حوزه اندیشه‌پژوهی می‌توانند آن را تکمیل کنند.

الگوی تربیت پژوهشگر در اندیشه رهبری

اعتقاد بنده این است که باید تخصص طیفی از طلبه‌های توانمند و خوش فکر و تیزهوش حوزه کار بر روی اندیشه امامین انقلاب باشد؛ چون با اندیشه کسی طرفیم که به شدت فتانت دارد. آنان باید آموزش ببینند تا از نظر فکری در منطقه خودشان مرجعی شوند که نگاه صحیح حضرت امام علیه السلام و آقا را در موضوعات گوناگون استخراج، استنباط، عرضه، تبلیغ و ترویج کنند؛ یعنی تربیت اندیشمندان مسلط بر اندیشه امامین انقلاب.

چگونگی تربیت یافتن طلبه‌ها براساس اندیشه رهبری

این بحث بسیار دقیق بوده و لازمه‌اش این است که مبانی تربیتی حضرت امام علیه السلام و آقا را بدانید؛ زیرا ایشان مکتب تربیتی مستقلی دارند که در آن مکتب، «خواندن» منتهی به «شدن» نمی‌شود، بلکه باید این معارف را زندگی کنید و متناظر با آن‌ها مسئولیت به عهده بگیرید و در جامعه نقش ایفا کنید و اقدام برایتان تعریف شود. تا رسیدن به آنجا فاصله داریم. البته ما کار اولیه‌ای درخصوص تربیت از نگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری را به سفارش جامعه المصطفی علیه السلام تولید کرده‌ایم، اما نیاز به بازنگری و بازتولید دارد؛ همچنین تا تبدیل شدن به برنامه عملیاتی تربیتی فاصله دارد؛ نیز باید آنچه ناظر به سیره رهبران انقلاب است به آن ضمیمه شود و محدود به گزاره‌ها نشویم. شاید پنج سال دیگر به این برنامه عملیاتی تربیتی برسیم.

گزیده نکات:

حوزه علمی فعلی با حوزه مطلوبی که پشتیبان انقلاب و تمدن‌ساز باشد، فاصله‌ای جدی دارد.

راهکار اساسی، ایجاد تحولی جدی در فضای مدیریت کلان حوزه علمی است که در ابعاد گوناگون نمایان باشد.

راه میان‌بر رسیدن نسل معاصر طلبه‌ها به نقطه مطلوب، کسب اندیشه امامین انقلاب است. راه میان‌بری که بتواند طلبه‌های این نسل را با شرایط روز متناسب کند و موجب شود این پوسته را بشکنند و با ظرفیتی فوق‌العاده درونی به سمت آن هدف متعالی حرکت کنند، آشنایی با اندیشه امام رحمته‌الله‌علیه و رهبر انقلاب است.

نیاز است به موازات جریان فقه سنتی متداول، برنامه‌ریزی شود که طلبه‌ها به مرور از همان سال اول با این اندیشه آشنا شوند تا بتوانند افق نگاه و محتوای مورد نیازشان را متناسب با شرایط و نیازهای امروز جامعه و انقلاب و افق تمدنی‌ای که باید در آن قرار بگیرند، تأمین کنند.

به جای ملاک‌های خود، باید واقعاً به سراغ اندیشه مقام معظم رهبری برویم و ساحت‌هایی را ملاک دسته‌بندی قرار دهیم که امامین انقلاب خودشان به طور مستقل به آن‌ها پرداخته‌اند.

بخش اول: مبانی قرآنی: گاهی به آن «مبانی اعتقادی» نیز گفته می‌شود که حرف ناقص اما قابل قبولی است. مبانی قرآنی مقام معظم رهبری بهره‌هایی جدی از ایمان، اعتقادات و اخلاق دارد. مبانی قرآنی ایشان از آثار تفسیری و کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن دست‌یافتنی است.

بخش دوم: ساحت عمل و اقدام مؤمنانه: در این ساحت اولویت با الگوگیری از سیره اهل بیت علیهم‌السلام است. این الگو در انسان ۲۵۰ ساله، هم‌زمان حسین علیه‌السلام، دو امام مجاهد و امثال این‌ها ارائه شده است.

بخش سوم: آشنایی با علوم اسلامی: در این بخش طلبه با هویت حوزه علمی و مأموریت خود آشنا می‌شود. این‌ها به او کمک می‌کند که بتواند زندگی خود را براساس

مأموریت طلبگی از نگاه امامین انقلاب، به‌عنوان حوزه اقدام و فضای تنفس خود، برنامه‌ریزی و راهبری کند. در این زمینه کتاب‌های مفید حوزه و روحانیت از لوح و قلم و منشور روحانیت از شورای عالی و چند کار پژوهشی خوب وجود دارد.

بخش چهارم: شناخت علوم روز: در بیان مقام معظم رهبری تمدن و علوم روز غرب، که امروزه در قالب علوم انسانی غربی تجلی یافته، به تفصیل مطرح و نقد شده است. در مقابل، آنچه در تمدن نوین اسلامی مورد توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بوده و قرار است اتفاق بیفتد نیز به تفصیل در بیانات حضرت امام رحمته الله علیه و حضرت آقا تجلی پیدا کرده و امتدادهای آن در علوم انسانی اسلامی مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است.

بخش پنجم: دشمن شناسی: دشمن شناسی یا تبیین وضعیت مقابله تمدنی ما با غرب و جریان‌های سیاسی فعال در داخل و خارج از کشور است.

بخش ششم: ساحت اقتصادی: رهبران انقلاب به تفصیل به این مباحث پرداخته‌اند: نگاه اسلام به عدالت، محرومیت‌زدایی، زئی اسلامی، زئی طلبگی و در امتداد آن مبارزه فقر و غنا و امتدادش در زندگی طلبگی و تجلی‌ای که در حرکت‌های اجتماعی او می‌تواند داشته باشد.

بخش هفتم: بُعد عبادی: درباره ساحت اخلاق، معنویت و عبادت در بیان حضرت امام رحمته الله علیه و آقا نگاه متفاوتی از آنچه اکنون در حوزه علمیه ترویج می‌شود وجود دارد.

بخش هشتم: ساحت خانواده: در زمینه تعاملات خانوادگی از اینکه طلبه برای ازدواج باید به سراغ چه خانواده‌ای برود و چگونگی برگزاری مراسم و قرارهای ناظر بر عقد تا فرایند تعامل با همسر و تربیت فرزند، در اندیشه حضرت امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری آموزه‌هایی وجود دارد که متأسفانه طلبه‌ها آن‌ها را نمی‌دانند.

نگاه جامع به زندگی انسان با ساحت‌های گوناگونش فقط در نگاه حضرت امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری وجود دارد که به تفصیل به هرکدام از آن ابعاد پرداخته‌اند. اگر حتی یکی از بخش‌های اصلی منظومه معرفتی ایشان مغفول بماند، قطعاً تصویر ارائه شده غیرواقعی خواهد بود.

اعتقاد بنده این است که باید تخصص طیفی از طلبه‌های توانمند و خوش‌فکر و تیزهوش حوزه کار بر روی اندیشه امامین انقلاب باشد؛

این بحث بسیار دقیق و لازم‌ه‌اش این است که مبانی تربیتی حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و آقا را بدانید؛ زیرا ایشان مکتب تربیتی مستقلی دارند که در آن مکتب، «خواندن» منتهی به «شدن» نمی‌شود، بلکه باید این معارف را زندگی کنید و متناظر با آن‌ها مسئولیت به عهده بگیرید و در جامعه نقش ایفا کنید.

۷. گفت‌وگو با جناب آقای دکتر مصطفی غفاری

اشاره:

دکتر مصطفی غفاری دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام است. وی پژوهشگر موسسه حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب و مدتی نیز مدیر تحقیق و توسعه معاونت رسانه موسسه انقلاب اسلامی بوده است. وی در زمینه اندیشه مقام معظم رهبری آثار قابل توجه و مهمی را تولید کرده است. از مهمترین آثار وی می‌توان به کتاب ارزشمند «از نیمه خرداد» اشاره کرد که طرحی از اندیشه و رهبری مقام معظم رهبری است. از دیگر آثار وی می‌توان به کتاب «فتنه تغلب» اشاره کرد.

مخاطب‌شناسی

حوزه علمی سیستم و نظام‌واره‌ای علمی و اجتماعی است که یک سوی آن، چیزهایی است که در هر نهاد علمی دیگری مطرح است: آموزش، پژوهش و پرورش؛ طرف دیگر این است که آموزش و پرورش معطوف به عمل اجتماعی اتفاق می‌افتد، هم قشری اجتماعی تولید می‌کند و هم می‌خواهد سروسامانی به جامعه بدهد. طبیعتاً وقتی راجع به دغدغه شما در این بستر و زمینه صحبت می‌کنیم، باید کمی فرق کند. اگر بخواهیم مثلاً قشر دانشجو را که قشر نزدیک به نهاد علمی حوزه است یا قشر کارگری را با این مقوله آشنا کنیم، باید صورت مسئله و معماهای متفاوتی را حل کنیم. باید متوجه باشیم که مسئله‌مان ناظر به حوزه است و به این نتیجه برسیم که می‌خواهیم با دانش پژوهان یا دانش‌آموختگان حوزه علمی چه کنیم. سعی می‌کنم در این چهارچوب بحث کنم.

اگر بخواهیم دقیق‌تر باشیم، در برخورد با بیانات رهبری با دو مسئله مواجهیم: یک مسئله که راحت‌تر فهم می‌شود و ما را آزار می‌دهد این است که عده‌ای از کنار آنچه

ما فکر می‌کنیم در بیانات و مواضع ایشان مهم است به‌سادگی می‌گذرند. ناراحت می‌شویم اگر کسی احساس کند که مهم نیست یا این مباحث در رفتارش بی‌اهمیت جلوه کند. این مسئله شایع در همهٔ افشار هست و ممکن است در حوزه نیز وجود داشته باشد. سؤال این است: در مواجهه با بی‌تفاوت‌ها چه کنیم؟

مسئلهٔ دیگر این است که در قضیهٔ رهبری دچار آسیب نسل‌گرایی شدید هستیم؛ یعنی عده‌ای به ایشان جزئی‌نگرانه نگاه می‌کنند یا در مورد برخی از اضلاع فکری و مطالعاتی ایشان تمرکز بی‌جهت و بالایی پیدا می‌کنند.

بین بی‌تفاوتی و نسل‌گرایی شدید گیر کرده‌ایم. همین صورت مسئله را می‌توانیم راجع به افشار دیگر نیز داشته باشیم، اما بحث ما ناظر به حوزه است. در ادامه می‌کوشم پاسخی دسته‌بندی‌شده و دقیق ارائه کنم تا به حل این مسائل کمک شود.

نکته‌های راهبردی برای ترویج اندیشهٔ رهبر انقلاب در حوزه

مطرح کردن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اندیشمند

مقام معظم رهبری، مانند حضرت امام رحمته‌الله‌علیه، صاحب اندیشه است. رجوع به آرا و آثار شهید مطهری رحمته‌الله‌علیه، شهید صدر رحمته‌الله‌علیه و... در حوزهٔ علمیه کم‌وبیش وجود دارد. شاید از آن راضی نباشیم، اما خیلی راحت‌تر اتفاق می‌افتد؛ چون آنان به‌عنوان متفکر شناخته شده‌اند. اما مقام معظم رهبری گاهی اصلاً متفکر به حساب نمی‌آیند که طبیعتاً در محیط علمی با کسی که غیرمتفکر محسوب شود، تعامل همدلانه‌ای اتفاق نمی‌افتد. گاه نیز متفکر به حساب می‌آیند، اما آن قدر لایهٔ معاصرت و مقام رهبری ایشان برجسته می‌شود که دیگر کسی به‌مثابهٔ متفکر به ایشان نمی‌نگرد. به بیان دیگر، آن قدر به وجوه دیگر سیاسی و امریات و مطالبات و منویات ایشان پرداخته می‌شود که وجه تفکر ایشان خیلی برجسته و پُررنگ نمی‌شود و به دید نمی‌رسد؛ یعنی می‌گویند ایشان فرموده‌اند که این کار را باید انجام داد، اما نمی‌گویند ایشان این فکر را ارائه کرده‌اند، نظراتتان دربارهٔ آن چیست؟ آیا می‌توانیم با این طرز فکر، معاضدت فکری داشته باشیم؟ آیا می‌توانیم چیزی از آن بیاموزیم؟ اصلاً می‌توانیم نقد فکری کنیم؟ چه اشکالی دارد؟

باید بتوانیم از دانسته‌های موجودمان برای حل مسئله استفاده کنیم. قرار نیست

وحی نازل شود و ما را تکان دهد. به نظر بنده باید مسئله به این شکل صورت‌بندی شود و ایشان را به‌عنوان متفکر بشناسانیم و مقدمات و لوازمش را فراهم کنیم، به خصوص برای بی‌تفاوت‌ها. البته به این مفهوم نیست که نفس آرای ایشان را با دیگران حُقنه کنیم و مثلاً بگوییم نظر شهید صدر علیه السلام در این مورد درست است و لاغیر! نه؛ ما می‌گوییم شهید صدر به‌عنوان متفکر، در این زمینه حرف سنجیده‌ای زده است و می‌توان با آن مخالفت کرد. اصلاً مخالفت با اندیشه شهید صدر علیه السلام، شهید مطهری علیه السلام و بقیه بزرگان حوزه و علوم دینی باعث رونق فضای علمی می‌شود. بنابراین نخستین چیزی که نیاز داریم، مطرح کردن آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان متفکر با اقتضائاتش است، بدون هیچ مجامله، مسامحه و ملاحظه‌ای. مگر ما رده‌ای بر آرای شهید صدر علیه السلام نداریم؟ یعنی باید مقداری با دید باز وسعت نظری به قضیه بنگریم تا این اتفاق بیفتد. البته ایشان نیز سبک خاصی از تفکر دارند که باید در جای خودش مطرح شود.

به جای اینکه بگوییم «مقام معظم رهبری»، باید بگوییم «استاد سید علی خامنه‌ای». این مباحث حتی در عنوان‌گذاری نیز مهم است. وقتی می‌گوییم مقام معظم رهبری چنین می‌فرمایند، باید تحت تدابیر مولوی ارشادی ایشان قرار بگیریم و آن را محقق کنیم یا در مقام نظر، همان را بپذیریم. اما وقتی می‌گوییم استاد متفکر آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، یعنی ایشان مثل هر مجتهد، اسلام‌شناس و متفکر دیگر، نظری دارند و ما باید در همان نظر تأمل کنیم. ممکن است بگویید این تخفیف شأن ایشان است. خیر؛ این طور نیست. اتفاقاً این پادزهر کسانی است که ایشان را متفکر، نظریه‌پرداز و مجتهد اسلام‌شناس به حساب نمی‌آورند.

توجه به تفاوت نوع مواجهه با اندیشه متفکر و رهبر

وقتی ایشان را به‌عنوان متفکر مطرح می‌کنیم، که این بیشتر ناظر به قشر متصلب و متحجر درباره اندیشه ایشان است، باید ضوابط کار علمی و متفکرانه را درباره این شخصیت بپذیریم. مثلاً آرای ایشان همه جا به‌عنوان متفکر قابلیت آموزش یا پژوهش ندارد. دیده‌ام که بعضی‌ها بیانات رهبری را در کلاس‌ها تدریس می‌کنند؛ گفتم چرا چنین کاری می‌کنید؟ چه کسی گفته است تمام حرف‌های ایشان آموزش‌پذیر است؟ چه کسی گفته است هر موضوعی در اندیشه ایشان قابل پژوهش است؟ یعنی باید ضوابط و چهارچوب‌های علمی

کار را رعایت کنیم. یکی از اشکالات کار این است که حرف ایشان را نهایی بدانیم و بیش از هر چیزی به آن اهمیت بدهیم. دوستانی که باید بسیاری از فرمایشات و دغدغه‌های رهبری را طرح سرفصلی برای تفکر ببینند، همه فرمایشات ایشان را یکپارچه فصل‌الخطاب قرار می‌دهند. شاید ایشان اصلاً در مقام بیان قضیه فصل‌الخطابی نبوده و فقط نظرشان را بیان کرده باشند. اتفاقاً در محیط علمی (در حوزه به‌گونه‌ای و در دانشگاه به شکلی دیگر) باید سرفصل تفکر، جدی گرفته شود. ایشان راجع به تحول‌گرایی فرمودند: من طرح سرفصل می‌کنم؛ کار پژوهشگاه، دانشگاه و حوزه است که در این باره تحقیق کنند. یعنی تداوم یا حتی کار در عرض اندیشه ایشان هیچ مانعی ندارد، بلکه امری پسندیده است. نباید هر فرمایشی از ایشان را فصل‌الخطاب بدانیم و به‌طور مطلق و علی‌المبنا بپذیریم.

نگاه ما به ایشان به مثابه استادی صاحب اندیشه و ایده و نظر، مقدمه‌ای است برای اینکه اتفاقاً جنبه ولایت‌پذیری مان تقویت شود و بهتر بفهمیم تا بتوانیم بهتر اجرا کنیم. بهتر فهمیدن گاهی ممکن است به نقد نیز بینجامد و احیاناً موجب تکمیل و تعریض شود. فضای پویای علمی و فکری همین را اقتضا می‌کند. این در رفتار اجتماعی - علمی ما خیلی بروز دارد.

تا دهه هشتاد آثار آیت‌الله مطهری، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مصباح، عین‌صاد، شهید صدر و خیلی از متفکران معاصر خوانده می‌شد؛ آثار آیت‌الله خامنه‌ای نیز در بین آن‌ها دیده می‌شد و خودبه‌خود تشخص و درخشانی‌اش معلوم بود. الان فضای طلبه‌ها و دانشجویان انقلابی این‌گونه است که گویی اصلاً کسی دیگر وجود ندارد و فقط باید به رهبری نگاه کنیم و فقط انسان ۲۵ ساله بخوانیم. این اتفاقاً موجب ضعف طرح فکری رهبری می‌شود؛ اما وقتی رشته‌کوه‌هایی در نظر بگیریم که یکی از قله‌های سرفرازش ایشان باشند، موجب تقویت ایشان به مثابه اندیشمند می‌شود.

ما نمی‌توانیم با سرکوب یا به حاشیه راندن متفکران دیگر کمک کنیم که ایشان به‌عنوان متفکر مطرح شود. باید اقتضائات طرح ایشان را به‌عنوان متفکر دنبال کنیم. اتفاقاً بررسی‌های مقایسه‌ای نقش بسزایی دارد؛ مثلاً بگویید شهید مطهری به فلسفه اجتماعی اسلامی این‌گونه نگاه می‌کرد یا شهید صدر چنین نگرشی به اقتصاد داشت، اما رویکرد و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چنین است. نقاط تشابه و تمایزش را پیدا کنید. طرح بحث‌های

مقایسه‌ای، تخفیف اندیشه‌های رهبری نیست؛ طرح جدی اندیشه رهبری است؛ یعنی اندیشه ایشان را جدی می‌گیریم. مقایسه آرای ایشان با آرای شهید صدر یا شهید مطهری و دیگران، پایین آوردن رهبری از حیث سیاسی نیست؛ بلکه بالا بردن ایشان از حیث علمی است.

این همان چهارچوب کلان برای پاسخ به پرسش و طرح مسئله شماس است. ما به چنین چهارچوبی نیاز داریم. اگر بنده هم نباشم، خودتان اهل فکر هستید و می‌توانید بیندیشید و برای هر مسئله‌ای تعیین نسبت کنید.

بروز نکته‌های راهبردی مذکور در عمل

اگر ایده و چهارچوب ما چنین چیزی باشد، پاسخ سؤالات خردمان چگونه داده می‌شود؟ از هیچ طرح مقایسه‌ای بین اندیشه رهبری و دیگران نباید پرهیز کرد و آن را درمورد اندیشه ایشان تخفیف دانست. باید از نقد بر اندیشه ایشان استقبال کرد و باید پرسید تا بررسی و بحث شود. از طرح ایشان به عنوان استاد متفکر استقبال کنیم. نه به این مفهوم که همواره جنبه رهبری‌شان را نفی کنیم؛ اما اینکه جنبه رهبری را مقدم بداریم، استراتژی خوبی نیست. وقتی کتاب انسان ۲۵۰ ساله منتشر می‌شد، من به دوستان گفتم روی آن ننویسید مقام معظم رهبری، بنویسید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای. یعنی نظرشان به عنوان مجتهد و باستان‌شناسی مطرح شود که در حوزه سیره کار کرده‌اند، نه به عنوان رهبری؛ زیرا اگر من با ایشان موافق باشم، عمق فکری‌شان را درک نمی‌کنم و اگر مخالف باشم، می‌گویم اصلاً رهبری‌شان را در این حوزه قبول ندارم. اصلاً حیثیتی که آنجا مطرح می‌شود، حیثیت فکری و علمی ایشان است، نه حیثیت سیاسی به عنوان رهبر انقلاب.

تلقی شایع این بوده و در عمل نیز این‌گونه رفتار کرده‌ایم که چون ایشان رهبر انقلاب است، باید اندیشه‌شان مطرح شود. من می‌گویم باید برعکس عمل کنیم. اندیشه ایشان را مطرح کنیم؛ آنگاه شایستگی ایشان برای رهبری انقلاب کاملاً مشخص خواهد شد. شاه‌کلید کار این است که ضوابط این حیثیت را در فضای حوزه رعایت کنیم. شاید تصدیقش در مقام نظر راحت باشد؛ اما متأسفانه در رفتار عمومی در حوزه علمیه و دانشگاه، عمل و اقدام به آن و سیاست‌گذاری بر روی آن کمتر وجود دارد.

پیشنهادهایی پیرامون سیر مطالعاتی

بیانات دیدارهای مهم

رهبر معظم انقلاب مجموعه دیدارهای مهمی در طول سال دارند که غرر بیانات ایشان است و کار کردن درباره این محتواها بسیار اهمیت دارد. دیدارشان در ابتدای سال در حرم مطهری رضوی علیه السلام بسیار مهم است. حرف‌هایشان در دیدار با دانشجویان خیلی صریح و صمیمی است. معمولاً دیدارشان با خبرگان پراهمیت است؛ چون بحث‌های فنی با قرینه‌های خودشان در حوزه اجتهاد و فقاقت و... است. صحبت‌هایشان در دیدار با مردم در مرقد امام رحمته الله علیه همیشه جزء قله‌های فکری ایشان است. صحبت‌هایشان در دیدار با کارگزاران نظام یا نخبگان علمی نیز اهمیت بسزایی دارد. می‌خواهم بگویم که صحبت‌های ایشان در یک سطح و طراز نیستند؛ بخشی از سخنرانی‌هایشان از بقیه مهم‌ترند. ضمن نیم‌نگاهی که به صحبت‌های روزمره ایشان داریم، باید همیشه عمقی در صحبت‌های مهم‌تر داشته باشیم و از لحاظ تاریخی نگاهی به صحبت‌هایشان در سال‌های قبل داشته باشیم؛ چون ایشان به تازگی در این حوزه متفکر نشده‌اند!

آثار مکتوب مقام معظم رهبری

ایشان دارای مجموعه‌ای از آثار تألیفی و شبه‌تألیفی هستند؛ یعنی اثر مکتوب قابل مطالعه دارند؛ مثل ترجمه ایشان از کتاب آینده در قلمرو اسلام از سید قطب. گروهی می‌گویند ایشان مرید سید قطب بوده‌اند؛ خیر، ایشان شخصیت مستقلی دارند، اما مهم است که چگونه به اسلام و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام می‌نگرند. این در آثار مکتوب ایشان یافت می‌شود؛ یعنی باید آثار مکتوب خود ایشان را خواند، نه آثار مکتوب درباره ایشان.

دال مرکزی فکر رهبری

بنده مدل فکری آیت‌الله خامنه‌ای را در کتاب از نیمه خرداد بررسی کرده‌ام. به نظر می‌رسد که مفهوم کلیدی و طلایی ذهن ایشان «حاکمیت اسلام» است؛ یعنی اسلام را نه فقط به مثابه طرحی نظری، بلکه به مثابه برنامه‌ای عملی و شایع برای کل زندگی فردی و اجتماعی اسلامی باید دید. حاکمیت اسلام غیر از حکومت اسلامی است. حاکمیت اسلامی یکی از

شقوق حکومت اسلامی است؛ یعنی حتی اگر حکومتی نباشد، باید به دنبال حاکمیت اسلام در همه جوانب زندگی شخصی خودمان باشیم. این را در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز می‌توانید تعمیم دهید.

به نظر بنده، ایده کلان پشت همه منظومه فکری ایشان مفهوم حاکمیت اسلام است. بنابراین هرچه راجع به حاکمیت اسلام بخوانید، با اندیشه ایشان بیشتر آشنا می‌شوید؛ هرچند از آثار دیگران مثل شهید مطهری بخوانید؛ چون در این حوزه هم‌فکری وجود دارد. مانند یک‌سری کاریز و قنات است که به یک سفره زیرزمینی می‌رسند و همه‌اش از یک آبشخور تنظیم می‌شود. اتفاقاً کارهای مقایسه‌ای بسیار جالبی هست؛ مثلاً شهید مطهری، شهید صدر، امام موسی صدر، آقای بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای چگونه نگاه می‌کنند و چه اشتراکاتی دارند. مفهوم حاکمیت اسلام نکته مهمی است.

ویژگی عمده سبک و شخصیت فکری رهبری

آیت‌الله خامنه‌ای متفکری اجتماعی هستند. «متفکر اجتماعی» به این معنا نیست که راجع به جامعه نظراتی دارند که بقیه ندارند. منظور التفات ایشان به جامعه نیست؛ این است که اساساً در دل جامعه و معطوف به مسائل جامعه فکر می‌کنند. به این معنا مرجعیت اجتماعی دارند. منظور این است که ایشان پژوهشگری نیستند که صرفاً کنج کتابخانه درباره سیره ائمه علیهم‌السلام تحقیق کرده باشند. وقتی مطلبی راجع به سیره ائمه علیهم‌السلام می‌گویند، ناظر به حدّ مسئله‌ای واقعی در جامعه است؛ یعنی مسئله‌هایشان را از جامعه گرفته‌اند. نقصی در حوزه پژوهشگری و تتبع ندارند، بلکه چیزی افزون بر گفته‌های متفکران می‌گویند. ایشان متفکر نظری محض نیستند. متفکر اجتماعی به این معناست، نه بیان توجه به مسائل اجتماعی. اساساً ایشان در وسط میدان جامعه فکر می‌کنند، نه در گوشه کتابخانه و محراب.

تفاوت عمده سبک و شخصیت فکری ایشان با خیلی از متفکران همین است. شهید مطهری نیز از جهاتی از همین سنخ است، اما اختلاف خیلی زیادی با ایشان دارد. یعنی شهید مطهری به اندازه ایشان اجتماعی نبوده‌اند. مقام و مفهوم و موقعیت رهبری به ایشان کمک کرده است؛ یعنی ایشان وسط حل مسئله‌ها هستند. اینکه این قدر زیاد صحبت و

معطوف به قشرهای گوناگون مسائل مختلفی مطرح می‌کنند، به دلیل این است که محل رجوع هستند و جایی ایستاده‌اند که چنین اقتضایی دارد. وگرنه می‌توانستند متمرکز شوند و بیست کتاب فقهی بنویسند. مگر سوادش را ندارند؟ قطعاً دارند؛ اما اصلاً در موقعیت دیگری هستند و جایگاهشان جای دیگری است. مشتقات و مستخرجات فکر ایشان با بقیه تفکرها تفاوت‌هایی دارد؛ این تفاوت جنس فکری ایشان با بقیه است.

سبک تفکر رهبری

اگر آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان استاد و متفکر به حساب آوریم، غیر از مواد و طرح فکری‌شان، سبک فکری ایشان نیز بسیار مهم است. در بررسی نظام فکری هر اندیشمندی، شناخت روش اندیشه او بسیار مهم و آموزنده است و برای این شناخت باید بی‌طرف و منصفانه با گذاره‌های اندیشه و ملاک‌هایی که ما را به آن گزاره‌ها می‌رسانند نگاه کنیم و آن‌ها را بسنجیم. ممکن است با صاحب اندیشه در مسئله‌ای مخالف باشید یا حتی با ملاک‌های خودش اندیشه‌اش را نقد کنید. این نه‌تنها اختلالی به شناخت اندیشه او وارد نمی‌کند، بلکه بسیار سازنده و مغتنم است.

آیت‌الله خامنه‌ای اخیراً در صحبتی گفتند که ما در مقوله اداره کشور اشتباهات کلانی داشته‌ایم؛ مثلاً این تلقی که اگر همه امور کشور را به دولت بسپاریم و اگر اقتصاد دولتی شود عدالت اجتماعی برقرار می‌شود. از دهه شصت این باور را داشتیم و اشتباه بود و کارهایی را کردیم و به نتیجه نرسیدیم. یعنی به‌صراحت گفتند که هم اشتباه نظری داشته‌ایم و هم اشتباه عملی. حال می‌توانیم دنباله فکر ایشان را بگیریم تا بفهمیم در حوزه دولت در فهمان از دولت چه اشتباهی کرده‌ایم که باعث شده است عدالت اجتماعی برقرار نشود. ایشان به اشتباه بزرگی در حوزه حکمرانی اعتراف کرده‌اند که راه را برای ما باز می‌کند تا شاید بتوانیم مورد دیگری نیز پیدا کنیم. ایشان که نمی‌توانند تک‌تک مصادیق را بگویند. ممکن است به موارد دیگر نپرداخته یا میل به پردازش یا توجه و التفات به آن نداشته باشند یا اصلاً نظرشان مخالف رأی ما باشد. اما ممکن است در حوزه دیگری نیز مثل همان باشد و به اشتباهمان پی ببریم؛ چون خودانتقادی را از ایشان آموخته‌ایم.

بنده به دوستان می‌گویم مهم‌تر از اینکه بفهمیم رهبری چه می‌گوید، این است که اساساً

ایشان چگونه فکر می‌کنند. مهم‌تر از اینکه نظر ایشان راجع به فلان چیز چیست، این است که اساساً چگونه به چنین چیزی نگاه می‌کنند؛ یعنی مصداق به‌اندازهٔ روش و سطح فکر مهم نیست. وقتی می‌خواهیم ایشان به‌عنوان متفکر جدی گرفته شوند، باید به روش‌های فکری‌شان تسلط پیدا کنیم و به سؤالات کلان‌تری در این حوزه جواب بدهیم که بنده در کتاب از نیمهٔ خرداد نامش را «رهبری پژوهی» گذاشته‌ام. الان ده‌ها نفر استاد یا دانشجوی حوزه و دانشگاه می‌توانند بگویند ایشان آخرین بار دربارهٔ مبحث عدالت اجتماعی چه گفته‌اند؛ چون خوانده، دیده و شنیده‌اند. اما بپرسید: در دورهٔ آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت اجتماعی چقدر در جامعه محقق شده و نقش ایشان در کم‌وزیادش چه بوده است؟ معمولاً نمی‌توانند به این پرسش پاسخ دهند؛ چون کار و مدل فکری و مدیریتی ایشان را نمی‌دانند. در حالی که دست‌کم شأن استادان حوزه و دانشگاه این است که نه‌تنها بتوانند به این سؤال‌ها جواب بدهند، بلکه باید بفهمند اصلاً منطق اندیشه و مدیریت رهبری چگونه است. آن وقت می‌توانند در کارهای بزرگی که ایشان پیش می‌برند کمک‌کار، معاون و معاضدشان باشند. این حرف ما بی‌پشتوانه نیست؛ مصداق‌های تعیین‌کننده‌ای دارد.

بیاموزیم که به ایشان به‌مثابهٔ اندیشمندی نگاه کنیم که صاحب روش فکر کردن است. آنچه برایمان موضوعیت دارد، سبک فکری و عملی مدیریتی ایشان است. آن وقت یکی از اتفاقاتی که می‌افتد این است که دستمان در گُشگری باز می‌شود. وقتی از استادمان چیزی می‌آموزیم، لزومی ندارد تک‌تک سؤالات را از ایشان استفتا کنیم و یاد بگیریم. بنده فکر اجتهادی ایشان را بدم. اگر ایشان نگویند، من به شما می‌گویم که نظر آقا در فلان قضیه چیست. کسانی که در دفاتر مراجع جواب استفتا می‌دهند چه می‌کنند؟ تک‌تک را که از آیت‌الله نمی‌پرسند. در درس خارج فقه شرکت کرده‌اند، قواعد فقهی و اصولی، رجالی، تفسیر، درایه و... ایشان را می‌دانند و به فکرشان مسلط‌اند؛ هرچند دو جواب مختلف بدهند. یعنی به دفتر تهران زنگ بزنید، جوابی می‌دهند و اگر از قم بپرسید، پاسخ دیگری می‌دهند. اما به نظرم کارشان درست است؛ چون مبانی را می‌دانند و طبق آن مبانی اجتهاد می‌کنند و نظرشان را می‌دهند.

ما دربارهٔ رهبری نیاز به چنین چیزی داریم. البته به‌دنبال آن تکثر پدید می‌آید و ممکن است برداشت‌های گوناگونی شود. بشود، چرا می‌ترسیم؟ چرا فکر می‌کنیم فقط یک برداشت

از بیانات رهبری درست است؟ ممکن است هم‌زمان چند برداشت درست باشد و به صورت متضایفی همدیگر را کامل کنند؛ چون ممکن است هریک در لایه‌های گوناگون عمقی از نگاه رهبری را ببینند. برداشت تک‌بُعدی از اندیشه‌ها و فرمایشات ایشان باعث می‌شود در این حوزه که ایشان را متفکری جدی بدانیم، ضعف پیدا کنیم. بعداً وقتی می‌خواهیم آثار یا بیانات روز ایشان را بخوانیم، عمق و سبک و سیاق فکری ایشان را درک نمی‌کنیم. در نتیجه از حیث اجتماعی مصداق این آیه شریفه می‌شویم: «إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَأَمُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»؛ «قوم موسی می‌گویند: تو و یارانت بروید بجنگید، ما می‌نشینیم. عملاً این اتفاق می‌افتد.

شخصی می‌گفت اصلاً اینکه همیشه می‌گوییم «رهبر حکیم انقلاب فرمودند» نقطه ضعف ماست؛ یعنی کُنش‌گری و بیش‌فعالی رهبری، قوت ایشان و در عین حال نقطه ضعف ماست. نشان‌دهنده این است که به اندازه کافی تحرک نداریم و جدی نمی‌گیریم و همیشه ایشان باید بدوند تا چیزی را جبران یا اختلافی را برطرف کنند. البته ایشان انجام می‌دهند و برای کار خودشان، به عنوان رهبری، حجت دارند. اما قوت کار ایشان گاهی نقطه ضعف ماست. اگر متفکرانی داشتیم که این کار را کرده بودند، شاید هیچ لزومی نداشت که ایشان بیانیه گام دوم انقلاب را صادر کنند، بلکه به اولویت بالاتری می‌پرداختند. به نظر بنده این، اشکال جدی کار و نگاه ماست. البته این بحث عمومی است و در هر نهادی، بنا بر حوزه کاری و سبک و رسالات خودشان، برش‌های خاصی پیدا می‌کند؛ در حوزه یک اشکال و در دانشگاه اشکالی دیگر ایجاد می‌کند و در اقشار دیگر اجتماعی نیز اشکالات دیگری پیدا می‌شود.

انعطاف در برداشت از بیانات رهبری

برنامه سیره خیلی جالب است. برای مثال، امیرالمؤمنین علیه السلام در دوره حکومت و در غیر دوره حکومت، کیسه‌ای را به دوش می‌گرفتند و به فقرا غذا می‌رساندند. ما از این چه می‌فهمیم؟ لایه‌ای از فهم اجتهادی این است که ما نیز همین کار را انجام دهیم و مسئول کشور بستره ارزاق را بر دوش بگیرد و در محله‌های فقیرنشین پخش کند. کسی هم نمی‌تواند این را نفی کند. می‌توانیم این گزاره را از لایه‌ای بالاتر برداشت و اجتهاد و استنباط کنیم که مسئله،

کیسه نان نیست؛ مسئله این است که باید در حدّ عامه مردم، دغدغه‌های اقتصادی را تنظیم کنید و خودتان نیز مابشرتاً به این قضیه بپردازید. نه اینکه بگویید حالا عمال حکومتی دارند می‌پردازند. لایه بالاتر می‌تواند این باشد که لزومی ندارد مابشرتاً بپردازید، اما رفتار شما باید به نحوی باشد که پایین‌ترین سطوح جامعه نیز از سیستم حکمرانی شما بهره اقتصادی ببرند، ولو در حدّ نان شب. هیچ‌کدام از این‌ها غلط نیست؛ هرکدام در لایه‌ای درست است؛ یعنی استنباط ما می‌تواند درست باشد.

عرض بنده این است که وقتی به بیاناتی که راجع به امامان و معصومان علیهم السلام در بیانات رهبری نگاه می‌کنیم، خیلی نباید تسلط و تحجر داشته باشیم که فقط در لایه خاصی درست است و اغیار را کنار بگذاریم و نفی کنیم. یک بیان ایشان ممکن است در سه لایه و با سه مدل برداشت شود و هر سه درست و قابل فهم، بهره‌برداری و اتباع باشد.

پرداختن به خلأهایی که رهبری به آن‌ها پرداخته‌اند

باید چندبار بیانیه گام دوم انقلاب را بخوانیم. یکی به سراغ مفردات بحث می‌رود، یکی به سراغ مهندسی‌اش می‌رود و... همه این‌ها درست است؛ اما راه دیگر این است که این‌گونه فکر کنید که آیت‌الله خامنه‌ای در چهل سالگی انقلاب اسلامی دریافته‌اند که نیازهایی داریم و یکی از آن نیازها این است که در بیانیه‌ای، گذشته و حال و آینده انقلاب را روایت کنند. اگر عالمان و روشن‌فکران انجام می‌دادند و چنین روایتی وجود داشت، شاید آقا لزومی نمی‌دیدند که در این حوزه ورود کنند. دیدند نیست، بنا بر حجتی که دارند و وظیفه و رسالتی که برای خودشان قائل‌اند، ورود کردند.

اولاً باید به این بپردازیم که در کجاها چنین خلأ فکری و روایی‌ای داریم که همیشه آقا این کارها را انجام ندهند. شاید ما بتوانیم پیش از ایشان بعضی از کارها را انجام دهیم. نکته دوم اینکه فرض کنید ما در انقلاب اسلامی پنج خلأ داریم و ایشان قرار بوده است پنج کار انجام دهند. به این بیندیشیم که به جز بیانیه گام دوم، آن چهار کار دیگر چیست. شاید بتوانیم انجامش دهیم. نباید فکر کنیم باید اول ایشان بگویند تا ما به دنبال کاری برویم. مرحوم دکتر افروغ می‌گفت: یکی از کارهایی که مؤمن ولایت‌مدار باید انجام دهد این است که برود کار کند تا جا باز شود برای اینکه امام علیه السلام یا رهبری در آن حوزه ورود و کار کنند. البته

اگر در جایی فرمودند دست نگه دار، باید آن کار را متوقف کنیم؛ این اقتضای ولایت‌پذیری است. باید کار و زمینه‌سازی کنیم، پویش، جنبش، حرکت و گُش داشته باشیم. باید گوش‌به‌فرمان امر ایشان باشیم؛ اما نه اینکه فقط بنشینیم و منتظر دستور باشیم. ما از این مفهوم برداشت منحرفانه‌ای در عمل ارائه می‌دهیم و به آن اقدام می‌کنیم؛ یا کاری نمی‌کنیم، مگر اینکه رهبری قبلاً راجع به آن موضوع چیزی گفته باشند و کاری کرده باشند. مثل آدم‌های محافظه‌کار ترسو دست به چیزی نمی‌زنیم که نکند کاری کنیم که مخالف با رهبری باشد. متأسفانه در قضاوت‌ها بارها دیده‌ام که مثلاً اگر رهبری چیزی گفته باشند و شما هم چیزی بگویید، فکر می‌کنند دچار انحراف شده‌اید و حرفتان با رهبری در تضاد است. نمی‌گویند که شما دارید کار رهبری در این حوزه را تکمیل می‌کنید. با این قضاوت‌ها مفهوم تعجب را محقق می‌کنیم.

مخاطب

تعیین مخاطب هدف

تا حدّ ممکن از آموزش عمومی بپرهیزید. «عمومی» به این مفهوم که مخاطبان و موضوعات عام باشد. این کار را نباید بکنید. باید مشخص کنیم که مخاطب هدف‌تان کیست. مخاطب هدف، فقط یک مخاطب است؛ یعنی نمی‌توانید طیفی از مخاطبان را ترسیم کنید. همچنین باید مشخص کنید که مخاطب تبعی یا جنبی‌تان کیست. یکی از مهم‌ترین نکته‌ها این است که باید با این جنس مخاطب، تعیین و تکلیف کنید. مشخص کنید با چه کسی حرف می‌زنید تا بدانید چه می‌خواهید به او بگویید. در بحث قصد می‌گوییم همیشه از مخاطب شروع و به مخاطب ختم می‌شود. بعضی‌ها فکر می‌کنند فقط پیام اهمیت دارد و همیشه عطش دارند که پیامشان را به مخاطب برسانند. من می‌گویم ابتدا پیام را کنار بگذارید و ببینید مخاطبتان کیست. بعد به شما می‌گویم که از این پیام چه چیزی را باید به مخاطب منتقل کنید و چه چیز را نباید منتقل کنید. همه چیز اسلام خوب است، اما همه چیزش برای همه‌کس نیست.

نمی‌توانم بپذیرم که در یک طرح، هم‌زمان دو طیف مخاطب داشته باشیم. مخاطب هدف یکی است. اگر مخاطب هدف را به‌درستی تشخیص ندهیم، تمرکز و تنظیمات

طرحمان به هم می‌ریزد و میان راه نمی‌دانیم چرا این را به او گفتیم و به دیگری نگفتیم و برعکس. از این داستان‌ها پیش می‌آید؛ ضمن اینکه قبول دارم مخاطب جنبی نیز داریم. نمی‌خواهم نفی کنم؛ اما مخاطب هدف یکی است. هر طرحی یک مخاطب هدف دارد؛ گرچه ممکن است راجع به مخاطبان غیراصلی و جانبی نیز محاسباتی وجود داشته باشد.

کلاً مقوله آموزش از جنس حرکت و پویایی است. قرار است حرکتی اتفاق بیفتد و برای تمام آن حرکت برنامه‌ریزی کنیم، نه برای یک نقطه. اگر در نقطه توقف کنیم، با همه مخاطبانمان به مشکل برمی‌خوریم. من خودم بارها در همین مسئله خطا کرده‌ام. ابتدای ترم با دانش‌پذیران درباره موضوعی بحث می‌کنیم و بعد، از آنجاکه استعدادها متفاوت است، اواسط ترم هنوز عده‌ای مباحث قبلی را نفهمیده‌اند؛ چون بنده مخاطب هدفم را انتخاب و استعدادها را یکدست نکرده‌ام، بلکه دانشگاه مشخص کرده است. عده‌ای از ذهنشان استفاده می‌کنند، چند قدم جلوتر می‌روند و چیزهایی می‌پرسند که نمی‌توانیم به آن‌ها پاسخ بدهیم؛ چون بعضی‌ها چند قدم عقب‌ترند. این است که کار آموزش سخت می‌شود. بخشی از آن طبیعی است و نمی‌شود همه آدم‌ها را تقطیع کرد؛ اما بخشی به عملکرد آموزشی برمی‌گردد؛ یعنی بستگی دارد که ما چگونه می‌خواهیم با دانش‌پژوهان تعامل کنیم.

ایجاد نیاز در مخاطب

گاهی قرار است به نیاز بالفعل مخاطب پاسخ بدهیم و گاه قرار است که برای مخاطب بالفعل خودمان نیاز ایجاد کنیم. هر دو در امر آموزش مهم و ممکن است. اهداف آموزش این نیست که همیشه سؤال بپرسند و ما پاسخ بدهیم؛ بلکه این است که تعیین کنیم مخاطبمان در بلندمدت چه بپرسد، نه اینکه فقط جواب سؤالاتش را از ما بگیرد؛ چون وقتی بیاموزد و بفهمد که چه بپرسد، خیلی رشد خواهد کرد و بیشتر اوقات خودش جواب سؤالاتش را پیدا می‌کند. باید به مخاطب ماهی‌گیری آموزش بدهیم، نه اینکه ماهی بدهیم. باید در حوزه رشدی اتفاق بیفتد و بین این دو توازن برقرار شود؛ یعنی نمی‌توانیم به هیچ‌کدام از سؤالات جواب ندهیم و قرار نیست که مخاطب تا آخر دنیا برای ما تعیین کند که به این سؤال پاسخ بدهیم یا به آن سؤال. باید برای مخاطب حرکتی اتفاق بیفتد و وقتی برنامه‌ریزی آموزشی می‌کنیم، حواسمان به آن حرکت باشد؛ یعنی ابتدا و انتهای طرح با هم فرق کند. سؤال طرح

آموزشی این نیست که به او چه بگوییم؛ بلکه این است که او را از اینجا به کجا ببریم؟ سؤال، سؤال حرکتی است.

پس از پاسخ به سؤال حرکتی، می‌فهمیم که باید چه طرح‌های درسی‌ای برنامه‌ریزی کنیم. باید بدانیم هر مرحله چه پیش‌نیازی می‌خواهد و در میانه مسیر به مخاطب چه بگوییم که مباحث را خلط نکند. باید مشخص کنیم که مخاطب هدفمان کیست، از نظر پیش‌نیازها در چه حدی است، استاد است یا دانش‌پژوه، در چه سطحی درس می‌خواند، قبلاً با آن حوزه و ماجرا آشنا بوده است یا خیر. مثلاً اگر مخاطبی با بیانات روزمره ایشان نیز نمی‌تواند ارتباط برقرار کند یا برقرار نکرده است، باید طرحی بریزیم که او را وارد بحث کنیم. کسی که اصلاً آشنایی دارد، باید به آشنایی اش عمق ببخشیم. یا اگر کسی خودش بیانات ایشان را دنبال می‌کند و مشکلش این است که نسل‌گراست و تحجر به ظواهر دارد، نیاز به برنامه‌ای دیگر دارد. اینجا به سن و سال مخاطب کار نداریم، ممکن است طلبه بیست‌ساله باشد یا مجتهد هفتادساله؛ در این حوزه فرقی نمی‌کند. باید پیرسیم با کدام مخاطب در این حوزه می‌خواهیم کار کنیم. اگر به درستی طیف‌شناسی کنیم، می‌توانیم برای حرکت هرکدامشان مسیر مشخص و دقیقی ترسیم کنیم.

برنامه برای خواهران

مؤکداً پیشنهاد می‌کنم که حتماً روی مخاطبان خانم تمرکز داشته باشید. خواهران نیز استعداد‌های ویژه‌ای در این حوزه‌ها دارند. اساساً نگاه زنانه خیلی راهگشاست و مغز زنانه متفاوت است و هیچ استبعادی ندارد. خانم‌ها چیزهایی می‌فهمند که ما نمی‌فهمیم. نمی‌خواهم بگویم درست است، شاید درست نباشد؛ اما دست‌کم در کنار هم می‌توانیم طور دیگری فکر کنیم.

نکته دیگر اینکه تحجر و بی‌تفاوتی در بین خواهران، به جهت شخصیتشان و جنبه‌هایی که سبک فکر زنانه دارد، دوچندان است؛ متأسفانه آسیب‌هایش هم بیشتر است. طلبه‌های خواهر را جدی بگیرید.

نکته‌های محتوایی و روشی طرح

عادت‌زدایی

از نحوه مواجهه خودمان با صحبت‌های ایشان مقداری عادت‌زدایی کنیم. بنگرید برخورد ما با هر قضیه‌ای چگونه است. مثلاً بگوییم یکی از مقدماتی که مقام معظم رهبری در بیاناتشان مطرح کرده‌اند این است؛ ولی نتیجه را نگوییم و از دانشجویان بپرسیم: به نظر شما کسی که این مقدمات را گفته چه نتیجه‌ای گرفته است؟ سپس به سراغ نتیجه‌گیری ایشان برویم. می‌فهمند که اشتباه یا درست نتیجه گرفتند. بعد شروع می‌کنیم روی آن‌ها کار کردن. اگر خطا کرده باشند، درمی‌یابند که اصلاً سبک فکر ایشان فرق دارد و از این مقدمات طور دیگری نتیجه‌گیری می‌کنند. اسلوب فکری‌شان اینجا معلوم می‌شود. یا مثلاً چرا ایشان واژه‌ای را در معنایی خاص به کار برده‌اند. یا پنج سخنرانی ایشان را با هم می‌خوانیم و می‌فهمیم که به دنبال چه چیزی هستند. خوب است که در دوره‌های عمومی ناظر به گام اولیه، به شیوه‌های گوناگون، هرچه بیشتر از ذهنمان عادت‌زدایی کنیم؛ یعنی بیاموزیم که به بیانات ایشان مثل همیشه نگاه نکنیم.

بحث دیگر این است که باید از حیث برنامه‌ریزی آموزشی فکر کنیم که چه مراحل را می‌توانیم هم‌زمان انجام دهیم؛ یعنی چه چیزهایی پیش شرط است و چه چیزهایی نیست. برای مثال، من می‌توانم هم‌زمان واحد عربی و واحد انگلیسی ارائه کنم؛ اما پیش از ارائه عربی ۲ نمی‌توانم واحد عربی ۵ را ارائه کنم. این‌ها بر هم ترتب منطقی دارند. باید دید چه چیزهایی را برای چه کسانی می‌شود پشت سر هم و چه چیزهایی را می‌شود هم‌زمان مطرح کرد؛ یعنی خطوط متوازی و متقاطع کار خودمان را پیدا کنیم.

ایجاد انگیزه

نکته مهم دیگری که شاید پیش‌آموزشی باشد، این است که چگونه افراد را حساس کنیم به اینکه اساساً بخواهند درباره‌ی ایشان آموزش ببینند. ده پانزده سال پیش، یکی از دوستان در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد می‌گفت ما برای طلبه‌ها کلی کلاس زبان انگلیسی و عربی طراحی کرده بودیم، اما کسی ثبت‌نام نمی‌کرد. یعنی احساس نیاز، سودا و رغبت به اینکه در کلاس زبان شرکت کنند ایجاد نشده بود. فکر کردیم و متوجه شدیم که مشکل، انگیزش

است. یعنی اول طرف را تحریک کنیم که باید چیزی بیاموزد، بعد بگوییم چه چیزی بیاموزد. مشکل از برنامه‌ریزی آموزشی نیست، این است که عده‌ای احساس استغنا می‌کنند و احساس نیاز ندارند که به این مقوله بپردازند. گروهی نیز در جهل مرکب‌اند و می‌گویند چه چیزی آموزش ببینم؟ ایشان چیزی گفته‌اند و من همه را می‌فهمم!

باید روی انگیزش خیلی کار کرد. غول مرحله‌ آخری که با آن سروکار داریم، جایی است که آن قدر تبلیغات سطحی و مشهورات و برخوردهای سطحی در آن حوزه وجود دارد که بعضی‌ها اگر بخواهند به این حوزه بپردازند کهیر می‌زنند؛ یعنی یا از جهاتی احساس استغنا یا کاذب دارند یا اصلاً اشتهايشان کور شده است و احساس نمی‌کنند که باید راجع به رهبری فکر و کار کنند. باید در اتاق فکری جداگانه به این دو چیز، یعنی استغنا یا کاذب و اشتهايشان کور، بپردازیم. این دو چیز، مهم‌ترین موانع راه هستند.

یکی از مهم‌ترین مسئله‌ها نیز این است که چگونه دوباره انگیزش جامعه را برطبق بیانات ایشان تنظیم کنیم که اساساً حساس باشد و به طلبه عمق بدهیم. شاید بخشی از سخنان ایشان را نتوانیم حل کنیم، اما بخشی را می‌شود حل کرد. بخشی از آن از قدرت حل مسئله ما بیرون می‌آید و دیگران باید به عنوان وظیفه آن را حل کنند. در حد دوره‌ای آموزشی در حوزه علمیه می‌توانیم انجام دهیم.

آغاز سیر

آشنایی با مبانی

منظور بنده مبانی فقهی و فلسفی نیست. «مبانی» یعنی مثلاً جنس فکر ایشان چگونه است و چه می‌کنند. کتاب انسان ۲۵۰ ساله بسیار کمک‌کننده است؛ چون فقط راجع به سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیست، بلکه نگاه ایشان به دین را بیان می‌کند. همچنین کتاب‌هایی که از حوزه تفسیری ایشان درآمده است، مثل تفسیر سوره مجادله و امثال این‌ها. یعنی مبانی فکری ایشان می‌تواند در آثار تفسیری و کتاب‌هایشان راجع به اهل بیت علیهم‌السلام خود را نشان دهند. کتاب از نیمه خرداد بنده نیز می‌تواند کمک کند. نقشه‌ای هوایی از بحث و سرنخ‌هایی فکری به مخاطب می‌دهد. سپس مخاطب باید الگوبیش را پیدا کند. یعنی کار مقدماتی می‌تواند از نیمه خرداد باشد، سپس آثاری مثل انسان ۲۵۰ ساله و تفسیر سوره

مجادله که مبانی فکری ایشان را نشان می‌دهند و بحث حاکمیت اسلام را آنجا می‌توانند پیدا کنند. هم‌زمان آثار روز ایشان نیز باید خوانده شود؛ یعنی همین سخنرانی‌های ساری و جاری ایشان. این یک طرف داستان است.

عادت‌زدایی

طرف دیگر، همان قضیه عادت‌زدایی است؛ یعنی نحوه تفکر انتقادی. باید پس از چند ماه کار کردن بتوانیم نظر رهبری درباره مسئله‌ای خاص را حدس بزنیم. زمانی آقای محمدرضا زائری بحث رفراندوم حجاب را مطرح کرد. به او گفتیم که فکر اشتباهی است و برایش مثال زدیم و گفتیم آیه قرآن این را می‌گوید. گفت شاید مثلاً آقا چنین نگویند. گفتیم می‌شود نظر آقا را حدس زد؛ اتفاقاً نظر آقا براساس اندیشه‌های حاکمیتی اسلام این است. آن زمان هنوز آقا نظرشان را نگفته بودند. پس از چند ماه نظرشان را گفتند و منتشر شد. آقای زائری پرسید: آیا از قبل خبر داشتی؟ گفتیم: نه، تحلیلی گفتیم. این خبر نیست، تحلیل است. می‌شود نزدیک به نظر ایشان شد. بنابراین دوره مبانی از یک سو و دوره عادت‌زدایی از سوی دیگر می‌توانند مکمل کار هم باشند؛ ولی به شرطی که افراد دچار آفت بی‌تفاوتی، نسل‌زدگی، تحجر و... نباشند.

تفکر انتقادی

از دیگر نکته‌هایی که می‌تواند راهکار عملی باشد، که قبلاً هم عرض کردم، سبک تفکر انتقادی، سبک پرسشگری از اندیشه رهبری و مسئله‌مندی است؛ یعنی سؤال را ببینیم و جواب رهبری را حدس بزنیم. ولی معمولاً کم‌حوصله‌ایم. در یکی از دانشگاه‌ها از من سؤالی شد؛ به من گفتند: چرا جواب ندادی؟ گفتیم: سه جلسه طول می‌کشید و من حوصله‌اش را نداشتم! سؤال خوب و معتنا بهی است؛ ولی برای سؤال خودت ارزش و اهمیت قائل شو. سؤالی که من بتوانم در چند دقیقه پاسخ بدهم که سؤال نیست و به درد نمی‌خورد؛ یعنی نیاز داریم که مقداری سؤال داشته باشیم و پس از آشنایی با اندیشه ایشان کم‌کم به جواب برسیم. «انتقادی» به این معنا مدنظر است؛ یعنی با سؤال و با منظر همدلانه پیش برویم، نه اینکه حتماً باید نظر ایشان را بپذیریم.

امام موسی صدر می‌گوید معمولاً دین‌شناسی ما این‌طور است که راجع به هر موضوعی می‌گوییم باید ببینیم که پیغمبر صلی الله علیه و آله راجع به آن چه فرموده‌اند؟ البته اصل رجوع به منابع

دینی را زیرسؤال نمی‌برد، اما می‌گوید اگر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند، در این مسئله چه کار می‌کردند. باید به آیه و حدیث رجوع کنیم، ولی تفاوتش این است که آنجا متحجّر و اینجا مجتهد می‌شویم.

یک سری مسائل واقعی دربارهٔ قضیهٔ رهبری وجود دارد؛ مثلاً اینکه آیا ولایت فقیه مقوله‌ای اخلاقی است یا خیر. چند بار برای دانشجویان مطرح کرده‌ام که ولایت فقیه غیر از مسئلهٔ فقاہت رهبری است. حمله به ولایت فقیه از این جهت نیز زیاد است. عده‌ای می‌گویند اصلاً از نام ولایت فقیه مشخص است که هیچ ربطی به اخلاق ندارد! این مثال است که متوجه شویم راجع به مقولهٔ ولایت فقیه چنین پرسش‌هایی نیز وجود دارد. همچنین سؤالاتی راجع به عملکرد وجود دارد. کسی که بخواهد در سطح عالی‌تر کار کند، باید بتواند شبیه‌سازی کند؛ نه اینکه کار ایشان را توجیه کند. مثلاً فرض کنید رهبری اشتباه کرده است، اگر شما بودید چه می‌کردید؟ نه به‌عنوان رهبر سکولار، بلکه به‌عنوان مجتهد شیعهٔ عادل مدبّر چه می‌کردید؟ عده‌ای فکر می‌کنند ایشان رهبر جامعه‌ای سکولار هستند و باید جامعه را به سمت لائیسیته پیش ببرند. گویی فراموش کرده‌اند که ایشان «آیت‌الله خامنه‌ای» و «رهبر انقلاب» هستند. قرار است کاری کنند که جامعه اسلامی تر شود. شاید شما بگویید ایشان باید کاری کنند که جامعه سکولارتر شود، اما تعریف کار ایشان چنین چیزی نیست. مثل اینکه مهندس را با معیارهای پزشکی نقد کنید. قرار نیست چنین اتفاقی بیفتد.

مخاطب باید بتواند خودش را تصور کند و به سؤالات جواب بدهد؛ چه دربارهٔ نقش رهبری و چگونه رهبری کردن و چه راجع به شخص و عملکرد ایشان. این یک سطح بالاتر است. باید بیانات رهبری را بخوانید، اما به من بگویید که فلان مسئله را چگونه حل می‌کنید؛ یعنی مجبوریم نوع برخورد مجتهدانه و متفکرانه در مواجهه با مسئله را نهادینه کنیم تا مخاطب به خوبی بفهمد که رهبری چه امر خطیری است. اینکه افق‌های بلندی برای آموزش بگذاریم، اتفاقاً به افراد کمک می‌کنیم که رشد کنند و خود این مکانیزم، دفاع از رهبری و ولایت است.

گزیده نکات:

در برخورد با بیانات رهبری با دو مسئله مواجهیم: یک مسئله اینکه عده‌ای از کنار آنچه ما فکر می‌کنیم در بیانات و مواضع ایشان مهم است به سادگی می‌گذرند.

مسئله دیگر این است که در قضیه رهبری دچار آسیب نسل‌گرایی شدید هستیم؛ یعنی عده‌ای به ایشان جزئی‌نگرانه نگاه می‌کنند یا در مورد برخی از اضلاع فکری و مطالعاتی ایشان تمرکز بی‌جهت و بالایی پیدا می‌کنند.

مقام معظم رهبری، مانند حضرت امام علیه السلام، صاحب اندیشه است. اما آن قدر لایه معاصرت و مقام رهبری ایشان برجسته می‌شود که دیگر کسی به مثابه متفکر به ایشان نمی‌نگرد. به بیان دیگر، آن قدر به وجوه دیگر سیاسی و امریات و مطالبات و منویات ایشان پرداخته می‌شود که وجه تفکر ایشان خیلی برجسته و پُررنگ نمی‌شود و به دید نمی‌رسد؛ یعنی می‌گویند ایشان فرموده‌اند که این کار را باید انجام داد، اما نمی‌گویند ایشان این فکر را ارائه کرده‌اند، نظراتتان درباره آن چیست؟

بنده مدل فکری آیت‌الله خامنه‌ای را در کتاب از نیمه خرداد بررسی کرده‌ام. به نظر می‌رسد که مفهوم کلیدی و طلایی ذهن ایشان «حاکمیت اسلام» است؛ یعنی اسلام را نه فقط به مثابه طرحی نظری، بلکه به مثابه برنامه‌ای عملی و شایع برای کل زندگی فردی و اجتماعی اسلامی باید دید.

آیت‌الله خامنه‌ای متفکری اجتماعی هستند. «متفکر اجتماعی» به این معنا نیست که راجع به جامعه نظرانی دارند که بقیه ندارند. منظور التفات ایشان به جامعه نیست؛ این است که اساساً در دل جامعه و معطوف به مسائل جامعه فکر می‌کنند. به این معنا مرجعیت اجتماعی دارند. اساساً ایشان در وسط میدان جامعه فکر می‌کنند، نه در گوشه کتابخانه و محراب.

مهم‌تر از اینکه بفهمیم رهبری چه می‌گوید، این است که اساساً ایشان چگونه فکر می‌کنند. مهم‌تر از اینکه نظر ایشان راجع به فلان چیز چیست، این است که اساساً چگونه

به چنین چیزی نگاه می‌کنند.

تا حدّ ممکن از آموزش عمومی بپرهیزید. «عمومی» به این مفهوم که مخاطبان و موضوعات عام باشد.

آموزش از جنس حرکت و پویایی است. قرار است حرکتی اتفاق بیفتد و برای تمام آن حرکت برنامه‌ریزی کنیم، نه برای یک نقطه. اگر در نقطه توقف کنیم، با همه مخاطبانمان به مشکل برمی‌خوریم.

گاهی قرار است به نیاز بالفعل مخاطب پاسخ بدهیم و گاه قرار است که برای مخاطب بالفعل خودمان نیاز ایجاد کنیم.

مؤکداً پیشنهاد می‌کنم که حتماً روی مخاطبان خانم تمرکز داشته باشید. خواهران نیز استعداد‌های ویژه‌ای در این حوزه‌ها دارند. اساساً نگاه زنانه خیلی راهگشاست و مغز زنانه متفاوت است و هیچ استبعادی ندارد. خانم‌ها چیزهایی می‌فهمند که ما نمی‌فهمیم.

باید از حیث برنامه‌ریزی آموزشی فکر کنیم که چه مراحل را می‌توانیم هم‌زمان انجام دهیم؛ یعنی چه چیزهایی پیش شرط است و چه چیزهایی نیست.

نکته مهم دیگری که شاید پیش‌آموزشی باشد، این است که چگونه افراد را حساس کنیم به اینکه اساساً بخواهند درباره‌ی ایشان آموزش ببینند. باید روی انگیزش خیلی کار کرد.

«مبانی» یعنی مثلاً جنس فکر ایشان چگونه است و چه می‌کنند. کتاب انسان ۲۵۰ ساله بسیار کمک‌کننده است؛ چون فقط راجع به سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیست، بلکه نگاه ایشان به دین را بیان می‌کند.

۸. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی مهدیان

اشاره:

حجت‌الاسلام علی مهدیان استاد حوزه علمیه قم و دارای مدرک سطح چهار حوزوی است. دو اثر برجسته وی عبارتند از: طرح کلی اندیشه دوران مقاومت و مسیر عصر توحید. وی یکی از پژوهشگران مکتب امام و رهبری و مدرسین این حوزه به شمار می‌آید که آثار مکتوب فراوانی در قالب یادداشت، مقاله و سخنرانی در تحلیل بنیادین و راهبردی اندیشه رهبری معظم انقلاب اسلامی داشته است. همچنین در دارای سابقه تدریس نظام اندیشه مقام معظم رهبری در دانشگاه و حوزه است. از سوابق اجرایی ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مسوول واحد آموزش و پژوهش جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، عضو گروه بانک اطلاعات رصد حوزه علمیه قم زیر نظر معاونت پژوهشی حوزه علمی، عضو تیم تحلیل سخنان رهبری در باره حوزه علمیه قم زیر نظر شورای تحول حوزه علمیه قم، عضو تیم طراحی بانک ایده‌های تحول در حوزه زیر نظر شورای عالی حوزه علمیه قم، مسوول خانه طلاب جوان به مدت چهار سال، مسئول دفتر عهد در مدرسه علمیه معصومیه به مدت ۳ سال و عضو هیات تحریریه نشریه عهد و نشریه خط.

دال مرکزی

دال مرکزی در مکتب سیاسی مقام معظم رهبری مقوله «رابطه با دنیا» است. این اساسی‌ترین کلیدواژه است که انقلاب اسلامی را اینجا تعریف می‌کنند و حقیقت انقلاب را اینجا توضیح می‌دهند. ولی باید این بحث را در مکتب سیاسی انجام و براساس این، مردم‌سالاری دینی را توضیح دهیم. یکی از مغزهای مکتب امام علیه السلام بحث عبور از دنیاست که به آن «قیام‌الله» می‌گویند.

دو کلیدواژه اصلی داریم: «اسلام ناب» و «مردم‌سالاری دینی». اسلام ناب یا همان انقلاب اسلامی را بر محور بحث عبور از دنیا توضیح می‌دهیم و بعد، مردم‌سالاری دینی را تعیین می‌کنیم. نقش مردم، رابطه با ولی، رابطه با قانون، بحث‌های عدالت، آزادی، پیشرفت و... در همین چهارچوب و اندیشه قرار دارند. این در مکتب سیاسی و اجتماعی گنجانده

می‌شود و معمولاً حجم اصلی سخنرانی‌ها در همین جاست.

دال مرکزی در بحث معارفی «توحید» است؛ منتها توحید را با قرائت خاصی به مثابه موتور حرکت و ایجاد انگیزه توضیح می‌دهند. توحید را به معنای طرح حرکت و طرح ایدئال ترسیم می‌کنند که بحث‌های نبوت، ایمان، امامت، معاد و بحث‌های معرفتی این‌چنینی با این کلیدواژه شکل می‌گیرند.

در فضای سلوکی اخلاقی نیز «قیام» می‌شود. قیام، استقامت، مقاومت و... همه در یک فضا هستند؛ یعنی حفظ قیام، استقامت و در برابر دشمن، مقاومت است. ایشان در جبهه بین‌المللی کلیدواژه مقاومت را به کار می‌برند. این همان قیام درمقابل دشمن است که حفظ آن، مقاومت می‌شود.

در فقه بحث «فقه حکومتی» محور است. در طرح سیره‌ای و... نیز اگر کسی طرح مبانی پنج‌گانه را حل کرده باشد، می‌تواند ایده‌هایش را در سیره بررسی کند. البته این چهار مورد که ذکر کردم، بر تحلیل سیره سایه می‌اندازند.

دسته‌بندی موضوعی اندیشه رهبری

باید به همه این شخصیت، از بُعد معرفتی تا سطح اقدام و عمل متصل شویم؛ یعنی از عمیق‌ترین سطوح اندیشه تا سطحی‌ترین اقدام طلبه‌ای که رهبر اجتماعی شد.

مباحث معرفتی بنیادین

یک سطح، علوم بنیادین است. اگر این مسیر را ادامه دهید، بعداً می‌توانید به کتاب‌های معرفتی امام رحمته‌الله‌علیه نیز وصل شوید. اینجا یک سری از کتاب‌ها قرار می‌گیرند؛ مثل طرح کلی یا شرح نهج البلاغه ایشان که از همین جنس هستند. کتاب‌های معرفتی امام رحمته‌الله‌علیه و کتاب‌های تفسیری نیز اینجا قرار می‌گیرند.

مباحث سلوکی و اخلاقی

سطح دیگر، بحث‌های سلوکی و اخلاقی است که برخی از این‌ها کتاب شده‌اند، مثل استغفار عمومی. بحث‌های مقام معظم رهبری راجع به شهدا و مکتب حاج قاسم سلیمانی با رویکردی اخلاقی است که می‌توان آن‌ها را از سخنرانی‌های ایشان استخراج کرد. بعضی از

بحث‌های ایشان راجع به سیره شخصی حضرت امام علیه السلام نیز در این بخش می‌گنجد. شاید کتاب خون‌دلی که لعل شد نیز در این دسته قرار بگیرد؛ حضرت آقا در این کتاب شخصیت خودشان را با قلم اول شخص بیان کرده‌اند.

مباحث فقهی

بعضی از سخنرانی‌ها، پیام‌های ایشان به شخصیت‌های گوناگون، همچنین کتاب‌های فقهی و آنچه از درس خارج‌های ایشان چاپ شده است، در این دسته قرار می‌گیرند. مباحث فقهی برای طلبه‌ها الهام‌بخش است؛ مثلاً کتاب غناء خیلی جذاب است. نوع نگاه ایشان به زمان، مکان، تقریر موضوعات، رویکردهای حکومتی در بحث «صلاة مسافر» و بحث «شاخص» در این بخش می‌گنجد. به نظر خوب است نگاه‌های فقهی ایشان دیده شود که جنسی از مطالعات مقام معظم رهبری است.

مکتب سیاسی. اجتماعی

سطح دیگری از مطالعات، مکتب سیاسی. اجتماعی است. از اینجا به بعد نه فقط به طلبه‌ها، بلکه به همه حزب‌اللهی پیشنهاد می‌شود. البته بحث نظام فکری ایشان را نیز می‌شود برای حزب‌اللهی‌ها مطرح کرد؛ در آنجا بعضی از متن‌ها و پیام‌های ایشان درباره ملاصدرا و دیگران یا سخنرانی‌هایشان در انجمن عالی حکمت، بحث‌های خوبی است؛ اما مقداری مباحث کلامی و بالاتر از کلام و فلسفه نیز آنجا هست. یا مثلاً سخنرانی ایشان در کنگره حافظ و بحث‌های عرفانی که نوع بیان ورودهای عرفانی ایشان است باید دیده شوند. باید بحث‌های معرفتی حضرت آقا را گردآوری کنیم و به طلبه‌ها بدهیم. بعضی از این بحث‌ها کتاب شده؛ ولی بسیاری از آن‌ها کتاب نشده است و باید از سخنرانی‌هایشان استخراج کنیم. ایشان خیلی سخنرانی دارند؛ مثل شهید مطهری که بسیاری از کتاب‌هایش مجموعه‌ای از سخنرانی‌های اوست. اما سخنرانی‌های مقام معظم رهبری را کتاب نکرده‌اند. کتاب انقلاب اسلامی و کارهای صهبا خوب‌اند؛ اما به‌طور کلی از سخنرانی‌هایشان کتاب‌های خوبی درنیاورده‌اند. اصلاً مکتب سیاسی. اجتماعی نیز همین‌طور است؛ مثل عهد مشترک یا تمام «۱۴ خرداد»‌ها. کتاب مکتب امام خمینی علیه السلام اثر آقای فلاح نیز در همین فضا است. کتاب آزادی یعنی آزادی مجموعه سخنرانی‌های آقا در دهه شصت راجع به مفهوم آزادی است. کتاب ولایت و حکومت نیز از جنس بحث‌های مکتب سیاسی و اجتماعی است. اکثر

بحث‌های آقا از این جنس است؛ یعنی سخنرانی‌های عمومی‌شان در این سطح قرار دارند.

مباحث راهبردی

یک جنس از بحث‌هایی ایشان نیز راهبردی است. این مباحث را هم می‌توان زیرمجموعهٔ مکتب سیاسی-اجتماعی دانست و هم می‌توان به صورت جداگانه مطرح کرد. مثل بحث‌هایی راجع به «پنج مرحله»، «بیانیهٔ گام دوم» و صحبت‌های سال ۱۳۷۹. عموماً صحبت‌هایشان با دانشجویان نیز در این سطح است.

تاریخ معاصر

انتشارات صهبا در بحث تاریخ معاصر کتابچه‌ها و کتاب‌هایی را چاپ کرده که مراحل انقلاب اسلامی از منظر حضرت آقا توضیح داده شده است؛ مثلاً کتاب انسان ۲۵۰ ساله دربارهٔ انقلاب و معاصر انقلاب حرف زده است. اصلاً تحلیل‌های تمدنی کلان تاریخی راجع به انقلاب و جایگاه تمدن‌ها دارند. الان عصر چیست؟ در جایی می‌گویند الان در عصر اقامه هستیم و پیش از این در عصر قیام بودیم. قرن ۲۰ قرن قیام بود و قرن ۲۱ قرن اقامه است. از این بحث‌های کلان که مثلاً طرح حضرت امام رحمته‌الله‌علیه را توضیح می‌دهند که چه مراحل را طی کرد. همچنین چند تا از سخنرانی‌هایشان در دورهٔ ریاست جمهوری شایان توجه است.

تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام

حلقه‌های انسان ۲۵۰ ساله و صحبت‌هایشان دربارهٔ انبیا علیهم‌السلام در این سطح می‌گنجند.

سیره

دو سیره مدّ نظر بنده است: یکی سیرهٔ امام رحمته‌الله‌علیه از منظر حضرت آقا؛ دیگری سیرهٔ خود حضرت آقا در رهبری. سیره نیز سطحی از مباحثات را شکل می‌دهد.

بعضی از سخنرانی‌های مقام معظم رهبری دربارهٔ سیرهٔ حضرت امام رحمته‌الله‌علیه است، نه مکتب امام رحمته‌الله‌علیه. در بعضی از «۱۴ خردادها» و بعضی از سخنرانی‌ها مثل سال ۱۳۶۸ دربارهٔ آن بحث کرده‌اند. البته در سخنرانی سال ۱۳۶۸ بحث‌های کلان تمدنی، جایگاه انقلاب اسلامی، مختصات تاریخی‌اش و... نیز هست. سخنرانی‌های حضرت آقا در آن ایام مانند سخنرانی ۱۳۵۸ امام رحمته‌الله‌علیه است که تمام کلامشان را واضح و صریح فرمودند.

باید سخنرانی‌های حضرت آقا را گردآوری و چاپ کنیم؛ مثلاً سزاوار است کسی مجموعهٔ

صحبت‌ها و سطح تصمیم‌گیری‌های ایشان دربارهٔ برجام را تحلیل کند و خروجی دهد. این‌ها نیاز به تولید دارند. البته کتاب‌های آقای شیرعلی‌نیا بد نیست. تاریخ دایرة المعارف مصوّر نیز راجع به امام علیه السلام است. عده‌ای کتاب‌های شرح الإسم و الف لام خمینی را نقد کرده‌اند، اما به نظرم کتاب‌های خوبی هستند. این‌ها دیگر از منظر آقا نیستند؛ بلکه دیگران دربارهٔ ایشان نوشته‌اند.

مباحث تخصصی

پس از سیرهٔ امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، می‌توانیم همراه با طلبه‌ها موضوعات بی‌شماری را به تفصیل و به صورت تخصصی ارزیابی کنیم؛ مثل بحث‌های تعلیم و تربیت، کارگر، اقتصاد، زن و.... حضرت آقا در همهٔ حوزه‌ها صحبت کرده‌اند و در بعضی از زمینه‌ها صاحب‌نظر هستند و حرف جدیدی زده‌اند. حوزهٔ زن و خانواده خیلی خوب و پُرسخن است؛ باید دربارهٔ این‌ها به‌طور تخصصی کار شود. البته طلبه‌ها می‌توانند بحث‌های گوناگونی را با توجه به بحث‌های لایه‌های پیشین جمع‌بندی کنند.

دسته‌بندی دیگر

این سطوح مختلف خوب است، اما می‌شود همین‌ها را در سه یا چهار سطح تقسیم‌بندی کرد. خود مقام معظم رهبری دربارهٔ مکتب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چهار سطح را مطرح کرده‌اند: ۱. «معارف»؛ ۲. «نظام ارزشی» که مکتب سیاسی-اجتماعی نیز در این سطح است؛ ۳. «فقهی-احکامی» که نظام فقهی در اینجا قرار می‌گیرد؛ ۴. «سیاست‌ورزی» یا «اقدام سیاسی». مکتب امام علیه السلام نیز همین‌طور است؛ می‌توانیم در این چهار سطح دسته‌بندی انجام دهیم.

ضرورت‌های انگیزه‌بخش

در بحث «ضرورت» می‌توانیم چند ورود داشته باشیم:

۱. «سبک زندگی». این بحث برای غیرطلبه‌ها نیز ورود خوبی است. بحث‌های «الگو» و «مأموریت» زیرمجموعه‌های این بحث هستند.
۲. «بصیرت علمی» که برای طلبه‌ها خوب است؛ یعنی نقش این بحث‌ها را در درس‌ها

توضیح دهیم. برای مثال: در فقه به دنبال چه چیزی هستیم؟ فقه چه عقبه‌ای دارد؟ رسالت فقه چیست؟ مسائل پژوهشی که باید درباره‌اش فکر کنیم و به آن‌ها بپردازیم چیست؟ این دوره رشد دارد. شهید مطهری در بحث اهمیت نظام اندیشه می‌گوید: «فتوای دهاتی بوی دهاتی می‌دهد و فتوای شهری بوی شهری».^۱

۳. «هویت و جایگاه طلبگی به لحاظ اجتماعی»؛ تعریف، جایگاه و هویت طلبگی ورود خوبی است و جای بحث دارد.

۴. «معنویت» که این نیز دغدغه طلبگی است. اصلاً معنویت واقعی چیست؟ چگونه می‌شود رشد معنوی داشت؟ بحث ورود به ساحت معنویت خیلی انگیزه می‌دهد.

۵. «نصرت و سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» نیز ورود خوبی است. چگونه می‌شود به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف کمک کرد؟

هدف

با کتاب‌های آقا می‌خواهیم چه چیزی به دست بیاوریم؟ باید بر همان اساس برنامه‌ریزی کنیم؛ یعنی باید مشخص کنیم که به دست طلبه چه می‌خواهیم بدهیم. اگر این معلوم باشد، بر همان اساس می‌شود برنامه را طراحی کرد؛ مثلاً ممکن است بگویید طلبه به نظام فکری لازم دارد و شهید مطهری، شهید بهشتی و حضرت آقا فرقی نمی‌کنند؛ یا ممکن است بگویید آنچه را که من می‌خواهم شهید مطهری نمی‌دهد، فقط حضرت آقا آن را می‌دهد. باید مشخص کنیم که دقیقاً دستاوردمان از منظومه فکری رهبری چیست.

واقعاً می‌خواهید نظام فکری را به طلبه بدهید؟ یعنی قرار است این کتاب‌ها همین را به طلبه بدهد؟ چیز دیگری نیست؟ منظور این است که هرچه درباره مقصدمان صحبت کنیم، روی مدل برنامه‌ریزی ما تأثیرگذار است. بنده این را مسیری طلبگی می‌بینم؛ یعنی ورود به کتاب حضرت آقا می‌تواند زندگی طلبه را کلاً عوض کند. نه اینکه اندیشمندی در کنار بقیه اندیشمندان باشند یا مثلاً در ماتریس دروس حوزوی یک خانه خالی داشته باشیم و بخواهیم آن را پر کنیم. خیر؛ اصلاً هویتی به طلبه می‌دهد که او را کُن فیکون و به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و اندیشه‌های ایشان متصل می‌کند؛ یعنی صراط خوبی برای اتصال به ایشان است و با بقیه

۱. مرتضی مطهری، ده گفتار، ج ۱، ص ۱۲۲.

تفاوت دارد. اگر دربارهٔ امام علیه السلام و تمایزاتش با سایر علما بحث کنیم، معلوم می‌شود ریلی که می‌خواهیم بگذاریم باید چه ابعادی را درونش لحاظ کنیم که در بقیه کم‌رنگ‌تر است. مثلاً می‌خواهید «منشور روحانیت» آینده طلبه شود. مسیرهای موجود هیچ‌گاه به آن ختم نمی‌شود. اگر طلبه‌ای صد سال دیگر این طوری درس بخواند، به طلبه‌ای که امام علیه السلام تصریح دارند نمی‌رسد. معلوم می‌شود که در مسیر رشد مانعی وجود دارد. بنابراین دانه‌ای که می‌خواهید در زندگی‌اش بکارید، چیزی در کنار بقیهٔ امور نیست؛ همه را عوض و بدل می‌کند؛ یعنی نقطه‌ای است که در همه چیز تأثیر می‌گذارد. به نظر بنده کتاب‌های آقا ما را به سطوح گوناگون اندیشهٔ امام علیه السلام و حضرت آقا وصل می‌کند؛ چون حضرت آقا باب خوبی برای اتصال به اندیشه‌های حضرت امام علیه السلام است. پیش از خواندن کتاب‌های امام علیه السلام و پژوهش دربارهٔ آن‌ها باید مقداری درس تخصصی بخوانیم؛ اما آقا عمومی حرف زده است.

رسیدن به خروجی کارآمد، نیازمند طرحی جامع

ناکارآمدی انبوه خوانی

حجم انبوه خوانی جلوی طلبه نگذاریم. بلایی را که با کتاب‌های ترائی بر سرش آورده‌ایم، با کتاب‌های امام علیه السلام و آقا نیاوریم. فرقی نمی‌کند؛ تا حالا فقه و اصول می‌خواند و قرار بود با فقه و اصول درست شود که نشد، حالا کتاب‌های امام علیه السلام و آقا را جلویش بگذاریم و بگوییم بخوان؛ باز هم درست نمی‌شود. باید اتفاق دیگری رقم بخورد که این مطالعه بُعدی از آن کار شود.

اگر قرار است به آقا متصل شویم، واقعاً به آقا متصل شویم. ایشان در خون دلی که لعل شد می‌گویند: من هم فکری بودم و هم عملی. خیلی از بزرگان مثل من بودند؛ شهید بهشتی، شهید مطهری و.... ولی آن‌ها لمشان در مقاطعی بیشتر شد، من چنین نشدم؛ من چنین جنسی داشتم. اگر می‌خواهیم وصل شویم، باید شخصیتی وصل شویم. طلبه باید همهٔ اضلاع وجودش را به رهبری وصل کند؛ این غیر از کارهایی است که تاکنون کرده‌ایم.

باید طلبه را به طور جامع به رهبری وصل کنیم؛ به این معنا که وصل ولایی شود، نه فقط دانشی. از این جهت خیلی عقب هستیم. مثلاً آقا درس خواندن را از فکر کردن تفکیک کرده‌اند. در حوزه چنین تفکیکی نیست. ما درس می‌خوانیم، ولی فکر نمی‌کنیم. به طلبه

فکر نمی‌دهیم، فقط درس می‌دهیم. می‌تواند بگوید در فلان کتاب عقایدی یا فرع فقهی چه نوشته شده است، ولی بصیرت فکری ندارد. اصلاً عطش فکر و پشتیبانی معرفتی ندارد. ازسوی دیگر، اتصالات عینی اجتماعی ندارد؛ لذا ممکن است مثلاً نزدیک انتخابات کمی کار رسانه‌ای و جهاد تبیین کند، اما دوباره به مباحث خودش بازمی‌گردد. اضلاع رشدان کم دارد؛ برای همین هیچ‌گاه به این چیزهای مهم فکر نمی‌کنیم.

باور کنید اگر درمورد شهید مطهری نیز این‌گونه کار می‌کردیم، شهید مطهری زنده شده بود! شهید مطهری را نیز با انبوه‌خوانی کشتیم؛ یعنی حتی نخواستیم از او نظام فکری به دست بیاوریم. به طلبه‌ها بگویید دربارهٔ نظام فکری شهید مطهری خروجی بدهند؛ چه می‌گویند؟ بپرسید: اتصال کتاب‌هایش با هم چیست؟ برای چه اینجا این را گفت و آنجا آن را؟ چرا اینجا گفته حماسه، آنجا فطرت را آورده، در جایی گفته آزادی معنوی و جای دیگر استقلال را به کار برده است؟ ربطش به هم چیست؟ جمع‌بندی نظام فکری شهید مطهری را از طلبه‌ها نخواستیم؛ برای همین فقط انبوه‌خوانی کرده‌اند که تأثیر بسزایی نداشته است.

طلبه‌ها باید عطش این مباحث را پیدا کنند و خروجی این مطالعات این شود که بتوانند مسیر رشد و خدمتشان را طراحی کنند و بدانند باید چه باری را بردارند و چه چیزی را بلد باشند و چه بخوانند.

طلبه‌ای که می‌خواهد علمی - عملی باشد، باید هم اهل اندیشه‌ورزی باشد و تا عمق اندیشه پیش برود و هم قدرت اتصال به جامعه و پیش بردن پروژه‌های حضرت آقا را در خود ایجاد کند. چنین شخصیتی طبیعتاً مجبور است منبع اصلی‌اش امام رحمته‌الله‌علیه و حضرت آقا باشند؛ چون ایشان هم علمی - عملی‌اند، هم در عمق اندیشه‌اند و هم دستشان در اقدام است. لذا سخنان و تجربیات ایشان، مانند نان شب واجب است.

اگر نخواهیم این کار را کنیم، می‌گوییم رهبری نیز یکی مثل بقیه است و یک‌سری حرف‌ها زده که جذاب است، آن را هم می‌خوانیم. اصلاً نمی‌توانید به این علمی محض وصل شوید؛ به علمی محض هم نمی‌توانید وصل شوید. متأسفانه بسیاری از حزب‌اللهی‌ها هیچ سطح فهمی از امام رحمته‌الله‌علیه و آقا ندارند.

ابعاد طرح جامع

سیر محتوا

سیر محتوا به چند چیز نیاز دارد: یکی منابع است. بهتر است مقداری رویکرد مطالعاتی مان فکری و مسئله‌محور باشد. طلبه، به‌عنوان یک طلبه، چه‌کاره است؟ حوزه به چه دردی می‌خورد و طلبه در حوزه به چه دردی می‌خورد؟ باید از او پرسیم که چه کمکی می‌خواهد بدهد، نه اینکه پرسیم طلبگی چیست. اگر فکر طلبه‌ها مقداری درگیر شود، مجبور می‌شوند کمی عینی‌تر به مسائل فکر کنند؛ یعنی از خلسه‌ای که مدل تدریس ما برایشان درست کرده، خارج می‌شوند و به این می‌اندیشند که می‌خواهند چه‌کار کنند.

این ورود خوبی است. ولی همین ورود اگر در موقعیتی باشد که به طلبه انگیزه بدهد، در جمع نیز باشد، نظام ارزشی خاصی آنجا حاکم باشد، نزدیک به نظام باشد و دغدغه جامعه را نیز داشته باشد، طبیعتاً درد طلبگی را بیشتر می‌کند و مسئله‌دارتر و فکری‌تر می‌شود.

خوب است که درباره این چهار کتاب بحث شود: ۱. خون دلی که لعل شد؛ ۲. طرح کلی؛ ۳. انسان ۲۵۰ ساله، حلقه دوم؛ ۴. عهد مشترک. از لحاظ منبع، این‌گونه و طرح کلی مقدم است؛ اما از لحاظ رویکردی باید طلبه را از ابتدا مسئله‌دار کنیم و بکوشیم از لحاظ فکری با کتاب‌های آقا درگیر شود؛ یعنی پرسش داشته باشد. به نظر بنده این‌گونه بهتر است.

ممکن است برای طلبه‌ها آن کتاب فقهی اولویتی نداشته باشد؛ ما معارفی را مقدم می‌کنیم، سپس مکتب سیاسی و اجتماعی، پس از آن سیره و در آخر مباحث فقهی را می‌گذاریم تا طلبه کمی پیش برود؛ زیرا ممکن است در پایه‌های پایین‌تر خیلی مفید نباشد. بحث‌های معارفی در حد طرح کلی خوب است؛ حضرت آقا بحث‌های عمیق‌تری دارند، مثل بحث‌های فلسفی و عرفانی و... که این‌ها را بعدتر مطرح می‌کنیم.

یکی دیگر از نکته‌هایی که می‌تواند کمک کند، مقایسه ایشان با دیگران است. یعنی طرح امام علیه السلام و آقا مقابل دارد. شهید مطهری نیز تقریباً همین‌طور است؛ طرحی که می‌دهد همیشه مقابل دارد. باید بتوانیم جریان‌ها را مقایسه کنیم؛ مثلاً جریان‌های زنده فکری را بررسی و نسبتش را با این جریان مقایسه کنیم. اگر بتوانیم این‌گونه ارائه کنیم، طلبه را به فکر وادار می‌کنیم.

در بستر تشکیلات

حلقه‌های تشکیلاتی را که می‌خواهند انقلابی باشند دست‌کم نگیرید. این غیر از علم است. وقتی بین ما نظام ارزشی زنده باشد، به‌طور خودکار باعث می‌شود که چیزهایی کم‌رنگ و چیزهای دیگری پُررنگ شود. این باعث می‌شود که بتوانیم در برابر فضای متداولی که ما را به سمت وسوی خاصی سوق می‌دهد دوام بیاوریم؛ یعنی نظام مطلوبیت‌های انقلاب اسلامی بتواند ما را زنده نگه دارد. لذا تشکیلاتی بودن و در حلقه‌های فکری بحث کردن مؤثر است. استادهایی پیدا کنیم که چنین رویکرد و ارائه‌هایی داشته باشند که بتوانیم آن‌ها را در اختیار مخاطبان بگذاریم تا کارگاه‌های فکری این‌چنینی داشته باشند. برای مثال، فضایی را ایجاد کنیم که مخاطبان بتوانند با هم گفت‌وگو کنند، نه اینکه فقط ارائه دهند.

تمرین اندیشه‌ورزی و تولید ایده

باید براساس چهارچوب فکری حضرت آقا مسئله و پرسشی را حل کنید یا راجع به یکی از مسائلی که درگیرش هستید راهکار ارائه دهید. کارگاه‌های فکری. علمياتی درواقع تمرین اندیشه‌ورزی هستند. در این کارگاه‌ها آدم‌های فکوری را تربیت می‌کنیم که با آن معارف، فکر می‌کنند و ایده می‌دهند. این خوب و لازم است. عده‌ای همه این کتاب‌ها را خوانده‌اند، اما نمی‌توانند با دست‌فرمان آقا ایده نو بدهند. این تمرین می‌خواهد.

درگیر شدن با میدان

حوزه باید حلقه‌های میانی ایجاد کند تا طلبه‌ها درگیر ماجرا شوند. کسی که در میدان برای ایجاد حلقه‌های میانی درگیر است، به اتصال دیگری می‌اندیشد. اگر در صحنه اقدام فکر کند، مثلاً در اردوی جهادی به مقوله‌های محرومیت و محرومیت‌زدایی و عدالت و پیشرفت بیندیشد، خیلی بحث را پیش می‌برد؛ یعنی جنس اتصال به رهبری فقط از طریق سمع و بصر یا فقط فکری نباشد؛ هم بشنود، هم بخواند، هم بیندیشد، هم اقدام کند و هم در حین اقدامش فکر کند. این اقدام به آن فهم مدد می‌دهد.

ضلع‌های عملیات

باید گفتمان‌سازی شود و گروه‌ها و حرکت‌های خودجوش شکل بگیرد. دوره‌ها و اردوهای تخصصی طلبگی نیز بسیار تأثیرگذار است؛ مثلاً اردوی راهیان به جنوب، ولی مباحثه‌ای و

فکری. نه اینکه فقط روایت بشنویم. روایت بشنویم و در همان سطح فکر کنیم. یا اردوهای جهادی طلبگی داشته باشیم، اما نه به این معنا که فقط تبلیغ کنند. تبلیغ کنند، ولی در صحنه با هم فکر کنند. اردوهای مطالعاتی نیز خوب است. اگر کارگاه‌ها، نشست‌ها، طراحی سیرها و... در فضای مدرسه قرار بگیرند و جزء برنامه‌های آموزشی حوزه شوند، خیلی خوب است، فی‌المراح؛ چون تا وقتی که این‌ها را فوق برنامه بدانید، در ذهن‌ها فوق برنامه می‌ماند. اصلاً این موضوع فوق برنامه نیست و خیلی فرق می‌کند.

نیروی اقدام

شما به عنوان ستاد باید چه کنید؟ شما که نمی‌توانید همه این‌ها را با هم راه بیندازید. پیشنهاد می‌کنم مجموعه‌های این‌کاره را پیدا، تقویت و به آن‌ها کمک کنید تا برایتان انجامش دهند. از مجموعه‌هایی مدد بگیرید که حاضرند روی اندیشه‌های امام علیه السلام و آقا وقت بگذارند و تمرکز کنند. یا کمک کنید در بیرون از ستاد، مجموعه‌ای ایجاد شود و کارها را به آن‌ها بسپارید تا کار با انگیزه انسانی پیش برود. کار به زور مدیریت پیش نمی‌رود یا پس از مدتی از بین می‌رود و می‌میرد. باید مجموعه‌های طلبگی خودجوش کار را پیش ببرند. پیشنهاد بنده این است که ستادها کمک کنند و هم‌افزایی داشته باشند. مجموعه‌هایی مثل فتوت، خانه طلاب و... می‌توانند روی مباحث امام علیه السلام و آقا کار کنند. کمکشان کنید که هم خودشان ارتقا یابند و هم بتوانند متصل به طلبه‌ها شوند و این برنامه‌ها را پیش ببرند.

جایگاه طرح در حوزه

موانع

بعید است الان بتوانید این طرح را در متن حوزه بیاورید. لازم است فرهنگ جابه‌جا شود. اگر زیرساخت درست بود، در مدارس می‌بردیم و بعضی از علوم را کم‌رنگ می‌کردیم و این طرح را جای آن می‌گذاشتیم. مثلاً می‌شود عقاید، تاریخ، تفسیر و... را در حاشیه گذاشت و کم‌رنگ کرد. اما شدنی است؛ زیرا فقط در برنامه‌ریزی مشکل نداریم که حلش کنیم، به استادانی نیاز است که آن را به خوبی تدریس کنند. باید استاد تربیت شود.

این نظام مطلوب باید به صورت فرهنگ در فضای حوزوی ما شکل بگیرد، اما نمی‌شود. شما در نهایت بتوانید طرح کلی را جایگزین یکی از کتاب‌های عقایدی بکنید. بنده در مدرسه معصومیه علیه السلام در جلسه‌ای که اساتید برنامه‌ریزی می‌کردند تا همین کارها را انجام دهند، این مشکلات را دیدم؛ ضمن اینکه مدرسه معصومیه علیه السلام استادان فرهیخته‌ای دارد. مگر اینکه به صورت خودجوش، مدارس ویژه‌ای که مدیر و استادان خاصی را جمع کرده‌اند و الگوی تربیتی ویژه‌ای دارند، کار را شروع کنند؛ که البته فعلاً نمی‌شود این را فراگیر کرد؛ گلخانه‌ای می‌شود، مانند مشکلات. البته مشکلات را تأیید نمی‌کنم، اما با حوزه‌های دیگر تفاوت دارد.

ما خیلی مشکل داریم. فقط سطح یک نیست، بلکه در سطح دو نیز مشکل داریم. الان منابع فقه و اصول حول شیخ اعظم رحمته الله علیه و مرحوم آخوند است. نمی‌شود حول کتاب‌های حضرت امام رحمته الله علیه باشد؛ نمی‌توانیم این کار را کنیم. شهید صدر را هم نتوانستیم جایگزین کنیم. این کارها خیلی زمان‌بر است؛ چون با چیزی به نام فرهنگ درگیریم. حوزه به این راحتی‌ها تغییر نمی‌کند. باید ذهنیت ارگان‌های حوزه عوض شود. البته خیلی چیزها باید عوض شود! به‌رغم تأکیدهای حضرت آقا، هنوز شهید مطهری در متن حوزه وارد نشده است. این همه جمعیت‌های مختلف تحول خواه هم پشتش بودند، اما نشد.

راهکار: تربیت استاد

باید در سطح چهار رشته‌ای علمی داشته باشیم که «امام خمینی‌شناسی» درونش باشد و این اساتید را تربیت کنیم. مثلاً دوره‌های علمی بگذاریم تا امام خمینی رحمته الله علیه را بخوانند، درباره‌ی ایشان پژوهش کنند و به توانایی لازم برسند. این همه مراکز تخصصی داریم، این نیز تخصص بشود. در این صورت شخص مجبور است برای اتصالش با امام خمینی رحمته الله علیه بسیاری از آثار حضرت آقا بخواند. اگر تخصص آقا را بگذاریم، شاید نشود یا خود ایشان نخواهند؛ اما در مورد امام رحمته الله علیه می‌شود. کانت و دکارت و... در دانشگاه‌های ما به صورت تخصصی آموزش داده می‌شوند، چرا رشته‌ای در مورد امام خمینی رحمته الله علیه نداشته باشیم؟ این غیر از عرفان، فلسفه و فقه است؛ منظور، کل اندیشه به صورت یکپارچه است. به نظر بنده خروجی بسیار خوبی خواهد داشت؛ هم برای جهاد تبیین و عملیات‌های این‌چنینی در حوزه آدم پیدا می‌کنیم و هم اگر بخواهیم با اندیشه‌های حضرت امام رحمته الله علیه و آقا در حوزه

تحوالی رقم بزنیم، می‌توانیم از همین نیروها کمک بگیریم.

بهتر است این طرح به صورت رشته‌های تخصصی در حوزه به رسمیت شناخته شود؛ چون یک‌دفعه جمعیت زیادی واردش می‌شوند. اگر نه، دست‌کم به گروه‌هایی بسپاریم که می‌توانند این کار را انجام دهند؛ استادان را معرفی و طلبه‌ها را متصل کنیم. الان همه دغدغه خانه طلاب همین است. اگر پنجاه نفر از این نیروها داشته باشیم، کشور تکان می‌خورد. الان چنین نیروهایی نداریم و بسیاری از طلبه‌ها وارد این فضا نمی‌شوند.

گزیده نکات:

دالّ مرکزی در مکتب سیاسی مقام معظم رهبری مقوله «رابطه با دنیا» است. این اساسی‌ترین کلیدواژه است که انقلاب اسلامی را اینجا تعریف می‌کنند و حقیقت انقلاب را اینجا توضیح می‌دهند. ولی باید این بحث را در مکتب سیاسی انجام و براساس این، مردم‌سالاری دینی را توضیح دهیم. یکی از مغزهای مکتب امام رحمته‌الله‌علیه بحث عبور از دنیاست که به آن «قیام‌الله» می‌گویند.

دالّ مرکزی در بحث معارفی «توحید» است؛ منتها توحید را با قرائت خاصی به مثابه موتور حرکت و ایجاد انگیزه توضیح می‌دهند.

باید به همه این شخصیت، از بُعد معرفتی تا سطح اقدام و عمل متصل شویم؛ یعنی از عمیق‌ترین سطوح اندیشه تا سطحی‌ترین اقدام طلبه‌ای که رهبر اجتماعی شد.

یک سطح، علوم بنیادین است. اگر این مسیر را ادامه دهید، بعداً می‌توانید به کتاب‌های معرفتی امام رحمته‌الله‌علیه نیز وصل شوید. اینجا یک سری از کتاب‌ها قرار می‌گیرند؛ مثل طرح کلی یا شرح نهج البلاغه ایشان که از همین جنس هستند.

سطح دیگر، بحث‌های سلوکی و اخلاقی است که برخی از این‌ها کتاب شده‌اند، مثل استغفار عمومی.

سطح دیگری از مطالعات، مکتب سیاسی-اجتماعی است. از اینجا به بعد نه فقط به طلبه‌ها، بلکه به همه حزب‌اللهی پیشنهاد می‌شود.

یک جنس از بحث‌هایی ایشان نیز راهبردی است. این مباحث را هم می‌توان زیرمجموعه مکتب سیاسی-اجتماعی دانست و هم می‌توان به صورت جداگانه مطرح کرد. مثل بحث‌هایی راجع به «پنج مرحله»، «بیانیه گام دوم» و صحبت‌های سال ۱۳۷۹.

اما می‌شود همین‌ها را در سه یا چهار سطح تقسیم‌بندی کرد. خود مقام معظم رهبری درباره مکتب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چهار سطح را مطرح کرده‌اند: ۱. «معارف»؛ ۲. «نظام ارزشی» که مکتب سیاسی-اجتماعی نیز در این سطح است؛ ۳. «فقهی-احکامی» که نظام فقهی در اینجا قرار می‌گیرد؛ ۴. «سیاست‌ورزی» یا «اقدام سیاسی». مکتب امام رحمته الله علیه نیز همین‌طور است؛ می‌توانیم در این چهار سطح دسته‌بندی انجام دهیم.

با کتاب‌های آقا می‌خواهیم چه چیزی به دست بیاوریم؟ باید بر همان اساس برنامه‌ریزی کنیم؛ یعنی باید مشخص کنیم که به دست طلبه چه می‌خواهیم بدهیم. اگر این معلوم باشد، بر همان اساس می‌شود برنامه را طراحی کرد.

حجم انبوه خوانی جلوی طلبه نگذاریم. بلایی را که با کتاب‌های تراثی بر سرش آورده‌ایم، با کتاب‌های امام رحمته الله علیه و آقا نیاوریم.

باید طلبه را به‌طور جامع به رهبری وصل کنیم؛ به این معنا که وصل ولایی شود، نه فقط دانشی.

سیر محتوا به چند چیز نیاز دارد: یکی منابع است. بهتر است مقداری رویکرد مطالعاتی مان فکری و مسئله‌محور باشد.

خوب است که درباره این چهار کتاب بحث شود: ۱. خون دلی که لعل شد؛ ۲. طرح کلی؛ ۳. انسان ۲۵۰ ساله، حلقه دوم؛ ۴. عهد مشترک. از لحاظ منبع، این‌گونه و طرح کلی مقدم است؛ اما از لحاظ رویکردی باید طلبه را از ابتدا مسئله‌دار کنیم و بکوشیم از لحاظ فکری با کتاب‌های آقا درگیر شود؛ یعنی پرسش داشته باشد.

باید بر اساس چهارچوب فکری حضرت آقا مسئله و پرسشی را حل کنید یا راجع به یکی از مسائلی که درگیرش هستید راهکار ارائه دهید.

حوزه باید حلقه‌های میانی ایجاد کند تا طلبه‌ها درگیر ماجرا شوند. کسی که در میدان برای ایجاد حلقه‌های میانی درگیر است، به اتصال دیگری می‌اندیشد.

باید گفتمان‌سازی شود و گروه‌ها و حرکت‌های خودجوش شکل بگیرد. دوره‌ها و اردوهای

تخصصی طلبگی نیز بسیار تأثیرگذار است؛

شما به عنوان ستاد باید چه کنید؟ شما که نمی‌توانید همهٔ این‌ها را با هم راه بیندازید. پیشنهاد می‌کنم مجموعه‌های این‌کاره را پیدا، تقویت و به آن‌ها کمک کنید تا برایتان انجامش دهند.

۹. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام اسماعیل فخریان

اشاره:

حجت‌الاسلام فخریان از پژوهشگران فعال در زمینه انقلاب اسلامی و اندیشه مقام معظم رهبری است. وی در دوره‌های آموزشی مختلف به تبیین نظام اندیشه رهبری و مکتب فکری ایشان می‌پردازد و تمحض خود را بر پژوهش پیرامون اندیشه ایشان قرار داده است. از آثار وی می‌توان به مواردی چون: امام انقلاب، انقلاب اسلامی ایران، ولایت و انسان‌سازی اشاره کرد.

ضرورت طرح

«الإسلام هو الحُکومة»^۱. این تعریف اسلام است. تمام برنامه‌های اسلام ناظر به حکمرانی است؛ یعنی برنامه اسلام ایجاد بستر انسان‌سازی است که از کانال حکمرانی می‌گذرد. اگر این را نفهمیم، درحقیقت از دین چیزی نمی‌دانیم؛ و بزرگ‌ترین خلأ همین است. طلبه‌ای که از دین چیزی نداند طلبه نیست. طلبه باید بفهمد که چگونه می‌تواند قدرت کسب کند و چگونه به پشتوانه قدرت، حکمرانی ایجاد کند و چگونه به پشتیبانی حکمرانی، بستر انسان‌سازی فراهم کند. طلبه باید این سه مسئله را به خوبی بفهمد.

چه کسانی می‌توانند این سه مسئله را ناظر به دین خیلی خوب بفهمانند؟ عالمانی که چنین نظام فکری‌ای دارند؛ در رأس آنان نیز امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری هستند که در عصر غیبت کبری، انقلاب اسلامی بی‌نظیر ایران را محقق و رهبری کرده‌اند. «أدلّ دلیل علی امکان شیء و وقوعه»؛ اگر نمی‌دانستند، نمی‌توانستند در خارج محقق کنند.

۱... امام خمینی علیه السلام، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۳۳.

رسالت حوزه‌های علمیه صرفاً فهم اسلام نیست، بلکه پیاده کردن و تحقق عینی اسلام نیز هست. امام رحمته‌الله‌علیه این‌گونه بود و آنچه را که از اسلام فهمید، اجرا کرد. باید نسبت هر شأن، طلبگی و کاری که طلبه‌ها برای خودشان قائل‌اند، مثل تبلیغ و تألیف و...، با اصل دین، یعنی حکمرانی، مشخص باشد. اگر تعریف اسلام حکومت است، باید نسبت کار طلبه‌ها با حکمرانی مشخص باشد. کسانی که می‌خواهند فیلم دینی بسازند یا نویسنده و مبلغ خوبی باشند، باید نسبتشان با حکمرانی مشخص باشد.

نتایج اصلی طرح

آشنایی با این اندیشه سبب می‌شود کلان‌نگر، دارای نقشه ذهنی و برخوردار از نظام فکری شوید. اصلاً با حکمرانی کار نداریم؛ با هر تعریفی که از اسلام دارید، اسلام را دقیق‌تر و بهتر می‌فهمید. مثلاً اگر با این اندیشه آشنا شوید، تاریخ اسلام و تفسیر را دقیق‌تر می‌فهمید. ما پانزده مورد از اثرات و کارکردهای آشنایی با نظام اندیشه رهبر انقلاب را استخراج و بیان کرده‌ایم که اگر شخصی با نظام فکری ایشان آشنا شود، چه اثراتی در زندگی فردی، اجتماعی، علمی و عملی‌اش دارد.

محتوای طرح

بحث ما اندیشه نیست، بلکه نظام اندیشه و منظومه فکری است. ما با منظومه‌ای فکری روبه‌رو هستیم که سه بخش دارد: «منظومه معرفتی»، «منظومه ارزشی» و «منظومه گُنشی». نفهمیدن هرکدام از این بخش‌ها موجب نفهمیدن کل منظومه فکری می‌شود. مقام معظم رهبری فرموده‌اند که اسلام سه بخش دارد: منظومه معرفتی، منظومه ارزشی و منظومه گُنشی؛ البته به منظومه گُنشی تصریح نکرده، بلکه توضیحاتی داده‌اند که ما آن را چنین نام‌گذاری کرده‌ایم. در این سه بخش با سه مسئله آشنا می‌شویم: ۱. مبانی معرفتی؛ ۲. ارزش‌های برآمده از ارزش‌های معرفتی؛ ۳. فرایند تحقق ارزش‌های اتخاذشده از مبانی معرفتی در متن جامعه.

ما در مجموعه خود اصلاً به سراغ مسئله نمی‌رویم که بگوییم اول تفسیر یا اعتقادات بخوانیم و...، بلکه اول مبانی معرفتی را به صورت «منظومه‌ای» دنبال می‌کنیم؛ برای آن

محتواسازی نیز کرده و گفته‌ایم که برای منظومه معرفتی چه محتوایی به چه ترتیبی باید خوانده شود. در مراحل بعدی، که منظومه ارزشی و کنشی دنبال می‌شود، نیز قضیه به همین صورت است.

این منظومه معرفتی، ارزشی و کنشی مربوط به سطح یک می‌شود؛ در سطح دو به صورت تخصصی به مهم‌ترین اجزای آن منظومه فکری می‌پردازیم. مثلاً در منظومه معرفتی، بحث انسان و انسان‌شناسی در سطح یک مطرح و در سطح دو به صورت تخصصی پیگیری می‌شود؛ یا مثلاً بحث عدالت در منظومه ارزشی بسیار اهمیت دارد، لذا در سطح دو به طور تخصصی به عدالت می‌پردازیم.

خلأ محتوای موجود

بزرگ‌ترین خلأ این است که اصلاً نگاه منظومه‌ای وجود ندارد. مثلاً در موضوع فرهنگ، کتاب‌های زیادی از بیانات رهبر معظم انقلاب وجود دارد که بسیار مفید هستند، ولی در آن‌ها جای فرهنگ در نظام فکری رهبری مشخص نیست؛ از کلان‌پروژه و نقشه به سراغ فرهنگ نرفته‌اند، بلکه فرهنگ را موضوعی مهم دیده و به دنبال نظر رهبری پیرامون آن رفته‌اند. اگر فرهنگ در این نظام فکری جانمایی شود، نوع ورود به مسئله فرهنگ متفاوت می‌شود. آیا شما از کلان‌پروژه به سراغ تاریخ رفته‌اید یا چون خیلی مهم است، مستقیم به آن پرداخته‌اید؟ تاریخ برای چه خیلی مهم است؟ در کجای این کلان‌پروژه تاریخ تعریف شده است؟ تاریخ را برای چه می‌خواهیم؟

باید نسبت هر کاری که در حوزه اسلام و انقلاب اسلامی انجام می‌دهیم را با کلان‌پروژه و نقشه اساسی و منظومه فکری دین بدانید. برای مثال، اگر از این نگاه منظومه‌ای بدانید که چرا باید به تفسیر بپردازید، آنگاه به سراغ هر مفسری نمی‌روید. برای اینکه بدانید از تفسیر چه می‌خواهید، باید نسبتش را با نقشه انقلاب اسلامی بدانید. بنده تفسیر خوب را براساس نقشه اسلام تعریف می‌کنم و می‌گویم تفسیری خوب است که بتواند قرآن را برای ایجاد حیاتی طیبه برای انسان‌ها سهل‌الفهم کند. مسئله بنیادین، حیات طیبه و آینده بشر و جهان است. باید بررسی کنیم که آیا آن تفسیر می‌تواند قرآن را به گونه‌ای تفهیم کند که انسان‌ها مسئله‌شان را از طریق قرآن حل کنند یا خیر.

پیش‌تر اشاره شد که آشنایی با نظام فکری رهبر انقلاب به ما نقشه‌ای ذهنی می‌دهد که در تبلیغ، تألیف، سخنرانی و درس خواندن به کار می‌آید. این سخن ناظر به همین نگاه منظومه‌ای است.

محتوای مورد استفاده

هم از آثار منتشرشده استفاده کرده‌ایم (حتی آن‌هایی که در ذهن نویسنده‌شان نگاه منظومه‌ای نبوده، ولی برای ما قابل استفاده بوده است) و هم گاهی خودمان تدوین کرده‌ایم. بخش منظومه معرفتی چهار محتوا دارد که دو مورد تألیف مجموعه ماست. منظومه ارزشی کلاً تألیف مجموعه خودمان است. منظومه کُنشی نیز چهار محتوا دارد که دو مورد از آن را خودمان نوشته‌ایم.

اجرا

برنامه‌مان را در خلأ طراحی نکرده‌ایم که انتزاعی باشد، بلکه ناظر به میدان و خارج، به نظام‌نامه‌ای آموزشی رسیده‌ایم و کارمان اجرای این نظام‌نامه آموزشی است که کوشیده‌ایم به استاندارد نزدیک باشد؛ به همین جهت زیرساخت آموزشی داریم و در دوره‌های ما تدریس، مطالعه، خلاصه‌نویسی، مباحثه، آزمون، فهم مطلب و ارائه مطلب وجود دارد. کار ما صرفاً محتواسازی نبوده است که صرفاً بگوییم فهمیده‌ایم منظومه‌ای فکری هست و خلأهای محتوایی نیز وجود دارد، حال برویم خلأهای محتوایی را پُر کنیم؛ بلکه افزون بر این، اجرا کرده و به تجربه موفق رسیده‌ایم که البته باید آن را آسیب‌شناسی کرد.

تجربه مشترک همه کسانی که در قالب مجموعه (شبه‌آموزشگاه) در این قضیه ورود کرده‌اند، این است که اجرای این دوره‌ها کار بسیار دشواری است و برای برقرار ماندن نیاز به توان زیادی دارد. توصیه اصلی این است که کار را از کم و متناسب با میزان نیروی انسانی مناسب برای کار شروع کنید. مهم‌ترین گام برای رسیدن به موفقیت، داشتن نیروهای ناظر و مدیریت قوی است.

بنده در حال حاضر هشتصد نفر پرسنل در کشور دارم. شما باید فکر سرگروه‌تان باشید. آیا پنجاه سرگروه آموزش دیده دارید که برای هر پنج یا ده نفر، یک سرگروه بگذارید که هم

وقت و تسلط داشته باشد و هم پیگیری کند؟ بنده به خیلی از مجموعه‌ها گفتم این کار بسیار دشوار است؛ گفتند ما می‌توانیم، اما پس از چند ماه کلاً کارشان تعطیل شد. نه اینکه خودشان بخواهند تعطیل کنند، بلکه تعطیل شد! تنها پیشنهاد و نهیب و تجربه مهم من به شما تأمین نیروی انسانی است؛ بقیه‌اش سلیقه‌ای است. یکی از دوستان در مرکز مدیریت می‌گفت ما زیرساخت آموزشی و مثلاً LMS داریم و هرکسی صفحه شخصی دارد و...؛ همه این‌ها را داشته‌ایم و الان مشغول اجرای آن هستیم. اما حرف اول را در موفقیت این دوره‌ها نیروی انسانی ناظر و مدیر می‌زند، نه نیروی انسانی فراگیر؛ چون کار جدیدی است.

عناصر اصلی میدان عبارت‌اند از:

۱. مدرّس خوب؛

۲. فضای آموزشی مناسب؛ مثلاً در دوره‌هایمان مباحثه مجازی و حضوری را تأمین کرده‌ایم. صرفاً مباحثه مجازی نیست، صرفاً مباحثه حضوری هم نیست.

۳. سرگروهی که بتواند دوره آموزشی را برای چند نفر به اندازه توانش مدیریت کند؛ مثلاً پیگیر مباحثه و روند پیشرفت افراد باشد.

این سه عنصر خیلی مهم است: استاد، بستر آموزشی و سرگروه نیروی انسانی. البته در مجموعه ما در هر شهر برای هر دوره آموزشی افراد مختلفی درگیر کار هستند. ما مسئول آموزش، پژوهش، روابط عمومی، سرگروه و... داریم که هرکدام وظیفه‌ای در آن دوره دارند. غیر از بنده و مسئول آموزش مجموعه و مسئول آموزش مرکز و واحد پشتیبانی سایت و... هفت نفر درگیر داریم. حالاً نمی‌گویم برای هر حلقه هفت نفر، اما هر حلقه باید دست‌کم یک نفر را داشته باشد. اگر قرار است ده حلقه شکل بگیرد، باید ده نفر داشته باشید که خودشان آموزش دیده، تجربه مدیریت داشته و این مطالب را کاملاً هضم و فهم کرده باشند. بنابراین باید دوره آموزشی کوتاه و فشرده و عمیقی برای سرگروه‌های خود برگزار کنید. اگر این کار را نکنید، آسیب می‌بینید. شما براساس تجربه‌های ما که اجرا کرده‌ایم، کار جدیدی را شروع می‌کنید. باید تجربه ما را ببینید، نه اینکه بشنوید؛ تجربه شنیدنی نیست.

امتداد و لواحق کار

در مجموعه تبیین، خودمان را آموزشگاه نمی‌بینیم؛ ما تشکیلات هستیم. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در این کارها این است که ارتباط تشکیلاتی بین اعضا برقرار باشد. تشکّل بودن کمک می‌کند، قدرت می‌دهد و ماندگاری و تداوم می‌بخشد؛ مثل نمازجماعت که اجتماعش مهم است و این ارتباط خیلی به تداوم و ماندگاری کمک می‌کند. برای نمونه، اعضای مجموعه در اصفهان، قم، مشهد و... با هم اردو می‌روند، دوره‌می‌دارند، به مسئولان شهر کمک‌های فرهنگی می‌کنند، اعتکاف می‌روند، فعالیت‌هایی در عرصه دانش‌آموزی انجام می‌دهند و.... البته همین کارها را ما آموزش می‌دهیم و بستر اجرای آموزش را فراهم می‌کنیم که خودش خدمت به حساب می‌آید. مثل این می‌ماند که اگر بنده در حوزه علمیه مدرّس شوم، آیا حوزه می‌تواند برای من بستر تدریس فراهم کند؟ اگر بتواند، انگیزه‌ام برای اینکه استاد شوم و در حوزه بمانم خیلی بیشتر می‌شود.

گزیده نکات:

«الإسلام هو الحُكومة». این تعریف اسلام است. تمام برنامه‌های اسلام ناظر به حکمرانی است؛ یعنی برنامه اسلام ایجاد بستر انسان‌سازی است که از کانال حکمرانی می‌گذرد. اگر این را نفهمیم، درحقیقت از دین چیزی نمی‌دانیم؛ و بزرگ‌ترین خلأ همین است.

آشنایی با این اندیشه سبب می‌شود کلان‌نگر، دارای نقشه ذهنی و برخوردار از نظام فکری شوید. اصلاً با حکمرانی کار نداریم؛ با هر تعریفی که از اسلام دارید، اسلام را دقیق‌تر و بهتر می‌فهمید.

بحث ما اندیشه نیست، بلکه نظام اندیشه و منظومه فکری است. ما با منظومه‌ای فکری روبه‌رو هستیم که سه بخش دارد: «منظومه معرفتی»، «منظومه ارزشی» و «منظومه گنشی». نفهمیدن هرکدام از این بخش‌ها موجب نفهمیدن کل منظومه فکری می‌شود.

بزرگ‌ترین خلأ این است که اصلاً نگاه منظومه‌ای وجود ندارد. مثلاً در موضوع فرهنگ، کتاب‌های زیادی از بیانات رهبر معظم انقلاب وجود دارد که بسیار مفید هستند، ولی در آن‌ها جای فرهنگ در نظام فکری رهبری مشخص نیست.

تجربه مشترک همه کسانی که در قالب مجموعه (شبه‌آموزشگاه) در این قضیه ورود کرده‌اند، این است که اجرای این دوره‌ها کار بسیار دشواری است و برای برقرار ماندن نیاز به توان زیادی دارد. توصیه اصلی این است که کار را از کم و متناسب با میزان نیروی انسانی مناسب برای کار شروع کنید. مهم‌ترین گام برای رسیدن به موفقیت، داشتن نیروهای ناظر و مدیریت قوی است.

این سه عنصر خیلی مهم است: استاد، بستر آموزشی و سرگروه نیروی انسانی.

۱۰. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مصطفی‌اللهیاری

اشاره:

حجت‌الاسلام اللهیاری یکی از مبلغین بین‌الملل حوزه بوده و دارای سابقه تبلیغ در برخی از کشورهای عربی است. وی مدتی مسئول فرهنگی دفتر مقام معظم رهبری در سوریه بوده است. عضو هیئات علمی طرح ملی رهیافت ولایت (تولید منظومه فکری جامع مقام معظم رهبری) و برگزاری دوره‌های علمی با محوریت آثار و اندیشه‌های تمدنی رهبر معظم انقلاب از فعالیت‌های ایشان حول اندیشه رهبری به شمار می‌آید. وی هم‌اکنون دبیر ستاد حوزوی راهبری تحول آموزش و پرورش است.

اندیشه ولی

ضرورت شناخت

حضرت آقا در طرح کلی اندیشه اسلامی پس از توضیح ایمان و توحید و نبوت، در مفهوم ولایت دو موضوع را توضیح می‌دهند: «فرد ولایت‌مدار» و «جامعه دارای ولایت». سپس سه ویژگی برای فرد ولایت‌مدار و دو ویژگی برای جامعه دارای ولایت برمی‌شمارند:

اولاً ولی باید به‌عنوان ولی مشخص و محدّد باشد؛ یعنی جامعه حتی در چهار سال و هشت ماه حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام دارای ولایت نبود؛ چون نگفتند ما اشتباه کردیم، آن سه نفر ولی نبودند، شما ولی هستید. گفتند شما هم چهارمی آنان هستید. لذا اصلاً مفهوم ولایت را نفهمیدند؛ وگرنه امیرالمؤمنین نمی‌فرمودند حکومت شما برای من از آب بینی بز کم‌ارزش‌تر است. مگر می‌شود امیرالمؤمنین حکومت الهی را این قدر کم‌ارزش جلوه دهند؟ این را گفتند، چون آن حکومت ولایی نبود و ایشان را به‌عنوان ولی خودشان نپذیرفته بودند.

ثانیاً الهام‌بخش، مصدر و منبع همه افکار و اندیشه‌ها، ارزش‌ها و در نتیجه اعمال باشد. اگر یقین کردیم کسی که در جامعه به عنوان ولی شناخته‌ایم ولی خدا به معنای امام جامعه است، باید با افکارش آشنا شویم و عقلمان را با او ببندیم و قلبمان را در اختیار او قرار دهیم تا جوارحمان برای او خدمت کند؛ آنگاه جامعه ما دارای ولایت می‌شود. هر فردی در جامعه ولایی به ارتباط روزافزون با ولی نیاز دارد.

اندیشه مقام معظم رهبری ضرورت داشتن جامعه دارای ولایت است و الگوی جامعه دارای ولایت، «حوزه دارای ولایت» است. اینکه ما اندیشه‌های شهید مطهری، علامه مصباح، علامه جوادی، علامه جعفری و هرکس دیگر را بدانیم خوب است، اما هیچ‌کدام لازمه داشتن حوزه ولایی نیست. اصلاً کار ندارم اندیشه‌شان منطبق هست یا نیست یا چند درصد انطباق دارد؛ عرض بنده این است که اگر علامه مصباح ولی جامعه بود، اندیشه‌های او این جایگاه را پیدا می‌کرد.

ویژگی‌ها

اندیشه حضرت آقا منظومه‌ای است. اگر قرار است طلبه‌ها با اندیشه منظومه فکری آقا آشنا شوند، باید منظومه‌پژوهی کنند. وقتی طلبه‌هایی از لحاظ عمومی با اندیشه‌های آقا آشنا شدند و در حوزه تخصصی ورود پیدا کردند و مدتی کار کردند، آنگاه می‌توانیم بگوییم تا زمانی که نظر مقام معظم رهبری درباره آرایش، پوشش، ارتباط با بیگانه و روابط خارجی را نفهمیده باشید، نمی‌توانید نظر ایشان درباره حجاب را بفهمید. منظومه‌ای به معنای کهکشانی و ماتریس چندبُعدی است و نه دو بُعدی.

مبنا و هدف طراحی سیر

نیازمحور

به سیر مطالعاتی موضوع محور و نیازمحور نیاز داریم؛ یعنی باید موضوعات براساس نیاز انتخاب شوند. اگر این‌گونه باشد، این کار تحت عنوان حوزه انقلابی مندرج می‌شود. «حوزه انقلابی» حوزه‌ای است که نیازهای انقلاب را پاسخ می‌دهد؛ مثلاً اگر انقلاب در حوزه اقتصاد

نیازی دارد، حوزه آن نیاز را از قرآن و عترت مطابق با جهان پیش‌رونده به‌سوی هوش مصنوعی سال ۲۰۲۳ استخراج و به‌روزرسانی می‌کند و پاسخ قرآن و روایت را به نیازهای نظام نوپای در مسیر تمدن نوین اسلامی می‌دهد. اگر جز این باشد، حوزه به درد انقلاب نمی‌خورد؛ این سیر مطالعاتی اگر نیازمحور نباشد، شرایطی مشابه حوزه کنونی پیدا می‌کند.

نیاز امروز

جامعه ما الان از آن فرایند پنج‌مرحله‌ای تمدن‌سازی در مرحله مهم دولت‌سازی مانده است. اگر حوزه بخواهد الگوی جامعه ولایی شود، وظیفه اصلی‌اش رفع دو نیاز اصلی این مرحله است: یکی تولید محتوای دولت اسلامی و دیگری تربیت نیروی انسانی برای دولت اسلامی. پس وظیفه حوزه دارای ولایت برای رسیدن به جامعه دارای ولایت، تأمین نیازهای دولت اسلامی و جامعه اسلامی است.

مقام معظم رهبری در ابتدای درس خارجشان در تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ این حدیث را خواندند: «ما خَيْرَ عَمَّاؤُ بنِ يَاسِرِ بَيْنَ أُمَّرِينَ إِلَّا إِخْتَارَ أَشَدَّهُمَا»؛ یعنی عمّار بین دو کار خیر مخیر نمی‌شد، مگر اینکه کار رشدیافته‌تر یا سخت‌تر را انجام می‌داد. بعد فرمودند که حوزه‌ها کارهای مهمی مانند درس دادن و پرورش شاگرد بر عهده دارند، اما این‌ها کار سهل است. چرا می‌فرمایند کار سهل است؟ چون کسی که این کار را انجام می‌دهد، نیاز نیست حتماً آدم تمدنی یا ویژه، خمینی یا خمینی‌فهم باشد تا بتواند این را انجام دهد. می‌فرمایند از کار سخت نباید غفلت کرد! کار سخت این نیست که برویم درباب ولایت فقیه کتاب بنویسیم، این است که راه نفوذ دشمن و نفوذ به دشمن را پیدا و اسلام را درست تعریف کنیم؛ یعنی آقا در سال ۱۳۹۵ معتقد بودند که هنوز تعریف درستی از اسلام ارائه نشده است. آقا طرح ولایت، علامه مصباح، علامه مطهری و بقیه را می‌شناسند و همه کتاب‌ها را می‌خوانند، ولی می‌گویند هنوز تعریف درستی از اسلام نداریم. به نظر بنده تعریف درستی که حضرت آقا می‌خواهند از اسلام ارائه کنند این است که اسلام چگونه تمدن نوین اسلامی را ایجاد می‌کند. این کار سخت است. خواندن و فهم اندیشه ولی ما را به تعریف درست از اسلام رهنمون می‌شود.

براساس بیانیه گام دوم

ولئى جامعه پس از چهل سال بیانیه گام دوم را به عنوان پروژه و نقشه راه اصلی حرکت انقلاب ترسیم کردند. ما اگر بیانیه گام دوم را محور الگو و شیوه قرار دهیم، محتوا را نیز خود بیانیه گام دوم ارائه می‌دهد. منطق هم دارد؛ کسی که پیش از انقلاب طرح کلی اندیشه اسلامی را نوشته، معلوم است چه می‌خواهد. مبارزه می‌کند تا منطقی را پیاده کند که در طرح کلی اندیشه اسلامی نوشته است.

براساس بیانات خود رهبری، آنچه در گام دوم انقلاب باید اتفاق بیفتد اولاً شناختن و جدی گرفتن داشته‌های خود است. باید داشته‌های خودمان را بشناسیم و آن‌ها را جدی بگیریم؛ باید ظرفیت‌های خود و کشور را بشناسیم، جدی بگیریم و از آن‌ها استفاده کنیم. کشور ظرفیت بسیار وسیعی دارد. ثانیاً آفت‌ها، فسادها و راه‌های رخنه دشمن را بشناسیم و درمقابل آن‌ها به‌طور جدی ایستادگی کنیم. امروز گام دوم انقلاب این است: شناختن ظرفیت‌ها و وضعیت‌ها و استفاده از آن‌ها و شناختن فسادها و رخنه‌ها و کمبودها و مشکل‌ها و سینه سپر کردن برای حل آن‌ها.

در گام دوم انقلاب ما تکلیف داریم ظرفیت‌ها، مشکلات و دشمنانمان را بشناسیم و برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب با امیدوار بودن و استفاده از نیروی جوان متعهد نقشه بکشیم و برنامه‌ریزی کنیم. این کار نیاز به محتوا دارد.

اگر هدف ما از این سیر مطالعاتی ایجاد حرکت عمومی به سمت حوزه انقلابی است، پیشنهاد بنده این است که اولاً همه حوزه، از مرجع تقلید تا عموم طلاب، را درگیر کنیم. این حرکت عمومی باید در حوزه در عقول و ساحت‌ها و مجالس گوناگون اتفاق بیفتد.

اتصال به عمل

باید بفهمیم که اساساً مدل و شیوه مطالعه ما چه باشد و چگونه مطالعه کنیم که درنهایت به راهکار عملی منجر شود؛ یعنی این بخش مطالعاتی چطور به بخش عملیاتی متصل می‌شود. فرض کنید آقا می‌گویند «روزی در میان مدیران و مسئولان کشور مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی برقرار بود». از اینجا می‌شود گفت بازگرداندن مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی به میان مدیران و مسئولان شهر وظیفه است. براساس بیانیه گام دوم می‌شود استخراج کرد که وقتی آقا می‌گویند «روزی بود»، یعنی الان هم باید باشد؛ چه کسی باید

این کار را بکند؟ باید مخاطب‌های این کلام آقا در جامعه را پیدا کنیم؛ مثلاً درباب اخلاق و معنویت، حوزه‌های علمیه، مساجد، سازمان تبلیغات، مراکز تفریحی و سرگرمی و... مخاطب آقا هستند.

براساس آنچه ایشان فرموده‌اند، باید شناخت صحیح از صحنه پیدا کنیم. «شناخت از صحنه» یعنی دریابیم که عناصر درگیر در صحنه چه کسانی هستند، وضع جبهه انقلاب در آن موضوع چیست، وضع جبهه مقابل چیست و چه می‌کند، نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها در آن موضوع چیست و... سپس ایده را توضیح بدهیم. این ایده این‌گونه اجرا می‌شود؛ زمان‌بندی، الزامات ساختاری و نیروی انسانی و محتوایی و امکانات و تجهیزات و بودجه مورد نیازش این‌هاست؛ بعد اینکه: چه دستاوردهایی مورد انتظار است؟ این دستاوردها چطور ارزیابی می‌شوند؟

روند کلی سیر

برای راه‌اندازی ایجاد حرکت و نهضت خوانش اندیشه رهبری روش‌های گوناگونی هست؛ یکی اینکه سخنران‌های معروف را به کار بگیریم و سلسله‌جلساتی برگزار کنیم. برای مثال، از آقای اعرافی دعوت کنیم تا در سلسله‌نشست‌هایی درباره ضرورت و زوایای اندیشه آقا بحث کنند؛ سپس آن را بازتاب دهیم و روی آن کار کنیم. یا مثلاً به آقای رفیعی و... بگوییم می‌خواهیم جریان‌سازی کنیم، درباره شخصیت آقا صحبت کنید.

بهتر است از ابتدایک سری مطالعات خودخوان برنامه‌ریزی شود و از میان شرکت‌کنندگان، آدم‌های دغدغه‌مند و توانمند جدا شوند و برایشان دوره‌هایی گذاشته شود. چون برگزاری دوره‌ها مؤونه زیادی دارد، باید آدم‌هایی برای دوره انتخاب شوند که بیشترین بهره برده شود. و بعد، از میان این‌ها افرادی را که واقعاً می‌توانند گنشگر اجتماعی و تأثیرگذار باشند به حوزه‌های ویژه‌ای وارد کنیم، برایشان دوره‌های تخصصی برگزار و کار تعریف کنیم. مثلاً بگوییم اگر می‌خواهی در زمینه سبک زندگی حرکت کنی، برای سامان دهی به وضعیت نابسامان پوشاک از نظر طراحی اقدامی بکن. این راهکاری عملی است برای اینکه بخشی از مشکل جامعه حل شود، درآمدزایی هم بشود و اقتصاد مقاومتی هم باشد.

محتوا

عمومی و تخصصی

هر گروه با هر تخصصی به آشنایی عمومی با اسلام ناب منطبق بر اندیشه امام و آقا نیاز دارد. منظور، اسلام تمدنی یا نگاه تمدنی به اسلام است. «اسلام ناب» می‌تواند خلاصه همین محتوا باشد: سیری مطالعاتی که تعریف اسلام در نگاه امام و انقلاب است. آن‌ها اسلام را چه می‌فهمند و چگونه معرفی می‌کنند؟ این خودش موضوع کمی نیست و تفزعات زیادی دارد. این محتوای عمومی می‌شود.

اما محتوای اختصاصی: مثلاً هرکدام از این طلبه‌ها می‌خواهند در حوزه ویژه‌ای کار کنند؛ یکی می‌خواهد در حوزه پوشش و حجاب و دیگری در حوزه معماری کار کند. حضرت آقا در هرکدام از این موضوع‌ها به‌طور جداگانه محتوا دارند. محتوای بعضی از موضوعات بسیار زیاد و محتوای بعضی از موضوعات کم است؛ به بعضی از موارد با جزئیات و به تفصیل پرداخته‌اند، گاهی نیز فقط کلیات را گفته‌اند؛ بعضی‌ها نگاه راهبردی دارد، بعضی‌ها نگاه عامیانه دارد و برای عوام گفته شده است.

دوستانی که عمومی و اختصاصی با اندیشه حضرت آقا آشنا و وارد میدان عمل شده‌اند و برای برون‌رفت از مشکلات و رفتن به سمت آینده مطلوب راهکار می‌دهند، به‌جز اندیشه ایشان به چه چیزهایی نیاز دارند؟ در بسیاری از موارد آقا گفته‌اند که در چه مسیری گام برداریم؛ اما خیلی وقت‌ها نگفته‌اند یا اصلاً تصریح کرده‌اند که در آن حیطة تخصصی ندارند. بنابراین باید در پی این‌ها حرکتی علمی رخ دهد.

دو نمونه اصلی

در اندیشه حضرت آقا دو برهه خیلی حساس وجود دارد: ۱. طرح کلی اندیشه اسلامی که سال ۱۳۵۳ منجر به انقلاب شد؛ ۲. «گام دوم» که منجر به تمدن می‌شود.

بیانیه گام دوم بیانیه‌ای ده‌صفحه‌ای نیست، فهرستی از نکته‌هایی است که باید فهمیده، مطالعه و مباحثه شوند؛ یعنی هیچ موضوعی نیست که در بیانیه گام دوم به آن اشاره نشده باشد که روی آن کار کنید. منظورم این‌گونه است: نگاه عام، نه نگاه خاص و تخصصی به آن موضوع.

گزیده نکات:

اندیشه‌ی مقام معظم رهبری ضرورت داشتن جامعه‌ی دارای ولایت است و الگوی جامعه‌ی دارای ولایت، «حوزه‌ی دارای ولایت» است.

اندیشه‌ی حضرت آقا منظومه‌ای است. اگر قرار است طلبه‌ها با اندیشه‌ی منظومه‌ی فکری آقا آشنا شوند، باید منظومه‌ی پژوهی کنند.

به سیر مطالعاتی موضوع محور و نیازمحور نیاز داریم؛ یعنی باید موضوعات براساس نیاز انتخاب شوند.

جامعه‌ی ما الان از آن فرایند پنج مرحله‌ای تمدن‌سازی در مرحله‌ی مهم دولت‌سازی مانده است. اگر حوزه بخواند الگوی جامعه‌ی ولایی شود، وظیفه‌ی اصلی‌اش رفع دو نیاز اصلی این مرحله است: یکی تولید محتوای دولت اسلامی و دیگری تربیت نیروی انسانی برای دولت اسلامی.

ولی جامعه پس از چهل سال بیانیه‌ی گام دوم را به‌عنوان پروژه و نقشه‌ی راه اصلی حرکت انقلاب ترسیم کردند. ما اگر بیانیه‌ی گام دوم را محور الگو و شیوه قرار دهیم، محتوا را نیز خود بیانیه‌ی گام دوم ارائه می‌دهد. منطبق هم دارد؛ کسی که پیش از انقلاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی را نوشته، معلوم است چه می‌خواهد. مبارزه می‌کند تا منطقی را پیاده کند که در طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی نوشته است.

باید بفهمیم که اساساً مدل و شیوه مطالعه ما چه باشد و چگونه مطالعه کنیم که درنهایت به راهکار عملی منجر شود؛ یعنی این بخش مطالعاتی چطور به بخش عملیاتی متصل می‌شود.

هر گروه با هر تخصصی به آشنایی عمومی با اسلام ناب منطبق بر اندیشه‌ی امام و آقا نیاز دارد. منظور، اسلام تمدنی یا نگاه تمدنی به اسلام است. «اسلام ناب» می‌تواند خلاصه‌ی همین محتوا باشد: سیری مطالعاتی که تعریف اسلام در نگاه امام و انقلاب است.

اما محتوای اختصاصی: مثلاً هرکدام از این طلبه‌ها می‌خواهند در حوزه ویژه‌ای کار

کنند؛ یکی می‌خواهد در حوزه پوشش و حجاب و دیگری در حوزه معماری کار کند. حضرت آقا در هرکدام از این موضوع‌ها به‌طور جداگانه محتوا دارند.

در اندیشه حضرت آقا دو برهه خیلی حساس وجود دارد: ۱. طرح کلی اندیشه اسلامی که سال ۱۳۵۳ منجر به انقلاب شد؛ ۲. «گام دوم» که منجر به تمدن می‌شود.

۱۱. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی خاک‌رنگین

اشاره:

حجت‌الاسلام علی خاک‌رنگین پژوهشگر اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی است و کتب متعددی در این زمینه تألیف و تدوین نموده است. تدریس، تحقیق، تألیف و برگزاری کارگاه‌های تخصصی در این زمینه بخش عمده فعالیت‌های وی را تشکیل می‌دهد. از جمله آثار وی در حوزه اندیشه مقام معظم رهبری عبارتند از: کتاب سیر مطالعاتی آشنایی با اندیشه مقام معظم رهبری، استکبار در اندیشه مقام معظم رهبری، استقلال و آزادی در اندیشه رهبری، روش‌های تبیین، به سوی تمدن اسلامی، گفتمان مقاومت، فتح الفتوح، شخصیت‌شناسی رهبر معظم انقلاب اسلامی. از سوابق وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مدیر داخلی معاونت پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پژوهشگر سابق مرکز مطالعات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، معاونت تولید محتوای موسسه مطالعات راهبردی رهیافت ولایت.

جهت‌های ضرورت ارتباط طلبه‌ها با رهبری

ضرورت برقراری پیوند مستمر با اندیشه رهبری برای طلاب و اساتید از چند جهت است:

۱. لازمه ماهوی تحقق اهداف حوزه

خداوند باری تعالی مهندسی کرده و طرحی کلان دارد که پیاده شدن آن در مقام واقعیت و عینیت، چه در حرکت انبیا و چه بعدش در حرکت اولیا علیهم‌السلام و چه پس از آن‌ها در بستر ولایت فقیه، با تشکیل حکومت است؛ یعنی ساختاری که در آن باید فرمان‌ها پیاده شود. مهم‌ترین کار طلبه‌ها پشتیبانی از این ساختار است. در این مهندسی کلان، حوزه باید جایگاه و وظیفه

خود را در پشتیبانی، رفع خلأها و نیازهای نظری و اجرایی بشناسد.

در رأس حکومت چه کسی مسئله‌شناس است و نظام مسائل و نیازها را تحلیل می‌کند؟ ولی خدا. اصلاً ولی خدا در این نقش دقیقاً سگان‌دار حرکت حوزه می‌شود؛ یعنی فرقی با بقیه این است که به جهت انباشت اطلاعات و جایگاه ولایت فقیه، زودتر به مسائل و مشکلات و راه‌حل‌ها می‌رسد؛ هم محتوا و هم خود مأموریت را به شما می‌دهد.

بحث بنده فهم ولی فقیه از دین و منابع دینی است. این فهم، نگرشی سیاسی-اجتماعی، مبتنی بر منابع دینی و با در نظر گرفتن بحث‌های حکمی و عقلی و تاریخی است که در فهم دین بسیار اهمیت دارد. منطقی که رهبران انقلاب در فهم دین دارند، نیاز امروز طلبه‌هاست. این منطقی، منطقی موفق و کارآمد بوده است و ما به شدت به آن نیاز داریم.

اگر حوزه علمیه و طلبه‌ها انقلاب و این نقشه کلان را درک کنند، درمی‌یابند که ولی خدا میان‌بر رسیدن به همه اهداف حوزه است. مثال می‌زنم: ولی خدا اهداف حوزه در بحث فرهنگ و معنویت را بیان یا در نقشه‌ای پیاده کرده است. بنابراین ماهیت و هویت حوزه به رهبری گره خورده و اصلاً انقلاب به این معنا با حوزه شروع شده است. پس چرا در گام بعدی، حوزه نسبتش را مشخص نمی‌کند؟ یعنی حوزه به رهبری ایده‌ها و پیشنهادهایی بدهد. اینکه مقام معظم رهبری کرسی آزاداندیشی و جنبش نرم‌افزاری را پیشنهاد و تأکید کرده‌اند که حوزه نسبتش را با انقلاب مشخص کند، پیوندی سیاسی نیست، بلکه پیوندی ماهوی است. اصلاً حوزه همین است. حوزه مأموریت، هدف و تعریفی دارد. با این تعریفی که ما از حوزه داریم، باید مهم‌ترین پیوند آن با رهبری باشد. هم میان‌بر، هم جهت‌دهنده و هم نهاد رهبری است (البته اگر بخواهیم برای حوزه شأنی بالاتر قائل شویم که بنده مشکلی با این قضیه ندارم). حوزه باید رهبری نهضت را در همه سطوح بر عهده بگیرد و آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند یک نفر از این نهاد و مسئول آن باشند. پس این زاویه دیگری است.

نباید شخصیت حضرت آقا را خیلی دور نشان داد؛ واقعاً ایشان مثل استاد به طلبه نزدیک هستند. ایشان مانند یک استاد و راهنما در تحلیل مسائل اجتماعی وقتی که ما در فتنه‌ها و مشکلات گوناگون به بن‌بست می‌رسیم، ایجابی بحث می‌کنند و ما را به جلو می‌برند. چنین استادی نادر است.

۲. ویژگی‌های شخصیتی مقام معظم رهبری

اولاً ایشان شخصیتی جامع دارند؛ یعنی در علوم و فنون گوناگون، هم مطالعه داشته و هم نظرات بدیعی مطرح کرده‌اند. ایشان در بحث‌های حوزوی و فقهی، سیاست و مدیریت نظرات نوینی دارند. نه فقط نظریه‌پردازی و بحث‌های ذهنی و نظری، بلکه در مقام رهبری گفتمان می‌سازند. بنابراین از شخصیتی جامع اندیشه سخن می‌گوییم.

ویژگی بعدی **رویکرد تمدنی و حکومتی داشتن با بینش توحیدی** در مباحث است. منظورم از «رویکرد تمدنی» تبلور و تجلی مهندسی فرهنگ در مقام تحقق است؛ یعنی فرهنگ، آداب و رسوم آن با تمام پیچیدگی‌هایش در مقام واقعیت پیاده شود. اوج نگرش اجتماعی و امتداد اجتماعی بحث توحید را در «روح توحید، نفی عبودیت غیرخدا» می‌بینید. در این مقاله ساختار زیبایی برای امتداد بحث‌های نظری پیشنهاد می‌کنند؛ یعنی انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌کنند و ساختارش را می‌چینند. برای نمونه، بیانیه گام دوم یا ورود به بحث‌های جهان اسلام و... ناظر به تمدن است.

ویژگی بعدی **استراتژیست** بودن ایشان است. دقیقاً آیت‌الله خامنه‌ای استراتژیستی هستند که فرایند ارائه می‌دهند؛ زیرا هم خودشان درس خارج دارند و بحث‌های ذهنی را می‌فهمند و هم به مقام واقعیت و عینیت و اجرا اشراف دارند؛ مثلاً می‌گویند گام اول: انقلاب اسلامی؛ گام دوم: نظام و... در بحث‌های تربیتی و اقتصادی نیز فرایند ارائه می‌کنند. در هیچ کتابی به این موضوع اشاره نشده است.

ویژگی نادر و برجسته دیگرشان **داشتن سابقه سیاسی-اجتماعی-مدیریتی در اجراست**؛ یعنی به جز ایشان هیچ روحانی‌ای این همه سابقه مدیریتی-اجرایی ندارد. من به واژه «اجرا» تأکید می‌کنم. بحث‌های حوزه علمیه ذهنی، نظری، کتابخانه‌ای و صرفاً گفت‌وگوهایی بین چند نفر است. اینکه شخصی در بالاترین مقام مدیریت اجرایی قرار بگیرد، کار ویژه‌ای است.

رهبر معظم انقلاب **الگوی طلبه طراز** هستند. طلبه طراز را خیلی پایین نبینیم؛ آیت‌الله خامنه‌ای شخصیت حوزوی طراز بنده‌اند. طلبه‌ها باید بدانند و بفهمند که زئ طلبگی شعار نیست و اجرا شده است. به رفتار، زندگی، شخصیت خانوادگی و ساده‌زیستی ایشان از اوایل ازدواج و حتی پیش از آن در دوران طلبگی از سال ۱۳۴۶ تا به امروز توجه کنید! به

بحث‌ها و جلسه‌های تبلیغی، بحث‌های فقهی، تدریس و تألیفات ایشان توجه کنید! بله، افزون بر شأن ولایت فقیه و رهبری‌شان، شأنی را پیاده و دنباله‌گیری می‌کنند که از طلبه طراز انتظار داریم.

ویژگی دیگر **روشن فکر بودن** و شناخت داشتن از جریانات روشن‌فکری است. اما با وجود بحث‌های روشن‌فکری، هیچ‌گاه از روش عقلایی و دینی فاصله نگرفته‌اند. ایشان گرایش‌های مختلف را دیده‌اند که خودش نوعی جامعیت در علوم گوناگون است اما خیلی از اساتید اینگونه نیستند و کم حوصله می‌کنند که بحث‌های دیگران را بشنوند. مقام معظم رهبری نقاط قوت افراد را گرفته‌اند.

ویژگی دیگر شخصیتی ایشان **تسلط بر جریان‌های فکری** و آشنایی با جهان عرب، جریان‌های فکری جهان اسلام و... است.

۳. جذابیت‌های اندیشه رهبری

«نارسایی شیوه‌های آموزشی در اندیشه اسلامی» چالشی جدی است. آموزش به‌علت نبود نیازسنجی و نپرداختن به نیازهای واقعی جامعه نارساست و موفق نیست. در کلاس درس به دانشجویان می‌گویید مکتب اسلام موفق و مترقی و پاسخ‌دهنده به نیازها و مشکلات است، ولی در تصویری که در کلاس معارف به دانشجو داده می‌شود هویدا نیست؛ در حالی که در بحث‌های امام رحمته الله علیه و حضرت آقا پیداست؛ یعنی در بحث‌های امام رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری اتفاقاً معارف دین نه فقط نارسا نیست، بلکه کارساز و کارآمد است. چرا باید به سراغ رهبری برویم؟ چون از سردرگمی خارج می‌شویم. واقعاً امام رحمته الله علیه و آقا مباحث کاملاً کاربردی و ناظر به پرسش‌های مخاطب دارند؛ برای مثال، پرسش‌هایی که جامعه در مقام هويت دارد.

گاه در بحث‌های معارفی در نظر گرفتن اقتضائات زمانه فراموش می‌شود. استاد مطهری رحمته الله علیه می‌فرماید: مقتضیات عصر ایجاب می‌کند که بسیاری از مسائل مجدد ارزیابی شوند. گاهی آسیب‌شناسی متصدیان فرهنگی در حوزه عفاف و حجاب، آسیب‌شناسی چهل سال پیش است. امروزه روش‌های کاربردی و جدیدی وجود دارد که مسئله و مشکل بهتر درک می‌شود. حضرت آقا مشکلات و مسائل روز را به خوبی می‌فهمند و به آن‌ها پاسخ می‌دهند.

در بسیاری از تبلیغ‌های آموزش دینی، به‌علت نبودِ هم‌زبانی و سنخیت محتوا با مخاطب، نه‌تنها تبلیغ و تبیین درستی از معارف ارائه نمی‌شود، بلکه مطالب ثقیل و کلیشه‌ای به‌گونه‌ای ملال‌آور و خسته‌کننده به مخاطب ارائه می‌شود. اما بحث‌های آیت‌الله خامنه‌ای این‌گونه نیست.

محتوای طرح

دالّ مرکزی اندیشه رهبری

آیت‌الله خامنه‌ای ابرگفتمانی دارند که گفتمان مرکزی می‌شود و اطراف این ابرگفتمان، خرده‌گفتمان‌ها قرار می‌گیرند، مثل اقتصاد و فرهنگ و سیاست و علم، بنده دالّ مرکزی آن را «توحید» می‌بینم؛ همان نگرشی که در فهم از خداوند داریم. حال نامش را امتداد اجتماعی - سیاسی توحید بگذارید. «توحید» محور اندیشه ایشان و همه چیز برآمده از این نوع نگرش است. ایشان انسان، جامعه، اقتصاد، فرهنگ و سیاست را با همین رویکرد تحلیل می‌کنند. پیوند بین این‌ها اهمیت بسزایی دارد؛ یعنی طلبه‌ها باید بتوانند بین نظامات اجتماعی و بینش و جهان‌بینی اسلامی پیوند برقرار کنند. کار دشواری است که حضرت آقا در کتاب معروف طرح کلی اندیشه اسلامی شمه‌ای از آن را نمایان ساخته‌اند.

نیاز به تولید محتوا

مهم‌تر از بحث ساختاری، بحث محتواست. حرفه‌ای‌ها و متخصصان می‌دانند که اکنون هیچ محتوای مناسبی در این زمینه وجود ندارد. «محتوای مناسب» یعنی محتوایی که با فکر مهندسی شده و با روش صحیح تدوین شده باشد. حدود پنجاه جلد کتاب زیرنظر بنده کار شده است؛ حتی آن‌ها را نیز اصلاً تأیید نمی‌کنم.

جنس محتوای مورد نیاز

اشکال آثار موجود این است که چینش محتوای آن‌ها چالشی خواهد شد. آیا می‌شود محتوای مطلوب را تولید کرد؟ بله؛ اتفاقاً در جایی مثل معاونت تهذیب می‌شود چنین کار بزرگی را انجام داد؛ زیرا جناب آقای عالم‌زاده مهندس است و معماری بحث‌هایش واقعاً صدر و ذیل دارد.

باید مثل «بینش مطهر»، صرف نظر از کاستی‌ها و قوت‌هایش، ساختار و نظام فکری بنویسید؛ نظام فکری متقنی که استادانی مثل آقای فلاح شیروانی درباره آن حرف دارند. جناب آقای خسروپناه ایده‌ای داد و بنده وقتی دیدم نظام فکری منسجمی وجود ندارد خیلی سعی کردم که سه‌گانه آقای خسروپناه در تقسیم‌بندی نظام فکری حاکم شود. الحمدلله الان تقریباً بین همه جا افتاده که اگر قرار است منظومه فکری آقا بحث شود، بهتر است فعلاً در همین سه‌گانه «بینش، ارزش، گُنش» باشد. این سه‌گانه در پی آن حدیث معروف، کار قشنگی است. بنده نیز ده‌گانه‌ای دارم که در ده جلد کتاب منظومه فکری رهبری روی آن کار می‌کنم. تاکنون چهار جلد از آن چاپ شده و فکر می‌کنم هرچه آقای خسروپناه مطرح کرده است را آورده‌ام.

پیشنهاد برای دوره گذار

بنده قبلاً طرح سیر مطالعاتی را برای خودم نوشته و از کتاب‌های موجود استفاده کرده‌ام که پیش از تولید محتوای مناسب می‌تواند مفید باشد؛ اما نباید به آن بسنده کنید و راضی شوید.^۱

شیوه و نکته‌های برگزاری دوره

مهارت‌آموزی، نیاز ضروری دوره کارآمد

دوره‌هایی مثل طرح شهید مطهری علیه السلام، طرح ولایت و... امتداد زیادی پیدا نمی‌کنند و شاید برای امتداد این طرح‌ها برنامه‌ریزی نشده است. «امتداد» یعنی مخاطب باید درنهایت بتواند از این منابع برای پاسخ به مسائل روز استفاده کند. به دلیل ضعف‌های نظام آموزشی، بنده معتقدم طلبه‌ای که می‌خواهد وارد دوره سیر مطالعاتی حضرت آقا شود از روز اول باید روش پژوهش و مهارت را کار کند.

مدل بنده چهار سال است. به اندازه چهار سال حرف هست، اما این‌طور نیست که فقط من حرف بزنم. روزهای اول حرف‌های من زیاد است، اما روزهای آخر من کمترین و شاگرد بیشترین کار را می‌کند. شیوه بنده همیشه این‌گونه است که از سه ساعت، دو ساعت

۱.. سیر مطالعاتی پیشنهادی ایشان در بخش «پیوست» همین کتاب تقدیم می‌شود.

تدریس و یک ساعت مهارت است. برکت‌های زیادی دارد و شاگرد پس از یک سال کتاب می‌نویسد یعنی به توانمندی می‌رسد.

پژوهش

در این دوره از صفر تا صد مهارتِ پژوهش را به دست می‌آورید؛ یعنی پس از دو سال حضور در کلاس دقیقاً به اندازهٔ دانشجوی دکتری می‌توانید کار پژوهشی کنید. البته مخاطب باید فهمی داشته باشد؛ وقتی تحلیل‌گفتمان را به دانشجوی دکتری نیز یاد می‌دهم سخت است. مخاطب از کار با متن (همان بحث‌های حوزوی مثل مطلق یا مقید و...) تا نمایه‌زنی، تقطیع، پی‌نوشت، تحلیل کمی و کیفی، تحلیل به مضمون، تحلیل گفتمان، فمینولوژی و... را در این دوره می‌آموزد و در آخر برای هر سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای پنج شش نوع تحلیل دارد. مگر می‌شود پژوهش کنی و نتوانی با «prezi»، «maxqda»، «onenote» و «focusky» کار کنی؟ این‌ها پیش‌نیاز است.

فن بیان و ارائه

اگر قرار باشد این معارف به جامعه منتقل شود، باید افزون بر محتوا ابزار را نیز در کلاس به طلبه‌ها بدهید. لذا دانش‌پذیران از همان ابتدا باید جلسهٔ پیش‌ارائه و تبیین کنند. این‌گونه اعتمادبه‌نفس پیدا می‌کنند. بعضی از حزب‌اللهی‌ها معارف می‌دانند، اما اعتمادبه‌نفس ندارند. استاد می‌آوریم تا به آن‌ها فن بیان، نحوهٔ ورود، نگاه به چشمان مخاطب، اینکه کجا از مازیک استفاده کنند و... را آموزش دهد.

تندخوانی

تندخوانی مهارتی ضروری است. چون صحبت‌های مقام معظم رهبری زیاد است، تندخوانی را به آن‌ها آموزش می‌دهم تا بتوانند تمام فرمایشات آقا را به سرعت بخوانند. مخاطب در این دوره مهارت تندخوانی را می‌آموزد و خاطرهٔ خوشی از کلاس در ذهنش می‌ماند.

آشنایی با فضای مجازی

گاهی مخاطبان نمی‌توانند محتوای نیکو را به خوبی نشر بدهند؛ از این رو آنان را با پلتفرم‌های گوناگون در فضای مجازی آشنا می‌کنیم: ایتا، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا، گلدن‌تایم‌ها، هشتک‌زدن، عنوان‌نویسی، مینی‌مال‌نویسی و... این‌ها نیازهای مبلّغ حرفه‌ای است؛

بعضی از طلبه‌ها اصلاً فضای مجازی را نمی‌شناسند. باید مهارت کار با فضای مجازی را به صورت تخصصی به طلاب آموزش داد.

جمع بندی

در این دوره‌ها آموزش به تنهایی خطای بزرگی است؛ «پژوهش» و «مهارت» هر دو با هم نیاز است. ما می‌خواهیم از این دوره‌ها مبلغ تحویل دهیم؛ آدم گوشه‌نشین ساکت نمی‌خواهیم. دانشجویان باید وسط بحث در خیابان این چابکی را داشته باشند که وقتی کسی حمله‌ور می‌شود، حمله و دفاع کنند.

سادگی و غرق نکردن مخاطب

دوره‌های مطالعاتی نباید مخاطب را غرق کند؛ گاهی دوره‌ها را آن قدر پیچیده می‌کنیم که مخاطب غرق می‌شود. باید دست مخاطب را گرفت که نه تنها غرق نشود، بلکه غریق شود؛ یعنی به جایی برسد که خودش دست بگیرد. همان نگاهی که رهبر معظم انقلاب در بحث تقوا و توکل دارند.

گزیده نکات:

خداوند باری‌تعالی مهندسی کرده و طرحی کلان دارد که پیاده شدن آن در مقام واقعیت و عینیت، چه در حرکت انبیا و چه بعدش در حرکت اولیا علیهم‌السلام و چه پس از آن‌ها در بستر ولایت فقیه، با تشکیل حکومت است؛

منطقی که رهبران انقلاب در فهم دین دارند، نیاز امروز طلبه‌هاست. این منطق، منطق موفق و کارآمد بوده است و ما به شدت به آن نیاز داریم.

اولاً ایشان **شخصیتی جامع** دارند؛ یعنی در علوم و فنون گوناگون، هم مطالعه داشته و هم نظرات بدیعی مطرح کرده‌اند. ایشان در

ویژگی بعدی **رویکرد تمدنی و حکومتی داشتن با بینش توحیدی** در مباحث است. منظورم از «رویکرد تمدنی» تبلور و تجلی مهندسی فرهنگ در مقام تحقق است.

ویژگی بعدی **استراتژیست** بودن ایشان است. دقیقاً آیت‌الله خامنه‌ای استراتژیستی هستند که فرایند ارائه می‌دهند.

ویژگی دیگر **روشن فکر بودن** و شناخت داشتن از جریانات روشن‌فکری است. اما با وجود بحث‌های روشن‌فکری، هیچ‌گاه از روش عقلایی و دینی فاصله نگرفته‌اند.

آیت‌الله خامنه‌ای ابرگفتمانی دارند که گفتمان مرکزی می‌شود و اطراف این ابرگفتمان، خرده‌گفتمان‌ها قرار می‌گیرند، مثل اقتصاد و فرهنگ و سیاست و علم، بنده دالّ مرکزی آن را «توحید» می‌بینم.

مهم‌تر از بحث ساختاری، بحث محتواست. حرفه‌ای‌ها و متخصصان می‌دانند که اکنون هیچ محتوای مناسبی در این زمینه وجود ندارد. «محتوای مناسب» یعنی محتوایی که با فکر مهندسی شده و با روش صحیح تدوین شده باشد.

دوره‌هایی مثل طرح شهید مطهری رحمته‌الله علیه، طرح ولایت و... امتداد زیادی پیدا نمی‌کنند و شاید برای امتداد این طرح‌ها برنامه‌ریزی نشده است. «امتداد» یعنی مخاطب باید درنهایت بتواند از این منابع برای پاسخ به مسائل روز استفاده کند. به دلیل ضعف‌های نظام آموزشی، بنده معتقدم طلبه‌ای که می‌خواهد وارد دوره سیر مطالعاتی حضرت آقا شود از روز اول باید روش پژوهش و مهارت را کار کند.

بخش سوم

معرفی سیر مطالعاتی پیشنهادی

یک. ضرورت تعیین هدف از سیر مطالعاتی

اولین گام برای طراحی یک سیر مطالعاتی، تعیین هدف محوری و اصلی از آن سیر است. ابتدا به انواعی از اهداف طراحی سیرهای مطالعاتی در فضای حوزوی اشاره می‌کنیم:

گاهی هدف از یک سیر مطالعاتی، «اسلام شناسی» است. در این نوع از سیر، مطالعاتی را پی می‌گیریم تا از رهگذر آشنا شدن با ابعاد مختلف معرفتی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اسلام به نوعی اسلام شناسی جامع یا نظام اندیشه اسلامی دست پیدا کنیم.

گاهی هدف از یک سیر مطالعاتی حل مسائل ذهنی و پاسخ به شبهات است. این نوع سیر مطالعاتی را دنبال می‌کنیم، چون از ابهامات یا شبهاتی رنج می‌بریم و می‌خواهیم پاسخ آنها را بیابیم و در جامعه نیز توان پاسخگویی به شبهات مثلاً اعتقادی و بنیادین را داشته باشیم.

اما در طرح مطالعاتی آثار رهبری انقلاب هر چند از زوایایی با اندیشه اسلامی نیز آشنا می‌شویم اما هدف اصلی و محوری فراتر از آن است که در ادامه با بیان‌های دیگر نیز توضیح خواهیم داد. آنچه در مطالعه آثار و اندیشه رهبری دنبال میشود ایجاد زاویه دید متفاوت به اسلام، رسالت اجتماعی و دستیابی به خوانش نوینی از مفاهیم اسلامی است به نوعی که موجب ایجاد یک تفکر راهبردی در طلبه خواهد شد.

دو. انواع مدل‌های طراحی سیر مطالعاتی اندیشه رهبری

الف. سیر مطالعاتی کثرت‌گرا (با محوریت موضوعات متنوع)

یک مدل برای طراحی سیر مطالعاتی اندیشه رهبری، سیر کثرت‌گرا است. در این مدل آنچه دارای اهمیت است، کثرت موضوعات و دستیابی به نوع تفکر و مبانی اندیشه ایشان در موضوعات متنوعی چون: زن و خانواده، عدالت، دشمن‌شناسی، تحلیل سیاسی، آزادی، اقتصاد، تمدن، مهدویت، هنر، رسانه و... است. خروجی این مدل از سیرهای مطالعاتی ارائه انبوهی از اطلاعات به طلبه است که هر چند منجر به رشد معرفتی طلاب می‌شود اما آن هدف محوری و انسجام محتوایی مورد نظر را تأمین نمی‌کند، اغلب سیرهای مطالعاتی موجود از این الگو پیروی می‌کنند.

ب. سیر مطالعاتی وحدت‌گرا (با محوریت موضوع واحد)

شیوه دیگر این است که ما از سیر مطالعاتی آثار رهبری در پی ساخت یک نگرش ویژه و جهت‌دهی خاصی حول یک مفهوم اساسی باشیم. سیر مطالعاتی می‌تواند حول یک مسئله معین شکل بگیرد و همه کتاب‌های معرفی شده همان مسئله و هدف واحد را دنبال کنند اما هر یک از زاویه‌ای به آن بپردازد تا نگرشی جامع حول آن مسئله بسازد. امتیاز این مدل نسبت به مدل قبلی تمرکز و توحید در یک مسئله محوری و پرهیز از تکرار بيمورد است.

برای مثال می‌توان این مسئله محوری را اندیشه قرآنی با محوریت مطالعه آثار تفسیری، اندیشه فقهی با محوریت آثار و دروس خارج رهبری، مقوله فرهنگ و یا مسئله «انقلاب اسلامی» باشد. در همین مثال آخر که نوعی مطالعه موضوعی است می‌توان سیر مطالعاتی را بر اساس معرفی انقلاب اسلامی تنظیم کرد. ویژگی این مدل سیر مطالعاتی این است که خوانش آن موضوع خاص یعنی در این مثال انقلاب اسلامی را با تقریر مستقیم رهبری به

مخاطب ارائه می‌دهد و از برداشت‌های دارای پیرایه و آسیب یا ناقص جلوگیری می‌کند. دستاورد نهایی این سیر برای مخاطب این است که وی یک دوره انقلاب‌شناسی را طی کرده است و از حیث مناسبات فکری با مسئله انقلاب ارتقا یافته است. مجموعه کتاب‌های بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی تا حدودی چنین الگویی را دنبال می‌کند.

ج. نظام اندیشه محور

مدل سوم مدل «نظام اندیشه» است. در نظام اندیشه پیش فرض این است که فرد مورد نظر دارای یک منظومه فکری منسجم و یک دستگاه فکری است که در این دستگاه فکری هر مفهومی بر اساس مبانی و سیستم ویژه‌ای پردازش و تحلیل می‌شود. دستیابی به نظام فکری کمک می‌کند مخاطب دارای یک نگرش جدید به مفاهیم دینی و برخوردار از روش تحلیل جامع نسبت به موضوعات مختلف شود. تفاوت این شیوه با شیوه اول در این است که شیوه اول موضوعات متنوع و متنافری را از منظر آثار صاحب آن اندیشه مطالعه می‌کرد اما در شیوه اخیر موضوعات بر اساس یک چارچوب فکری و یک الگوی منظم که نگرش‌ساز، نظام‌آفرین و برخوردار از چارچوب اندیشه‌های هستند مورد انتخاب و چینش و مطالعه قرار می‌گیرند.

هدف در این مدل، آشنایی طلبه با ده‌ها موضوع متنوع و متنافر از منظر این اندیشمند نیست تا کشکولی از مطالب مفید در ذهن او ایجاد شود که پیوندهای محتوایی در آن روشن نباشد؛ بلکه در اینجا بر روی نقطه تمایز و تفوق دستگاه فکری وی تمرکز می‌شود و آن عبارت است از نظام اندیشه. آشنایی و تسلط بر نظام اندیشه در واقع آموختن روش تفکر بر اساس یک سیستم فکری ویژه است.

سه. ویژگی‌های اندیشه و آثار مقام معظم رهبری

الف. بینش‌ساز

مهمترین ویژگی اندیشه رهبری «بینش‌ساز» بودن آن است. «بینش» غیر از «دانش» است. دانش از جنس معرفت صرف است ولی بینش «زاویه دید» و «رویکرد» و نوعی نگرش است. بینش عینکی است که از پشت آن می‌توان به مفاهیم، معارف و واقعیت‌های اجتماعی با یک مبنای خاص و رویکرد مشخص نگریست. این بینش، جهت‌آفرین و نگرش‌ساز است. این خصیصه یکی از مهمترین امتیازات اندیشه رهبر معظم انقلاب است و می‌توان آورده اساسی سیر مطالعاتی آثار ایشان برای مخاطبین را همین امر به شمار آورد.

ب. هویت‌ساز و مأموریت‌آفرین

می‌دانیم یکی از بحران‌های مهم عصر امروز «بحران هویت» است. اندیشه رهبری به گونه‌ای است که انسان را برخوردار از یک هویت و خودآگاهی تاریخی می‌کند. با خودآگاهی تاریخی انسان فرهیخته جایگاه خود را در بستر زمانه می‌شناسد و می‌تواند خود را جایابی کند. خودآگاهی تاریخی کمک می‌کند انسان از حیرت خارج شده و جایگاه و نقش و مأموریت خود را در متن حوادث عالم بیابد. کسی که خود را در دل یک رویداد و اتفاق تمدنی قرائت می‌کند، هم برخوردار از هویت می‌شود و هم سهل‌تر به مأموریت خود نگاه می‌کند. کشف مأموریت منجر به خروج از حیرت، خروج از بحران هویت و در نهایت هویت‌مندی می‌شود.

ج. اندیشه‌پشتیبان انقلاب

یکی از مهمترین مولفه‌های قابل توجه اندیشه رهبری این است که اندیشه ایشان در امتداد مکتب امام خمینی، اندیشه مادر برای انقلاب اسلامی است که از آن به اندیشه پشتیبان یا

اندیشه محوری یاد می‌کنیم. اساسا کلان‌مسئله ما امروز پدیده انقلاب اسلامی است. فهم درست انقلاب اسلامی، ماهیت انقلاب، مبانی و اصول انقلاب همه اموری است که منجر به همان خودآگاهی تاریخی می‌شود که در پی آن هویت مندی پدید می‌آید. ما اندیشه رهبری را مهم می‌دانیم چون در پرتو آن است که می‌توانیم به انقلاب راه پیدا کنیم و تا به مبانی انقلاب دست نیابیم نمی‌توانیم در این حرکت تمدنی گام بگذاریم. اندیشه انقلاب اسلامی سهل و ممتنع است. از آن قرائت‌های متعددی وجود دارد ولی بی‌شک قرائت مادر و اصیل قرائت رهبری است. طلبه اگر نتواند با انقلاب اسلامی ارتباط بنیادین و اندیشه‌ای برقرار کند اساسا هیچ‌گاه نه برخوردار از هویت می‌شود و نه برخوردار از توان تشخیص مأموریت.

د. برخورداری از نظام اندیشه

یکی از مهمترین مولفه‌های اندیشه رهبری معظم انقلاب برخورداری از نظام اندیشه است. واژه نظام در دو معنا به کار می‌رود:

۱. نظام علمی (نظام فکری، نظام ذهنی و نظری، نظام اندیشه، نظام معرفتی)
۲. نظام عینی (نظام عملی، نظام تحقق، نظام مدیریتی، نظام اجرایی)

نظام علمی و معرفتی عبارت است از مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌ها که با انسجام منطقی و روابط روشن گرد هم آمده‌اند و یک دستگاه اندیشه‌ای مترابط و متماسک الاجزاء - نه آشفته و از هم گسیخته - پدید آورده‌اند. این نظام فکری تحقق‌بخش یک دانش متقن و پدیدآورنده یک چارچوب علمی قابل دفاع است؛ مثلا نظام علمی اقتصاد اسلامی دانش اقتصاد اسلامی را پدید می‌آورد. در مقابل، نظام عینی عبارت است از یک سازوکار منتظم مدیریتی و اجرایی که برای تحقق هدفی در خارج شکل گرفته است. مانند نظام جمهوری اسلامی که در قانون اساسی تعریف شده است.

با توجه به این توضیح باید گفت اندیشه رهبری معظم انقلاب برخوردار از یک نظام است. آشنایی با این نظام، موجب سامان یافتن ذهن مخاطب بوده و رشد فکر، تحلیل و ارتقای سطح کنش اجتماعی او بر اساس چارچوبی منطقی را در پی خواهد داشت.

۵. برخورداری از رویکرد تمدنی

اندیشمندان زیادی را می‌توان معرفی کرد که برخوردار از نظام فکری هستند. اما مزیت مقام معظم رهبری آن است که نظام فکری وی دارای رویکرد تمدنی است. این زاویه نقطه تمایز اساسی ایشان با بسیاری از اقران‌شان می‌باشد. رویکرد تمدنی یعنی آنچه غایت حرکت‌ها، آموزه‌ها و پویش‌ها قرار می‌گیرد در راستای ایستادن بر فراز تمدن و با نگاه به تمدن است. در این نگاه اسلام آمده است تا نه تنها یک جامعه که یک تمدن را بنا نهد. از این‌روی خوانش مفاهیم دینی در راستای یک رسالت تمدنی است و آموزه‌ها، دستورالعمل‌ها و تحلیل‌ها همه با این جهت و در این مقیاس دیده می‌شود. طلبه در این دستگاه فکری جهانی‌اندیش و تمدن‌گرا می‌شود. حرکت‌های خرد و کلان بر اساس منطق تمدنی تحلیل و طراحی می‌شوند. در این دستگاه انسان‌هایی تربیت می‌شوند که افق دیدشان بسیار فراتر از افق‌های معمولی و عادی است و بر همین وزان مقیاس اثرگذاری و کنش متفاوتی خواهند داشت.

چهار. هدف از سیر مطالعاتی اندیشه رهبری

برای نزدیک شدن به نظام اندیشه یک متفکر باید ابتدا به نقطه کانونی و مرکزی آن اندیشه راه یافت. پس از راه‌یابی به مرکز اندیشه به دوایر نزدیک به مرکز نزدیک می‌شویم. یعنی بر اساس رعایت یک منطق از مرکز به حاشیه حرکت می‌کنیم. بر این اساس طراحی سیر مطالعاتی برای شناخت اندیشه متفکران و تقدم و تأخر بین کتاب‌ها از یک منطق پیروی می‌کند. پس باید به این پرسش جواب داد که در نظام اندیشه یک اندیشمند کدام موضوعات محوری‌تر و اساسی‌تر و کدامیک با فاصله‌تر از آن مرکز اندیشه‌اند؟ همین توجه تأثیر خود را در سیر از ناحیه تقدم و تأخر کتب منتخب خواهد گذاشت. اما با توجه به ویژگی‌های ذکر شده از اندیشه رهبری، ما از این سیر دنبال رسیدن به چه هدفی هستیم؟ این پرسش را در قالب چند عنوان پاسخ می‌دهیم:

الف. آشنایی با دال مرکزی اندیشه رهبری

برای آشنایی با دال مرکزی یک اندیشه باید از مبانی و پایه‌های اصلی پدیدآمدن اندیشه آغاز کرد. بنیان‌هایی که سرچشمه رشد و گسترش و بال و پر یافتن اندیشه هستند. پس برای دستیابی به این هدف باید با عناصر اصلی و سازه‌های بنیادین پیدایی این اندیشه آشنا شد. این آشنایی یعنی نزدیک شدن به مبانی فکری که نظام اندیشه متفکر مورد نظر بر پایه آن مبانی ساخته شده است. اگر کسی نقطه کانونی و بنیادین اندیشه یک متفکر را نشناسد نمی‌تواند به دستگاه فکری وی پی ببرد و تنها با گزاره‌های متنافری روبرو خواهد بود. گزاره‌هایی که در نگاه بدوی هیچ انسجامی ندارند و نظام معنایی بین آن‌ها کشف نمی‌شود. بر این اساس هدف از سیر مطالعاتی اندیشه و آثار رهبر معظم انقلاب عبارت خواهد بود از آشنایی طلبه و دستیابی او به نظام‌واره و منطق اندیشه اسلامی رهبری در مبانی و کلیات و مصادیق و تطبیقات.

ب. شناخت جامع انقلاب اسلامی با قرائت مکتب امام

انقلاب اسلامی به عنوان عنصری اساسی در هویت‌سازی، جهت‌بخشی و مأموریت‌آفرینی برای انسان مسلمان معاصر باید به نحوی جامع شناخته شود. هرگونه فهم غلط از چیستی و هستی انقلاب اسلامی منجر به نسبت‌گیری متفاوتی در عرصه علمی و عملی و اجتماعی خواهد بود. این شناخت را باید از بنیانگذاران و رهبران اصلی انقلاب طلب کرد. اندیشه رهبری در امتداد مکتب امام خمینی محوری‌ترین اندیشه تبیین‌کننده انقلاب اسلامی است که طلبه باید با تکیه به آن ماهیت و مسیر انقلاب را بشناسد. در اینجا باید به این امر اشاره کرد که علی‌رغم برداشت‌های مختلفی که از انقلاب اسلامی و هویت آن وجود دارد، انقلاب اسلامی یک گفتمان و اندیشه تمدن‌ساز، پیشرفت‌گرا و تحول‌آفرین است. همین ویژگی‌ها موجب می‌شود اهتمام به آشنایی با ماهیت این انقلاب اهمیتی دوچندان یابد.

ج. شناخت مأموریت طلبه عصر انقلاب

پس از آشنایی با دالّ مرکزی و مبانی این اندیشه و نیز شناخت چارچوب مفهومی صحیح و جامع از انقلاب اسلامی حال به ساحت‌هایی از اندیشه رهبری می‌پردازیم که در تعیین و طراحی مأموریت طلبه اثرگذار است. یعنی سیر مطالعاتی تنها نمی‌خواهد مفهومی بر مفاهیم انباشته‌شده در ذهن مخاطب بیفزاید بلکه این مبانی را تا کنش اجتماعی امتداد می‌بخشد و از آن تولید مأموریت می‌کند.

پنج. نگاهی به منطق طراحی و اجزای سیر پیشنهادی:

الف. مروری بر مهمترین نکات بیان شده در مصاحبه‌ها

برای طراحی سیر پیش روی تلاش شد از مهمترین نکات بیان شده در گفتگوها استفاده شود. تکیه به توصیه‌های صاحب نظران در طراحی اجزای دوره اثرگذار بوده است. اما برای مروری بر مهمترین نکاتی که به عنوان پیش فرض قلمداد شد نکاتی اشتراکی را از مجموع مصاحبه‌ها بیان می‌کنیم که مورد وفاق همه اساتید بود. آنچه از مجموع ده مصاحبه به عنوان نکات اصلی و محوری استخراج شد به صورت گذرا و کلی به این شرح است:

تأکید بر ضرورت آشنایی طلاب با اندیشه رهبری معظم انقلاب از این حیث که این اندیشه است که می‌تواند آینده انقلاب و ایران را رقم بزند و در مسیر رشد قرار دهد. همه بر این نکته اتفاق داشتند که باید با طرح و مدلی این اندیشه را به نسل بعدی انتقال داد. یکی از بهترین قالب‌ها طراحی سیر مطالعاتی اندیشه ایشان است.

آسیب‌شناسی‌های متعددی نسبت به حوزه علمیه، جبهه فکری انقلاب و وضعیت حکمرانی و عدم اتصال وثیق آن با اندیشه امام و رهبری مطرح شد. این آسیب‌شناسی‌ها ضلع دیگری از ضرورت پرداختن به اندیشه رهبری را بیان می‌کرد.

تأکید بر اینکه مقام معظم رهبری یک متفکر و اندیشمند است. این بعد مغفول شخصیت ایشان است. اگر به ایشان به عنوان یک اندیشمند نگاه شود، نوع مناسبات مخاطب و جامعه با وی تغییر خواهد کرد. همچنین بیان ابعاد شخصیتی و ویژگی‌های ممتاز ایشان.

تأکید بر منظومه‌ای بودن اندیشه رهبری؛ همه بیان داشتند که نباید مخاطب را به صورت نقطه‌ای و جزئی با اندیشه رهبری آشنا کرد، بلکه ایشان دارای یک منظومه فکری است که باید طلبه را به این منظومه متصل کرد تا بتواند بر اساس آن دستگاه فکری

بیندیشد و استنتاج کند.

تأکید بر اینکه اندیشه مقام معظم رهبری دارای جامعیت است و باید در طراحی سیر مطالعاتی این جامعیت تأمین شود.

تأکید بر این نکته که باید بستر شکل‌گیری اندیشه رهبری را شناخت. از این‌رو مطالعه زندگی ایشان در این بین ضروری است.

تأکید بر این نکته که اندیشه مقام معظم رهبری دارای دالّ مرکزی است که باید سیر مطالعاتی با محوریت آن دالّ مرکزی ساماندهی شود و مخاطب در نهایت به آن اشراف یابد. برخی دالّ مرکزی اندیشه رهبری را «توحید» و برخی دیگر آن را قرائت اجتماعی و حکومتی از اسلام بیان داشتند.

توجه به ساختار و مراتب اندیشه رهبری به این بیان که برخی این اندیشه را دارای سطوح مختلفی می‌دانستند از جمله:

تقسیم اول: بینش، ارزش، کنش.

تقسیم دوم: مبانی قرآنی، ساحت عمل و اقدام مؤمنانه، علوم اسلامی، شناخت روز، دشمن‌شناسی، ساحت اقتصادی، ساحت خانواده، ساحت عبادی.

تقسیم سوم: علوم بنیادین، مباحث اخلاقی و سلوکی، مباحث سیاسی و اجتماعی.

تقسیم چهارم: مبانی، نظام ارزشی، نظام فقهی، اندیشه سیاسی.

نکات روشی برای اجرای طرح:

پیش از اجرای دوره باید برای انگیزه‌سازی برنامه مدونی صورت گرفته باشد تا طلبه با ضرورت ورود به این طرح ارتباط بگیرد.

دوره باید از یک طرح مطالعاتی صرف تا سطح یک دوره تربیت اندیشمند انقلابی ارتقا یابد. برای این منظور نباید به مطالعه صرف بسنده کرد.

دوره باید در برخی بخش‌ها استادمحور باشد و حلقه‌های گفتگو و مباحثه شکل گیرد.

دوره باید در دو سطح عمومی و تخصصی یا مقدماتی و تکمیلی طراحی شود.

در اجرای دوره باید از ظرفیت مجموعه‌های فعال در زمینه اندیشه رهبری استفاده کرد.

ب. درآمدی بر منطق طراحی سیر

تا کنون با انواع مدل‌های سیر مطالعاتی، ویژگی‌های اختصاصی اندیشه رهبری و هدف از سیر مطالعاتی آثار ایشان آشنا شدیم. همچنین مروری بر مهمترین نکاتی که در مصاحبه با اساتید استخراج شده بود، داشتیم. در ادامه بر اساس یک تقسیم بندی چهارگانه کتب و آثار ایشان را دسته بندی می‌کنیم و در قالب این تقسیم چهارگانه کتاب‌هایی معرفی می‌شوند و به عنوان آثار منتخب در سیر قرار می‌گیرند. اما در اینجا دو پرسش باقی خواهد ماند. اول اینکه چرا این سیر دارای چهار بخش است و دوم اینکه علت انتخاب کتب در هر بخش چیست. در این بخش می‌کوشیم به صورت مختصر نشان دهیم که چرا برای تحقق اهداف پیش گفته باید اندیشه رهبری معظم انقلاب را از چهار منظر و زاویه مورد مطالعه قرار دهیم.

اما پاسخ به پرسش دوم نیاز به مجال بیشتری دارد. چراکه در هر بخش و ذیل هر سرفصل می‌توان کتاب‌های متعددی را معرفی نمود ولی ما از بین کتب مختلف ذیل یک موضوع تنها برخی را برگزیدیم. توضیح منطق انتخاب این کتب ضروری اما مفصل خواهد بود. اجمال مطلب اینکه گفتگوهای متعدد با کارشناسان و صاحب نظران مختلف که بخشی از این گفتگوها در فصل دوم همین اثر از نظر گذشت، و بخش دیگری به صورت مکتوب در کتاب منعکس نشده است ما را به این انتخاب رهنمون ساخت.

برخی از آثار تقریباً آثار بی‌بدیل به شمار می‌آیند و جایگزین و کتاب رقیبی برای آن‌ها وجود ندارد مانند کتاب ارزشمند «طرح کلی اندیشه اسلامی» یا کتاب «انسان دویست و پنجاه ساله»؛ اما در برخی قسمت‌ها با چند اثر روبرو هستیم. برای مثال برای معرفی مبانی انقلاب اسلامی دو اثر هم عرض وجود «منشور معارف انقلاب اسلامی» و «عهد مشترک» وجود دارد که ما دومی را برگزیدیم. علت انتخاب نیاز به تبیین تفصیلی و بیان نوع اختلاف‌ها و امتیازات دو اثر دارد که اگر بنا باشد در مورد همه کتاب‌ها و کتب رقیب آن‌ها به صورت موردی و جزء به جزء این توضیح و تبیین بیان شود، بحثی تفصیلی در خواهد گرفت که اکنون امکان آن فراهم نیست اما توضیح و توصیف هر کتاب به صورت اجمالی بیان شده است.

در این مجال می‌کوشیم منطق طراحی چهاروجهی سیر را تبیین کنیم. این چهار زاویه

عبارتند از:

یک: زمانه و زمینه شکوفایی

دو: مبانی کلامی و قرآنی

سه: رویکردهای کلان تاریخی

چهار: ساحت‌های اصلی اندیشه (این بخش نیز در قالب سه سرفصل کلی دنبال می‌شود):

اول: انقلاب اسلامی

دوم: فرهنگ و سیاست

سوم: حوزه و رسالت صنفی

ج. معرفی اجزای سیر مطالعاتی

یکم. زمانه و زمینه شکوفایی

پیش از گام نهادن به دریای اندیشه و مبانی فکری یک اندیشمند باید به شخصیت وی راه یافت. یکی از عناصر شخصیت‌شناسی صاحب اندیشه، بسترهای پدید آمدن نگرش خاص وی و عناصر اصلی اندیشه او است. اینکه وی در طول تاریخ حیات خود چه مقاطعی را طی کرده است، چه فرازونشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است، چه آرمان‌هایی را در سر پرورانده است، و اموری از این دست همه موجب می‌شود مخاطب پیش از ورود به ژرفای اندیشه ابتدا به هم‌زمانی با صاحب اندیشه برسد. این هم‌زمانی مسیر را به لحاظ روحی برای ادامه سیر سهل‌تر می‌کند. پس مطالعه زمینه و زمانه مقدم بر سایر بخش‌ها خواهد بود. از سوی دیگر چون آثار این بخش همه جنبه تاریخی و داستانی دارند، کشش و جذابیت بیشتری در آغاز کار خواهند داشت و نوعی رغبت برای مخاطب ایجاد می‌کنند.

دوم. مبانی کلامی و قرآنی

گام دوم ورود به عرصه مبانی است. در این مرحله باید مبانی اصلی که همان مبانی قرآنی و کلامی اندیشه رهبری انقلاب است مورد بررسی قرار گیرد تا به دالّ مرکزی اندیشه ایشان راه یافت و سایر دیدگاه‌ها را از این پایگاه مورد تحلیل قرار داد. رهبر معظم انقلاب یک متکلم برجسته و یک مفسر ژرف‌اندیش است. از این روی نظام اندیشه وی متأثر و نشأت گرفته از مبانی کلامی و قرآنی او است. آشنایی با این مبانی است که می‌تواند ما را به نقاط کانونی

اندیشه رهنمون سازد. کتاب ارزشمند «طرح کلی اندیشه اسلامی» بهترین منبع برای برای راهیابی به مبانی فکری رهبر معظم انقلاب است. در این مرحله از کتاب «ولایت و حکومت» برای تکمیل مباحث مطروحه در طرح کلی اندیشه اسلامی استفاده می‌کنیم.

سوم. رویکردهای کلان به تاریخ و طرح رهبران تشیع

رویکردهای کلان تاریخی یکی از سازه‌های اصلی اندیشه مقام معظم رهبری و از مهمترین معبرهای رسیدن به عمق منظومه فکری ایشان است. تعبیر سازه‌های اصلی اندیشه در نگاه بدوی چیزی نزدیک به مبانی می‌نماید، اما در واقع سازه‌های اصلی را مرحله بعد از مبانی می‌دانیم. اندیشه رهبری در حوزه تحلیل کلان تاریخ که در کتاب‌هایی چون «انسان دویست و پنجاه ساله» نمود پیدا می‌کند را نمی‌توان مبانی به‌شمار آورد چراکه لایه مبانی قبل‌تر و مفهومی‌تر از این است اما یکی از سازه‌های اصلی اندیشه ایشان است چراکه با این نگرش تاریخی است که کلان روایت‌هایی تولید می‌کنند و گام‌های بعدی حرکت جامعه اسلامی را معین می‌نمایند. این تفکیک در تعبیر فقط برای نشان دادن تفاوت جنس دو نوع محتوا و سطوح مختلف آن است. کتاب «انسان دویست و پنجاه ساله» طرح کلی حرکت ائمه علیهم السلام را نشان می‌دهد اما برخی مقاطع خاصی حیات تاریخی ائمه را به‌صورت گذرا بیان می‌کند، از این رو مطالعه کتاب «همرزمان حسین» و «منافقین، دشمنان حکومت اسلامی»، «خون‌آورد» و «پیشوای صادق» این کاستی و اختصار را جبران می‌کند.

چهارم. ساحت‌های اصلی اندیشه

حال که مخاطب با شخصیت صاحب اندیشه، مبانی و سازه‌های اصلی اندیشه‌اش آشنا شد می‌تواند گام در مسیر شناخت موضوعات و ساحت‌های اصلی اندیشه وی بگذارد. ساحت‌های اصلی اندیشه یعنی تطبیق مبانی و رویکردهای کلان بر مسائل و موضوعات. ساحت‌های اصلی اندیشه یعنی دست‌گذاشتن بر روی مهمترین موضوعاتی که اطلاع از آن هم هویت‌ساز است، هم مأموریت‌آفرین و هم نگرش‌ساز. از یک سو بدون آشنایی با مبانی نمی‌توانستیم سراغ این ساحت‌ها برویم و از سوی دیگر نمی‌توان به همه موضوعاتی که این اندیشمند مطرح کرده است بدون گزینش نظر انداخت. از این روی به مسئله «ساحت‌های اصلی اندیشه» اشاره می‌کنیم. در این بخش به سه ساحت اصلی اشاره می‌شود:

یک. انقلاب اسلامی

دو. فرهنگ و سیاست
سه. حوزه و روحانیت

انقلاب اسلامی مهمترین و شاید کلان‌ترین مسئله رهبر معظم انقلاب است که همه موضوعات دیگر از این دریچه نگریسته و تحلیل می‌شوند و در نسبت با آن جایابی و معنادار می‌گردند. رهبر انقلاب را باید از یک منظر «فیلسوف انقلاب» دانست چرا بیشترین و عمیق‌ترین تأملات و طراحی‌ها در زمینه این پدیده بزرگ سده اخیر را انجام داده است. از سویی آشنایی با انقلاب اسلامی برای طلبه عصر انقلاب یعنی هویت‌یابی و آشنایی با موقعیت تاریخی. انقلاب در اندیشه ایشان را از چند زاویه دنبال می‌کنیم:

- تاریخ و پیشینه انقلاب اسلامی
- مبانی و مکتب انقلاب اسلامی
- تطور، اندیشه راهبردی و آینده انقلاب اسلامی
- دستاوردهای انقلاب اسلامی

سپس از «فرهنگ و سیاست» سخن به میان می‌آوریم. این سیر از آنجایی که حلقه اول و دور نخست آشنایی با اندیشه رهبری است نمی‌تواند همه موضوعات را به صورت گسترده پوشش دهد. بلکه رسالت این سیر اکنون ایجاد زمینه آشنایی با نقاط کانونی اندیشه رهبری انقلاب است. فرهنگ و سیاست از آنجایی که نسبتی وثیق با رسالت طلبه دارند و طلبه بدون آشنایی با خطوط کلی اندیشه رهبری در این دو عرصه نمی‌تواند کنش‌گری موفق در جامعه داشته باشد، از بین موضوعات متعدد انتخاب شدند. البته ذیل همین دو عنوان نیز می‌توان موضوعات متعدد و کتاب‌های پرشماری را معرفی کرد که به دلیل تأکید بر رعایت اختصار از این امر صرف نظر می‌کنیم و توسعه محتوایی را به دور بعدی و مقاطع پیشرفته سیر مطالعاتی موکول می‌نماییم.

در گام آخر سخن از «حوزه و رسالت صنفی» به میان می‌آید. از آنجایی که مخاطب اصلی این اثر طلاب حوزه‌های علمیه هستند باید ماهیت، اهداف و مأموریت نهاد حوزه و شخص طلبه را از منظر رهبری بشناسند. در این بخش نگاه کلان رهبری بر مأموریت و ماهیت حوزه و روحانیت تطبیق می‌شود تا طلبه در آخر بدانند بر اساس این منظومه فکری چه نقشی در انقلاب اسلامی و از پایگاه حوزوی دارد.

شش: معرفی کتاب‌های سیر مطالعاتی

یک. زمانه و زمینه شکوفایی صاحب اندیشه:

■ خون دلی که لعل شد

تعداد صفحات: ۴۲۴ / رقعی

کتاب «خون دلی که لعل شد» حاوی خاطرات حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای از زندان‌ها و تبعید در دوران مبارزات انقلاب اسلامی است. این کتاب ترجمه فارسی کتاب «إنَّ مع الصَّبْرِ نصرًا» است که پیش‌ازاین به زبان عربی در بیروت منتشر شده بود. «خون دلی که لعل شد» به‌همت محمدعلی آذرشب گردآوری شده و توسط محمدحسین باتمان غلیچ به فارسی بازگردانده شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در این اثر از روزهای کودکی و اشتغال به تحصیل تا آغاز فعالیت‌های خود به‌عنوان مبارزی علیه رژیم طاغوت گفته و سپس درگیری‌ها و دستگیری‌های خود را با جزئیاتی شرح داده است. از دیگر ویژگی‌های کتاب، نگارشی به‌دور از اطناب است؛ ایشان از آوردن مطالب غیرمفید خودداری کرده و خواننده هرآنچه می‌خواند، مطالبی است که به‌نحوی نکته‌ای را آشکار می‌سازد و باقی سرگذشت‌نامه را پیش می‌برد. توصیفات در این اثر، با دقت و ظرافتی مثال‌زدنی به رشته تحریر درآمده است و تصویر جامعی را از فضایی که رهبر معظم انقلاب و دیگر هم‌زمان پاک‌بازشان در آن به مبارزه مشغول بودند به مخاطب نشان می‌دهد. با وجود اینکه در این کتاب عمدتاً به دوران تبعید و اسارت رهبر فرزانه انقلاب پرداخته شده، جزئیات دل‌پذیر و روشنگری از افکار و سیره ایشان در امور زندگانی نیز در آن وجود دارد.

■ از نیمه خرداد

تعداد صفحات: ۲۹۶ / رقعی

پیش از ورود به مباحث فکری و مبانی اندیشه رهبری باید نقشه‌ای هوایی و کلام از اندیشه

و دغدغه‌های کلان ایشان داشت. «از نیمه خرداد» طرحی است از اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، که در آن از بیانات و خاطرات رهبر انقلاب استفاده شده و نویسنده کوشیده است تا با گذر از تصویر رهبری به‌عنوان یک سخنران زبردست، به‌طور فشرده، نمایی روشن و سراسر از خطوط کلی زندگی، شخصیت، اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ارائه کند. این کتاب که به کوشش آقای مصطفی غفاری فراهم شده را می‌توان نخستین نمونه در مطالعات رهبری پژوهی مبتنی بر تجربه انقلاب اسلامی دانست که نه تنها به اندیشه، بلکه به الگوی کنش و سازوکارهای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌پردازد. اهمیت قرارگرفتن این کتاب در ابتدای سیر مطالعاتی از این جهت است که طلبه ابتدای نمایی کلان از زاویه نگرش رهبری معظم انقلاب و خطوط کلی زندگی و اندیشه ایشان به‌دست می‌آورد و سپس وارد جزئیات اندیشه می‌شود. مقدم داشتن نگاه از بالا و کلان به جغرافیای شخصیت و اندیشه موجب می‌شود با یک طرح ذهنی و نگرش وارد مفاهیم بعدی شده و بدانیم هر مفهوم در کجای این جغرافیا قرار دارد.

دو. مبانی کلامی و قرآنی

■ طرح کلی اندیشه اسلامی

تعداد صفحات: ۵۳۶ / وزیری

کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» شامل بیست‌وهشت سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیست‌وهشت روز از ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۵۳ است. پس از ممانعت ساواک از برگزاری جلسات معظم‌له در مسجد کرامت مشهد، ایشان تصمیم گرفت جلسات ماه مبارک رمضان را در مسجد امام حسن مجتبی برگزار کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این جلسات سعی داشت تا مبانی اندیشه اسلامی را با رویکردی اجتماعی، منسجم و هماهنگ و با محور قرآن کریم تبیین کند. این کتاب مشتمل بر چهار فصل ایمان، توحید، نبوت و ولایت است. ایشان ایمان واقعی را ایمانی می‌داند که آگاهانه و مسئولیت‌پذیر باشد و با این مقدمه، توحید را معرفی می‌کند و می‌گوید: نمود آن در زندگی فرد موحد این است که زیر بار سلطه خدایان دروغین - اعم از ابلیس و طواغیت و هواهای نفسانی و... - نرود. آنگاه برخی از ویژگی‌های جامعه‌ای موحد را بیان می‌کند و با همان تعریف از ایمان، پس از

تعریف اصل نبوت و معرفی دشمنان آن، به تعهداتی که متوجه مسلمانان معتقد به اصل نبوت است، اشاره می‌کند. در آخر نیز با توجه به تاریخ انبیا و آیات قرآن، روشن می‌سازد که فرجام کار انبیا و پیروان انبیا چیزی جز پیروزی نیست. همچنین معظم‌له در مبحث ولایت، ابتدا به شرح مفهوم ولایت و ابعاد آن (پیوند درونی جامعه اسلامی، نحوه ارتباط با جوامع غیرمسلمان و پیوند بین امام و امت) اشاره می‌کند و در ادامه به تبیین بعضی از زوایای آن می‌پردازد.

■ ولایت و حکومت

تعداد صفحات: ۳۹۰ / رقعی

موضوع کتاب «ولایت و حکومت» بیان مبانی حکومت در اسلام و شاخصه‌های کارگزاران اسلامی است و درحقیقت این موضوع اساسی را در امتداد مباحث کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» بیان می‌کند. از این رو مباحث مطرح شده در این کتاب نیز با همان نگاه چندبُعدی و رویکرد فهم دین به عنوان یک مسلک اجتماعی بیان شده است. بر این اساس حکومت در اسلام، ریشه در توحید دارد و در جریان نبوت انبیا جلوه‌گر شده و عینیت پیدا کرده و با تثبیت جریان ولایت تداوم می‌یابد. دو فصل ابتدایی کتاب سعی دارد پیوستگی این مباحث را ترسیم کند. در فصل‌های سوم تا پنجم شاخصه‌های حکومت الهی، و حاکمان الهی و در مقابل، حاکمان طاغوتی تبیین شده است. در فصل ششم به برخی از اشکالات و شبهاتی که درباره حکومت اسلامی در عصر غیبت مطرح است، پاسخ داده شده و به تبیین جایگاه والای امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران در عصر حاضر پرداخته شده است.

تمام مباحث این کتاب، از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است، به خصوص مباحثی که درباره حکومت اسلامی و حاکمان الهی به صورت سلسله‌وار در خطبه‌های نماز جمعه در سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۶۳ و ۱۳۶۶ بیان کرده است.

سه. رویکردهای کلان به تاریخ و طرح رهبران تشیع

■ انسان ۲۵۰ ساله (حلقه دوم)

تعداد صفحات: ۴۴۸ / رقعی

این کتاب، دومین حلقه از مجموعه حلقات انسان ۲۵۰ ساله است. در حلقه دوم انسان ۲۵۰ ساله، با استفاده از بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای نگاهی یکپارچه از سیره سیاسی و روش مبارزاتی ائمه علیهم‌السلام ارائه شده است.

عنوان کتاب، برگرفته از سخنان معظم‌له و گویای این نکته است که تمام فعالیت‌های ائمه علیهم‌السلام - پس از شهادت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سال ۱۱ هجری تا شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام در سال ۲۶۰. در طول این ۲۵۰ سال کار یک انسان با یک هدف و با تاکتیک‌های مختلف است. گویی ائمه علیهم‌السلام، انسان واحدی بودند که ۲۵۰ سال زندگی کرده‌اند. این «انسان واحد» به قرینه‌های بسیاری که در تاریخ زندگی ایشان وجود دارد و بنا بر وظیفه‌ای که خدا بر عهده آنها گذاشته، درصدد برقراری حکومت اسلامی در جامعه اسلامی بودند و در این راه مبارزات سیاسی بسیاری داشته‌اند.

در این کتاب بیش از آنکه دلایل اثبات نظریه و جزئیات وقایع زندگانی ائمه علیهم‌السلام مطرح شده باشد، سعی شده تحلیلی درست از وقایع تأثیرگذار تاریخ صدر اسلام ارائه شود، مانند دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام واقعه صلح امام حسن علیه‌السلام با معاویه، قیام امام حسین علیه‌السلام، حفظ جریان تشیع توسط امام سجاد علیه‌السلام، گسترش دامنه تشیع توسط امام باقر و امام صادق علیهما السلام، مبارزه مخفیانه امام کاظم علیه‌السلام، ماجرای ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام و گسترش تشکیلات شیعه در زمان سه امام آخر. به عبارت بهتر این کتاب بیش از آنکه کتابی تاریخی باشد، کتابی تحلیلی است که رویکردی کلان به طرح رهبرانه امامان شیعه در طول تاریخ را بیان می‌دارد.

■ جزوه «منافقین دشمنان حکومت اسلامی»

تعداد صفحات: ۶۹ / رقعی

این جزوه مختصر بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه است که برای اولین بار در تیرماه ۱۳۶۰ از سوی دفتر حزب جمهوری منتشر شد. این جزوه در عین اختصار، رویکردی دقیق در باب شناخت دو نوع درگیری در تشکیل مدینه نبوی دارد. یکی از جریان‌های مؤثر در عصر بعثت جریان منافقان بود که به نقش آنان پرداخته شده است. این جزوه کوتاه مکمل مباحث بخش عصر بعثت کتاب «انسان دویست و پنجاه ساله» است.

■ هم‌زمان حسین

تعداد صفحات: ۳۹۸/رقعی

کتاب «هم‌زمان حسین علیه السلام» مجموعه سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در سال ۱۳۵۱ در هیئت انصارالحسین علیه السلام تهران است که به تحلیل رسالت و مبارزات سیاسی ائمه علیهم السلام می‌پردازد. این کتاب مشتمل بر ده سخنرانی رهبر انقلاب در ماه محرم سال ۵۱ است.

برخی از مباحث مهم مطرح شده در این کتاب عبارت‌اند از: اهمیت شناخت امامان و توطئه‌های دشمنان برای تحریف چهره مبارزاتی و مجاهدانه ائمه، مقامات و وظایف امامان، نظریه انسان ۲۵۰ ساله، شرح سیره سیاسی و اجتماعی امامان و تشریح موضع‌گیری‌های ائمه. از آنجاکه مباحث مربوط به قیام حسینی در کتاب انسان ۲۵۰ ساله به صورت گذرا مطرح شده، این کتاب لازم است تا مباحث قیام حسینی را به تفصیل و مستوفی شرح دهد و مکمل آن بخش باشد.

■ خون‌آورد

تعداد صفحات: ۶۴/رقعی

آنچه در حادثه عاشورای سال ۶۱ قمری بازتاب بیشتری در منابع عاشوراپژوهی داشته، پرداختن به قیام حضرت امام حسین علیه السلام با تکیه بر خود واقعه و منفک از سیر تاریخی حادثه بوده است و به همین دلیل طبعاً کاستی‌هایی را در خود داشته است. با توجه به همین مسئله حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با نگاهی نو بر تاریخ صدر اسلام و بر اساس بررسی سیر تاریخی حوادث، واقعه عاشورا را واکاوی و هدف قیام سیدالشهدا علیه السلام را در راستای نهضت نبوی تبیین کرده است. کتاب «خون‌آورد» مشروح جلسه‌ای سه‌جانبه است که میان حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، شهید آیت‌الله مرتضی مطهری و مرحوم دکتر علی شریعتی در سال ۱۳۵۵ و هم‌زمان با تاسوعای حسینی برگزار شد.

■ پیشوای صادق

این کتاب، مشتمل بر یادداشت‌های حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای علیه السلام درباره سیره فرهنگی سیاسی امام صادق علیه السلام است که در ۱۷ شماره‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در

خرداد سال ۱۳۵۸ منتشر شده است.

در دیدگاه رهبر معظم انقلاب، سیره‌ی امامان معصوم (علیهم‌السلام) به انسانی ۲۵۰ ساله تشبیه می‌شود که براساس شرایط زمانی، بهترین شیوه را برای رسیدن به اهداف والای اسلام، انتخاب کرده‌اند؛ گاهی با جهاد، گاهی با آتش‌بس، گاهی با مبارزات سزّی، گاهی با کار فرهنگی و تبیینی به انجام وظیفه پرداخته‌اند. در این میان، امام صادق (علیه‌السلام) سهم مهم و تأثیرگذاری را در تاریخ سیاسی اهل بیت (علیهم‌السلام) داشته‌اند. آنچه در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به سیره‌ی سیاسی آن حضرت، مشاهده می‌شود تلاش حضرت برای تأسیس حکومت مطلوب ائمه (علیهم‌السلام) است.

اهمیت این کتاب از این منظر است که اولاً به قلم مقام معظم رهبری است، ثانیاً به صورت فشرده نمای کلانی از اندیشه و ایده ایشان درباره اهداف امامت و توضیح مبنای انسان ۲۵۰ ساله ارائه می‌دهد. همچنین در امتداد توضیح طرح کلی حرکت امامان به صورت مصداقی حرکت امام صادق (علیه‌السلام) را نیز توضیح می‌دهند.

چهار. ساحت‌های اصلی اندیشه:

یکم. انقلاب اسلامی در آینه مکتب امام

الف. تاریخ و پیشینه انقلاب:

■ سخنرانی «فشرده‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی»

تعداد صفحات: ۶۴ / جیبی

این کتاب سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۲ بهمن ۱۳۶۲ است با موضوع مروری بر تاریخ و خصوصیات مقاطع مهم انقلاب اسلامی: آغاز نهضت تا قیام ۱۵ خرداد، ۱۵ خرداد تا رحلت فرزند امام خمینی، رحلت فرزند امام تا بازگشت امام به ایران، مقطع پیروزی، از پیروزی تا کنون. در بخش دیگری از سخنرانی، با استفاده از پانزده آیه سیاسی قرآن، تفسیری الهی و قرآنی از انقلاب اسلامی ارائه می‌شود. پیش از ورود به مباحث بنیادین مکتب فکری انقلاب باید تصویری از زمانه و زمینه انقلاب اسلامی داشت. این اثر مختصر این تصویر را برای مخاطب ایجاد می‌کند.

■ کتاب «مجسمه»

تعداد صفحات: ۲۷۲ / رقعی

کتاب «مجسمه» برگرفته از بیانات رهبر انقلاب درباره حکومت‌های پادشاهی ایران منتشر کرده است. این کتاب که ویرایشی نو بر اساس کتاب شب ظلمانی شاهنشاهی است، از هفت فصل تشکیل شده که در هر فصل به بیان بخشی از دوران پهلوی و قاجار و مفاسد و جنایات آنها می‌پردازد. فصول این کتاب عبارت‌اند از: ولایت یا سلطنت، میراث دربا، قهوه قجری، دوران خزان، کلاه پهلوی، فصل قیام، دشمنی ۲۲۰ ساله. قرارداد این کتاب در این بخش برای تأمین هدفی است که به آن اشاره شد یعنی آشنایی با زمانه و زمینه پدیداری انقلاب اسلامی و اینکه ما از کدام مقطع تاریخی عبور کردیم و گام در عصری نهادیم. قرائت انقلاب اسلامی بریده از زمینه تاریخی آن بی‌تردید قرائتی ناقص خواهد بود و فعل رهبران رهبران آن درک نخواهد شد.

ب. مبانی و مکتب انقلاب اسلامی:

■ نبوت‌ها در نهج البلاغه

تعداد صفحات: ۲۶۴ / رقعی

«اگر بخواهیم از ابعاد اجتماعی و انقلابی به مسئله توحید نگاه کنیم باید آن را به‌عنوان مسئله‌ای از مسائل نبوت تحت بررسی و پیگیری قرار بدهیم». این فرمایش ایده محوری کتاب «نبوت‌ها در نهج البلاغه» است که حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را به‌عنوان «موحد اجتماعی» و «اسلام‌شناس انقلابی» واداشت تا به شرح موضوعی نهج البلاغه بپردازد. ایشان در این مباحث به مسئله وحی نمی‌پردازد، بلکه نبوت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را به‌مثابه واقعیتی تاریخی و حادثه‌ای تردیدناپذیر نگاه می‌کند که در وقوع تاریخی‌اش «میان ما و میان بی‌اعتقادان به نبوت اختلافی نیست؛ [بلکه] اختلاف در تفسیر این حادثه است». ایشان در این مباحث تلاش می‌کند پاسخ موضوعات و مسائلی را از جمله بسترهای تاریخی نبوت، جامعه‌شناسی نبوت، جریان‌شناسی نبوت، پدیدارشناسی نبوت و غایت‌شناسی نبوت ارائه کند. این سلسله‌سخنرانی‌ها در تابستان ۵۹ برای شاخه دانشجویی حزب جمهوری، ارائه شده است.

■ سخنرانی «عصر انقلاب اسلامی»

تعداد صفحات: ۴۸ / جیبی

سخنرانی تاریخی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در مراسم بزرگداشت «نخستین دهه انقلاب اسلامی» در ۱۲ بهمن ۱۳۶۷، با موضوع بررسی پنج شاخصه انقلاب اسلامی ایران شامل این موضوعات است: انقلاب اسلامی، ضرورتی برای احیای اسلام؛ انقلاب اسلامی، انقلابی تاریخ‌ساز؛ پایبندی به اصول انقلاب اسلامی؛ حرکت در مسیر اهداف انقلاب، نشان‌دهنده موفقیت انقلاب؛ ایمان و عقیده اسلامی، قوت رهبری و حضور مردمی عناصر تداوم انقلاب اسلامی.

■ سخنرانی «نگاهی کلان به انقلاب اسلامی»

تعداد صفحات: ۵۹ / جیبی

«نگاهی کلان به انقلاب اسلامی» گفتاری است برگرفته از بیانات رهبر انقلاب در سفر اردیبهشت ۸۷ به استان فارس. ایشان در آستانه ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی، با نگاهی کلان و فراگیر، تحلیلی از انقلاب به دست می‌دهد که این تحلیل مهم، شاکله اصلی گفتار «نگاهی کلان به انقلاب اسلامی» را شکل داده است.

■ عهد مشترک

تعداد صفحات: ۴۰۰ / رقعی

متن اصلی این کتاب پیام تاریخی مقام معظم رهبری در اولین سالگرد ارتحال امام خمینی است که مروری است بر مستندات قرآنی و معارف انقلاب اسلامی. در این کتاب سعی شده، مبانی انقلاب اسلامی و تکالیف و تعهدات مردم در قبال انقلاب و نظام از مجموعه بیانات و پیام‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گردآوری شود. این اثر شرح مزجی بیانات رهبری است به گونه‌ای که بخش‌هایی از بیانات تبیین‌کننده بخش‌های دیگر است. توجه به مبانی اصلی اندیشه، استفاده درست و جانمایی دقیق بیانات در کنار هم موجب شده است این اثر نسبت به سایر آثار مشابه از برجستگی بیشتری برخوردار باشد. این اثر در تبیین مبانی انقلاب اسلامی اثر مهمی به‌شمار می‌آید.

■ مکتب امام به روایت رهبری

تعداد صفحات: ۶۹۶ / رقعی

یکی از مهمترین سخنرانی‌های سالانه مقام معظم رهبری سخنرانی در سالگرد رحلت امام خمینی در حرم ایشان است. این سخنرانی که با محوریت معرفی شخصیت، اندیشه و مکتب فکری امام ایراد می‌شود یکی از بهترین منابع شناخت مکتب امام به‌شمار می‌آید. به فرموده رهبری: «هر سال روز چهاردهم خرداد فرصتی است برای مطرح شدن بخش و بعدی از ابعاد زندگی مطهر امام و خط مبارک و روشن آن بزرگوار» (۱۳۹۰/۳/۱۴). از نظر ایشان امام بنیان‌گذار مکتبی فکری و سیاسی و اجتماعی است و اندیشه‌ای که امام ارائه کرد خصوصیات کامل یک ساخت منسجم نظری را داراست و به همین واسطه به معنای واقعی کلمه مکتبی فکری را تشکیل داده است. این کتاب بر اساس تجمیع محتوای ۳۰ سخنرانی ایشان طی سه دهه گذشته تدوین شده است و کوشیده بر اساس یک منطق، از بیانات ایشان «مکتب فکری» امام را استخراج نماید..

■ آزادی یعنی آزادی

تعداد صفحات: ۲۵۰ / رقعی

آزادی یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی است که خوانش ناصحیح از آن موجب بروز انحراف در سیاست‌ورزی و حکمرانی است. تبیین رهبر انقلاب از آزادی در مکتب انقلاب نشان‌دهنده زاویه دید عمیق و دقیق انقلاب اسلامی به این مسئله است. کتاب «آزادی یعنی آزادی» متشکل از دو بخش است: بخش اول شامل متن پانزده سخنرانی رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران که در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ ایراد شده و بخش دوم شامل متن بیانات ایشان در «دانشگاه تربیت مدرس» در سال ۱۳۷۷ و بیانات در «نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی» که به دلیل اهمیت و توجه کمتر به آنها به صورت مستقل منتشر شده است.

■ عدالت

تعداد صفحات: ۸۰ / وزیری

باتوجه به اینکه مقوله عدالت یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی است آشنایی با آن هرچند به صورت مختصر برای طلاب ضروری است. از سوی دیگر امروز برخی افراد داعیه

دار مسئله عدالت خواهی شده اند که در این مسیر بر اساس مبانی انقلاب گام بر نمی‌دارند. از این‌روی آشنایی با اندیشه انقلاب در باب عدالت ضروری است. در این کتاب عدالت و عدالت خواهی در اندیشه مقام معظم رهبری به صورت کاربردی بیان شده است. کتاب «عدالت» مجموعه‌ای از دستورات عملی‌ها و باید و نبایدها برای سربازان عدالت اجتماعی است و در این کتاب سعی شده تا سؤالات گوناگون مطرح شده در این حوزه بر اساس بیانات رهبر انقلاب پاسخ داده شده و محتوای «کاربردی» و ناظر به «حل مسئله» در اختیار مخاطب قرار گیرد.

از آنجاکه این کتاب تلاش کرده کتابی عملیاتی باشد، بر این اساس محتوا در دو قالب ساختاری چینش داده شده است: بخش اصلی محتوای کتاب شامل چهار گفتار به عنوان هسته اصلی است. در این بخش به ضرورت تلاش و مجاهدت برای عدالت خواهی، سه عرصه مهم برای تحقق عدالت، راهکارهایی عملی برای پیگیری مسئله عدالت و باید و نبایدهای عدالت خواهی پرداخته شده است.

در بخش بعد نیز، مباحثی از جمله درس‌ها و سیره امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تبیین دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی در گسترش عدالت، نگاهی به اقدامات رهبر معظم انقلاب در حوزه عدالت‌گستری و مروری بر هشدارها و تذکرات ایشان در مسیر تحقق عدالت و دنبال کردن عدالت خواهی به عنوان مکمل مباحث اصلی ارائه شده است.

البته این کتاب نمی‌تواند اثری جامع برای تشریح عدالت از منظر رهبری باشد اما به عنوان یک درآمد بر این مسئله کافی است.

ج. تطور، اندیشه راهبردی و آینده انقلاب اسلامی

■ راه مستقیم انقلاب (جلد دوم)

تعداد صفحات: ۱۴۵ / رقعی

فرآیند پنج‌گانه انقلاب اسلامی به نوعی بیان طرح راهبردی انقلاب اسلامی است که آشنایی با این مسئله برای طلاب امری ضروری است. فرآیند پنج‌گانه تحقیق حاضر عبارت‌اند از: ۱. انقلاب اسلامی: در آن مفهوم و ماهیت انقلاب اسلامی، اصول و مبانی انقلاب اسلامی، عوامل

پیروزی انقلاب اسلامی، مقایسه انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها، اهداف انقلاب اسلامی، کارگزاران انقلاب اسلامی، دستاوردهای انقلاب اسلامی، بایسته‌های تداوم و ماندگاری انقلاب اسلامی، آسیب‌شناسی و چالش‌های فرا روی انقلاب اسلامی، چشم‌اندازهای انقلاب اسلامی بررسی می‌گردد؛ ۲. نظام اسلامی: در آن مفهوم و ماهیت نظام اسلامی، اصول و مبانی نظام اسلامی، اهداف و ارزش‌های نظام اسلامی، الگوی نظام اسلامی، ارکان نظام اسلامی، مواضع نظام و آسیب‌های نظام اسلامی، ساختار نظام اسلامی بررسی می‌گردد؛ ۳. دولت اسلامی: در آن مفهوم دولت اسلامی، مبانی فکری دولت اسلامی، ویژگی‌های دولت اسلامی، سیاست‌ها و اهداف دولت اسلامی و آسیب‌شناسی دولت اسلامی، ویژگی‌های کارگزاران دولت اسلامی بررسی می‌گردد؛ ۴. کشور اسلامی: در آن مفهوم کشور اسلامی، اهداف، شاخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه اسلامی اصول و مبانی کشور اسلامی، ساختار کشور اسلامی، بایسته‌های جامعه اسلامی، راه رسیدن به اهداف، نتیجه ایجاد کشور اسلامی بررسی می‌گردد؛ ۵. دنیای اسلامی: در آن مفهوم و ماهیت دنیای اسلامی، عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری دنیای اسلامی، وظایف جمهوری اسلامی ایران برای تحقق دنیای اسلامی، موانع تحقق دنیای اسلامی بررسی می‌گردد. جلد اول این اثر به بررسی اندیشه امام راحل و جلد دوم به بررسی فرآیند پنج‌گانه تحقق اهداف نهضت اسلامی از منظر حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی می‌پردازد.

■ متن بیانیه گام دوم و سخنرانی ۱۳۹۸/۳/۱ مقام معظم رهبری در شرح بیانیه

بیانیه گام دوم انقلاب یا بیانیه گام دوم به قلم مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن جوانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم‌انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد تبیین کرد. مخاطب اصلی بیانیه گام دوم، جوانان به‌عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی هستند و فرصت ارزشمندی برای کشور دانسته شده‌اند. بیانیه دارای جایگاهی راهبردی است به‌گونه‌ای که مانیفست آینده انقلاب به‌شمار می‌آید.

مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در ۱۳۹۸/۳/۱ مفاد بیانیه را تشریح کرد و

برخی، از آن به شرح بیانیه گام دوم یاد می‌کنند که می‌تواند مکمل و شارح بخشی از مفاهیم بیانیه به‌شمار آید.

■ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تعداد صفحات: ۳۷۶ / رقعی

در کتاب «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» تلاش شده همه مطالبی که معظم‌له در خصوص پیشرفت بیان فرموده، گردآوری و در چهارچوبی مناسب ارائه گردد. در تدوین این چهارچوب، علاوه بر توجه به قالب‌های علمی مرسوم و متداول در جامعه علمی، منطق و نوع دسته‌بندی مورداعتنای رهبری، مبنای کار قرار گرفته است. مهم‌ترین مباحث کتاب عبارت‌اند از: نقد رویکردهای نظری در مورد الگوهای پیشرفت، چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مفهوم و شاخص‌های پیشرفت و ارزیابی وضعیت پیشرفت در کشور. با این کتاب می‌توان طرح آینده انقلاب را شناخت.

■ دوران جدید عالم

تعداد صفحات: ۳۱۲ / رقعی

وقتی از دوران جدید عالم سخن گفته می‌شود، بسیاری گمان می‌کنند مراد دوران پس از انقلاب صنعتی در اروپاست، اما رهبر انقلاب وقتی از دوران جدید عالم یاد می‌کنند، مرادشان دنیای پس از انقلاب اسلامی است. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در سخنانی فرموده‌اند: «با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و با مبارزات طولانی‌ای که ملت ما پشت سر رهبر عظیم‌الشأنش برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیتی متمایز با دوران قبل در عالم به‌وجود آمد. قدرت‌های مادی دنیا چه بخواهند چه نخواهند، آمریکا چه بخواهد چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است».

این کتاب حاوی گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ماهیت و آثار وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی در جهان معاصر است. این واقعه عظیم و تاریخ‌ساز، صف‌بندی موجود میان قدرت‌های بزرگ و مکتب‌های فکری و اعتقادی رایج در جهان را تغییر داد و سرآغاز عصری جدید و نویدبخش در جامعه بشری شد. کتاب حاضر دارای دو بخش اصلی است: بخش اول به موضوع «انقلاب اسلامی و جهان متجدد» اختصاص دارد

که از پنج فصل تشکیل شده و در بخش دوم موضوع کلان «غرب‌شناسی و تجدد انتقادی» مورد بررسی قرار گرفته و دارای سیزده فصل است.

این کتاب از زوایای گوناگونی دارای اهمیت است و می‌تواند در بخش‌های مختلف سیر قرار بگیرد چرا که زمانه پیدایی انقلاب را نه در بستر تاریخ ایران بلکه در سیر تاریخ جهان توضیح می‌دهد. اما از سوی دیگر می‌تواند افقی که را که انقلاب اسلامی گشوده است و آینده آن را تصویر کند. از این‌رو در بخش آینده انقلاب اسلامی قرار گرفت.

■ روشنای آینده

تعداد صفحات: ۴۴۴ / رقعی

کتاب «روشنای آینده» به‌طور جامع، وعده‌های رهبر انقلاب را درباره آینده پیش روی ملت ایران و نظام اسلامی جمع‌آوری کرده است. کتاب در بخش نخست به بررسی آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. بخش دوم نیز به ظرفیت‌ها و امکاناتی می‌پردازد که دستیابی به آینده‌ای نورانی و متعالی را نشان می‌دهد. بخش سوم و چهارم کتاب به بررسی موانع درونی و بیرونی و همچنین به مسئولیت‌ها و وظایف می‌پردازد. بخش پنجم نیز بخش پایانی کتاب و حاوی وعده‌ها و پیش‌بینی‌هایی است که در سال‌های مختلف توسط رهبر انقلاب بیان شده است.

د. دستاوردهای انقلاب اسلامی:

■ ارمغان

تعداد صفحات: ۶۰۰ / رقعی

کتاب «ارمغان» مشتمل بر شش بخش است که در آن به دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای پرداخته شده است. موضوعات مهم این کتاب عبارت‌اند از: مفهوم‌شناسی، کارآمدی و رابطه آن با دستاوردها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، امکانات و ظرفیت‌های موجود نظام اسلامی، موانع پیش روی انقلاب اسلامی، دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطوح مختلف، ضرورت تلاش برای رسیدن به حکومت اسلامی مطلوب و مراحل دستیابی به تمدن جهانی اسلامی.

اینکه در پایان این بخش به مسئله دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌پردازیم از این

جهت است که مخاطب پس از شناخت مبانی، پیشینه و آینده انقلاب بداند انقلابی که از آن سخن می‌گوییم تا کتون چه کارنامه‌ای داشته است و چه موفقیت‌ها و دستاوردهایی را رقم زده است.

دوم. فرهنگ و سیاست

■ دغدغه‌های فرهنگی

تعداد صفحات: ۳۰۴ / وزیر

این کتاب شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳ در دیدار مقام معظم رهبری با عناصر جبهه انقلاب در حوزه فرهنگ است. در این جلسه مسئولان دولتی در حوزه فرهنگ و گروه‌های مستقل فرهنگی حضور داشته‌اند؛ لذا همه کسانی که این کتاب را مطالعه می‌کنند، می‌توانند خود را حاضر در جلسه و ناظر به کلام مبارک ایشان ببینند.

در این کتاب پس از فصل اول که «دغدغه» مطرح می‌شود، در فصل‌های «منشأ انقلاب اسلامی»، «فرهنگ و هنر ایران و انقلاب» و «جریان روشنفکری» به شرح تاریخچه جریان فرهنگی ایران پس از ورود اسلام تا زمان پیروزی انقلاب پرداخته شده است. در ادامه کتاب مطالبی درباره تهدیدات و توقعات انقلاب از جبهه فرهنگی بیان شده است. از آنجایی که فرهنگ و کنش فرهنگی یکی از ابعاد مهم حیات طلبه است ضروری است طلاب با این ساحت از اندیشه رهبری آشنا شوند. از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب فرهنگ را امری زیرساختی در انقلاب اسلامی می‌دانند، از این رو آشنایی با اندیشه فرهنگی ایشان اهمیت دوچندان دارد.

■ قرارگاه فرهنگی

تعداد صفحات: ۶۴ / وزیر

در اردیبهشت ۱۳۹۲ مجموعه‌ای از فعالان پشتیبانی و حمایت از تشکل‌های فرهنگی، توفیق حضور به محضر مقام معظم رهبری می‌یابند. در این جلسه سخنان مهمی ردوبدل می‌شود، گزارش‌های متعددی داده و رهنمودها و توصیه‌های مهمی شنیده می‌شود. شاید بعضی از جملات بیان‌شده در این دیدار، مختص توجه همان مجموعه باشد، اما عموم

صحبت‌ها ناظر به کلیت تشکل فرهنگی است که باید به آن توجه ویژه داشت. فضا و وقت جلسه باعث اختصار توصیه‌ها و نظرات گردید، لذا لازم بود برای تنظیم نقشه کلی قرارگاه‌های فرهنگی ضمن حفظ ترتیب نکات آن جلسه، از مطالب و نکات بیان شده معظم‌له خصوصاً در جلسات بخش‌های مختلف حزب جمهوری اسلامی در سال‌های اول انقلاب بهره جست تا بیش از این گذر زمان و کم‌التفاتی مطلعان، میان ما و آن معارف فاصله نیندازد. لذا کتابی ساخته شد با محوریت سخنان آن جلسه و مطالب مکمل سال‌های گذشته، همراه با توصیف مصادیقی از شهدای انقلاب به سبک: شرح مکمل بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۲/۲/۱۳۹۲ با موضوع «پشتیبانی و حمایت از تشکل‌های فرهنگی» با دیگر بیانات معظم‌له. سخنرانی اصلی، محور کتاب و به صورت برجسته و پرنرنگ نمایش داده شده و سایر متون که با قلم ریزتر در کتاب هستند، به عنوان شرح سخنرانی اصلی در کتاب جای دارند. هدف کتاب «قرارگاه‌های فرهنگی» انتقال منویات رهبری به جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است.

■ صراط (سیاست‌فهمی و سیاست‌سازی)

تعداد صفحات: ۴۸۰ / رقعی

اندیشمندان حوزه اندیشه سیاسی برای بیان و تبیین دیدگاه‌های خود از استعاره‌ها و تشبیهات استفاده می‌کنند؛ در این میان حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز با بهره‌گیری از واژه قرآنی «صراط» که برای مخاطب مسلمان نیز آشناست تلاش کرده تا ایده‌ها و منظور خود را برای تعریف مفاهیم سیاسی و فهمیدن و فهماندن آنها از این طریق به دیگران منتقل کند. دغدغه «در صراط بودن» از گذشته یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران مسلمان، همچون حضرت امام خمینی بوده و بررسی مؤلف در این اثر نشان از نقش تعیین‌کننده و هدایتگر «صراط» و کلمه کانونی «راه» در الگوی زبان سیاسی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای دارد. این کتاب به سیاست‌فهمی و سیاست‌سازی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. پس از بیان کلیات نظری، به صراط در زبان سیاسی پرداخته و سپس بخشی را به نام «منظومه تئوریزه‌شده صراط در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» در بر گرفته است.

■ روش تحلیل سیاسی

تعداد صفحات: ۸۰ / وزیری

این کتاب مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره مهارت‌ها و فنون تحلیل سیاسی است. کتاب «روش تحلیل سیاسی» تلاشی است مبتنی بر منظومه فکری معظم‌له با هدف ارائه روشی منسجم و منطقی برای تحلیل مسائل و پدیده‌ها در چهارچوب تحلیلی انقلاب اسلامی. کتاب با مقدمه‌ای در ضرورت تحلیل سیاسی به قلم دکتر عباسعلی رهبر، آغاز می‌شود. پس از آن همه متن در دو گفتار خلاصه می‌شود: گفتار اول، مقدمات لازم برای تحلیل سیاسی و گفتار دوم، مهارت‌ها و فنون تحلیل سیاسی است. در انتهای کتاب هم دو تمرین برای به کار بستن روش تحلیل سیاسی آمده است؛ یکی درباره مذاکره با آمریکا و دوم تحلیل کلان انقلاب اسلامی.

سوم. حوزه و رسالت صنفی

■ حوزه و روحانیت در نگاه رهبری

تعداد صفحات: ۷۵۲ / رقعی

این کتاب شامل بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ در موضوع حوزه و روحانیت است. کتاب گردآوری ساده بیانات نبوده و از منطق خاصی پیروی می‌کند و هر موضوع از سه زاویه نگرش‌های بنیادین، توصیف وضعیت و توصیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کتاب شامل هشت فصل است و بیانات رهبر انقلاب در موضوعاتی چون حوزه و نظام اسلامی، تهذیب و تربیت، تبلیغ، پژوهش و آموزش را در بر می‌گیرد. ایجاد نگرشی کلان و جامع، موضوعی و دقیق به مسائل حوزه مهم‌ترین ویژگی این کتاب است.

■ سیمای آرمانی طلبه

تعداد صفحات: ۱۹۲ / رقعی

این کتاب به کوشش استاد عالم‌زاده نوری تدوین شده است. در مقدمه این کتاب آمده است:

«در این نوشتار برآنیم که با استفاده از ارشادات رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سیمای مطلوب طلبه را ترسیم کنیم و افق دوردستی را که طلبه با تلاش و تکاپو باید

در جان خود محقق سازد معلوم سازیم. یعنی بیان کنیم «طلبه مطلوب» چه ویژگی‌ها، برخوردارها و دارایی‌هایی دارد؟ این اثر، عمده نگاه خود را به حیات خود طلبه، فارغ از تشکیلات و سازمان روحانیت معطوف ساخته و مخاطب خود را تنها آحاد طلاب - نه مدیران و برنامه‌ریزان و کارگزاران و مسئولان حوزه - قرار داده است. گرچه بی‌تردید همه مدیران و سیاست‌گذاران حوزه به این نگاه نیاز دارند. بنابراین رسالت این دفتر اعطای خودشناسی و خودآگاهی صنفی به شخص طلبه است، نه مهندسی ساختار حوزه، و بنا دارد طلبه را در طرح کلان خودسازی صنفی یاری رساند».

■ حوزه باید انقلابی بماند

تعداد صفحات: ۹۶ / رقی

این کتاب شرح و تبیین یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، یعنی سخنرانی ۲۵ اسفند ۱۳۹۴ در جمع نمایندگان طلاب حوزه علمیه قم است که به یکی از ماندگارترین بیانات ایشان درباره حوزه علمیه بدل شده است. در این جلسه رهبر فرزانه انقلاب سخن از «حوزه انقلابی» به میان آورده و درباره خطری جدی به نام «انقلابی‌زدایی از حوزه» هشدار داده است. در این کتاب این سخنرانی راهبردی رهبر انقلاب به همراه تحلیلی بر متن و فرامتن آن تدوین شده است تا محتوای آن در بین انبوه اخبار و مشغله‌ها گم نشود و مورد غفلت قرار نگیرد. مطالعه این کتاب برای طلاب از این جهت ضروری است که طلبه باید رویکرد رهبری به تهدیدهای پیش روی حوزه را بداند و بداند حوزه انقلابی چه مختصات و انقلاب‌زدایی از حوزه چه روندی است.

هفت: نکات کلی درباره سیر مطالعاتی

اول: نگاهی اجمالی به سطح دوم سیر مطالعاتی

این سیر دارای دو مقطع عمومی و پیشرفته است. آنچه تاکنون عرضه شد مقطع عمومی و چارچوب کلان فکری را برای طلبه فراهم می‌کند و در مقطع پیشرفته به صورت تخصصی و در مستوایی بالاتر به موضوعات متنوع و دایره وسیع‌تری از موضوعات پرداخته می‌شود. پس اینکه شاید در نگاه اول به نظر برسد بسیاری از موضوعات یا کتب در این سیر دیده نشده است، از این جهت است که سیر به صورت دو مرحله‌ای طراحی شده است و معرفی و تفصیل مرحله دوم در ویراست بعدی این اثر تقدیم خواهد شد. به طور اجمال سرفصل‌های مرحله پیشرفته این سیر ناظر به ابعاد مختلف اندیشه مقام معظم رهبری در قالب بسته‌های موضوعی و تخصصی خواهد بود. از جمله:

اندیشه قرآنی (روش شناسی تفسیر قرآن، تفسیر موضوعی، تفسیر ترتیبی)

اندیشه سیاسی (مردم‌سالاری دینی، سیاست داخلی، سیاست خارجی، انتخابات، فتنه ۸۸، دشمن‌شناسی، مسئله فلسطین، آمریکا، صهیونیسم)

اندیشه اقتصادی (جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، الزامات و راهبردهای تحول اقتصادی، رونق تولید)

اندیشه اجتماعی (جامعه اسلامی، زن، خانواده، فرهنگ، تربیت دینی، رسالت جوان مومن انقلابی، مدرسه)

اندیشه فرهنگی (شعر، هنر، زبان فارسی، هیئت، رسانه و صداوسیما، تهاجم فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، فضای مجازی، مهندسی فرهنگی)

اندیشه تمدنی (تمدن اسلامی، علم و تولید علم، دانشگاه، رسالت دانشجویی، حوزه،

تحول حوزه، بیداری اسلامی و صدور انقلاب)

اندیشه پیشرفت (الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، اندیشه راهبردی، اسناد بالادستی ابلاغی رهبری)

اندیشه حکمرانی (وظایف دولت‌ها، مدل حکمرانی، تاریخ مواجهه با دولت‌ها، و...)

اندیشه فقهی (مکتب فقهی، آثار فقهی، اندیشه رجالی)

دوم: سیاست پرهیز از انبوه‌خوانی

یک سیاست کلی حاکم بر سیر مطالعاتی پیش‌روی عبارت است از «پرهیز از انبوه‌خوانی»؛ انبوه‌خوانی و بمباران اطلاعات در سیرهای مطالعاتی مختلف موجب شده است طلبه بیش از آنکه به اندیشیدن برسد و قوه تفکر او رشد کند، با سرعت به دنبال طی کردن این کتاب و آن کتاب باشد. انبوه‌خوانی در گام‌های نخست تنها موجب پراکندگی ذهنی و از بین رفتن تمرکز و دقت طلبه می‌شود و او را از اهداف اصلی دور می‌کند. ما در این سیر هم می‌توانستیم کتب بیشتری را جانمایی کنیم و هم موضوعات بیشتری را پوشش دهیم اما از چند زاویه از این اقدام خودداری کردیم. یکی از عوامل اصلی همین سیاست بود.

سوم: تنوع در شیوه اجرا

استفاده از روش ارائه ترکیبی به این معنا است که برخی کتب به صورت شخصی مطالعه می‌شود اما برخی کتب باید تدریس شود و برخی کتب نیز نیاز نیست به صورت کامل مطالعه شده و بخش‌هایی از آن‌ها برای مطالعه معرفی می‌شود. برای مثال کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی نیازمند تدریس است و نمی‌توان فقط با مطالعه به عمق آن دست یافت. از طرف دیگر می‌توان برای ارتقای سطح فهم از اندیشه رهبری نشست‌های ماهیانه طراحی کرد و در هر نشست حول یک کتاب با محوریت یکی از کارشناسان گفتگو صورت پذیرد. البته پیوست اجرایی مشتمل بر ضوابط و قواعد اقدام در مرحله بعدی در اختیار متولیان برگزاری قرار خواهد گرفت.

هشت: دستورالعمل اجرایی

الف. کلیات و تعاریف

استاد راهبر معرفی: به اساتیدی اطلاق می شود که دوره عمومی و تربیت مدرس طرح مطالعاتی امین را سپری کرده و مسلط و مشرف بر مبانی، آثار و نظام اندیشه های مقام معظم رهبری مد ظلله العالی باشند و توانایی تدریس، تعامل و مدیریت حلقه های علمی طلاب را دارا بوده و قدرت راهبری ایشان را در عرصه رسالت اجتماعی داشته باشد. تشخیص این توانمندی ها و معافیت برخی اساتید توانمند از شرکت در دوره تربیت مدرس بر عهده معاونت تهذیب و تربیت (ستاد) می باشد.

فارغ التحصیل: به دانشپژوهی اطلاق میشود که دوره طرح مطالعاتی امین را با موفقیت به اتمام رسانده و گواهی پایان دوره از سوی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه (ستاد) از طریق سامانه مهارت خانه طلاب را دریافت نموده باشد.

ممتاز: به دانشپژوهی اطلاق میشود که در امتحانات هر مرحله، معدل بالای ۱۷ کسب کرده باشد.

ب. متصدیان

متصدیان این طرح در سطوح مختلف عبارت اند از:

۱. راهبری و سیاست گذاری: «شورای سیاست گذاری امور معرفتی» معاونت تهذیب؛
۲. مدیریت کلان: «دبیرخانه امور معرفتی و اجتماعی» معاونت تهذیب و تربیت ستاد؛
۳. مجری طرح در ستاد میانی: «دارالمعارف استان» تحت اشراف معاونان تهذیب استانی؛
۴. مجری طرح در مدارس: «دارالمعارف مدارس علمیه» تحت اشراف شورای تهذیب مدرسه.

ج. وظایف دبیرخانه امور معرفی و اجتماعی

- دبیرخانه امور معرفی و اجتماعی وظایف ذیل را بر عهده دارد:
- اجرای مصوبات شورای سیاست‌گذاری امور معرفی،
 - زمینه‌سازی سخت افزاری و نرم افزاری برای ثبت نام و اجرای دوره،
 - معرفی دوره در مدارس از طریق فضای مجازی، اعزام استاد، تولید جزوه و...،
 - توجیه مدارس علمیه نسبت به شیوه اجرای طرح مطالعاتی،
 - نظارت بر حسن اجرای طرح در استان و مدارس علمیه،
 - ارزیابی و برگزاری امتحان متمرکز طرح مطالعاتی،
 - پیگیری از نهادهای هم‌سو و مراکز حوزوی جهت اخذ امتیاز و مزایا برای فراگیران و فارغ‌التحصیلان و ممتازین دوره،

د. شرایط ثبت نام

۱. دارا بودن کد فعال طلبگی،
۲. التزام به شرکت منظم در طرح،
۳. تذکر: این طرح مطالعاتی عمدتاً با سطح معلومات طلاب دیپلم به بالا تناسب دارد؛ البته طلاب با ورودی سیکل نیز پس از اتمام پایه دو حوزه می‌توانند با این طرح همراهی کنند.

ه. مزایای شرکت در دوره

- اعطای کارنامه و گواهی پایان دوره معتبر الکترونیکی به فارغ‌التحصیلان،
 - امتیاز اسکان شهرک مهدیه طلاب قم،
 - عرضه کتب با تخفیف ۲۵ درصد.
- تذکر: کلیه گواهیها جهت اعمال امتیازات، فقط از سوی معاونت تهذیب و تربیت (ستاد) صادر می‌شود.

و. شیوه ارزیابی

۱. فراگیران هر زمان که آمادگی برای آزمون داشته باشند بعد از ثبت نام می‌توانند در آزمون شرکت نمایند،
۲. پس از آزمون و قبولی در هر کتاب، آزمون کتاب بعدی (طبق لیست سیر مطالعاتی) فعال می‌شود.
۳. هر آزمون دارای ۲۰ سؤال تستی و هر سؤال دارای یک نمره است.
۴. حداقل نمره قبولی در آزمون ۱۴ می‌باشد.
۵. در صورت عدم قبولی در آزمون امکان شرکت در آزمون مجدد وجود دارد:
۶. فاصله تا آزمون مجدد (جبرانی اول) حداقل یک هفته می‌باشد.
۷. در صورت عدم قبولی در نوبت دوم، فاصله تا آزمون بعدی (جبرانی دوم) ۱ ماه پس از آن می‌باشد.
۸. در صورت عدم قبولی در نوبت سوم (جبرانی دوم)، به صورت خودکار فراگیر از دوره تعلیق می‌گردد.

ز. وظایف استاد راهبر معرفتی

- وظایف زیر بر عهده استاد راهبر معرفتی می‌باشد:
۱. ایجاد انگیزه و تقویت بینش‌ها و مبانی،
 ۲. حضور هفتگی در مدرسه و تشکیل جلسات با طلاب،
 ۳. تعیین میزان مشخص مطالعه هفتگی،
 ۴. ارایه روح کلی مطالب و پشت صحنه‌های کتاب به طلاب،
 ۵. نظارت بر روند رشد فکری طلاب و ارزیابی فراگیران از طرق زیر:
 - خلاصه نویسی مطالب کتاب،
 - یادداشت نویسی پیرامون محتوای کتاب،
 - ارائه و کنفرانس کلاسی محتوای کتاب،
 ۶. تلاش برای ایجاد انسجام بین طلاب به عنوان جمع‌های همگرا،
 ۷. گزینش فراگیر نخبه جهت معرفتی به دوره تربیت مدرس،

نه: مراحل و جداول طرح مطالعاتی

مرحله اول: زمینه و زمانه، مبانی قرآنی-کلامی و رویکردهای کلان تاریخی

تعداد صفحات	کتاب
۴۲۴	خون دلی که لعل شد
۲۹۶	از نیمه خرداد
۵۳۶	طرح کلی اندیشه اسلامی
۳۹۰	ولایت و حکومت
۴۴۸	انسان دویست و پنجاه ساله
۶۹	منافقین، دشمنان حکومت اسلامی
۳۹۸	همرزمان حسین
۶۴	خون آورد
۹۹	پیشوای صادق
۲۷۲۴ صفحه	جمع کل

مرحله دوم: پیشینه، مبانی و مکتب انقلاب

تعداد صفحات	کتاب
۶۴	فشرده‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی
۲۷۲	مجسمه
۲۶۴	نبوت‌ها در نهج البلاغه
۴۸	عصر انقلاب اسلامی
۵۹	نگاهی کلان به انقلاب اسلامی
۴۰۰	عهد مشترک
۶۹۶	مکتب امام به روایت رهبری
۲۵۰	آزادی یعنی آزادی
۸۰	عدالت
۱۷۹۵ صفحه	جمع کل

مرحله سوم: تطور، آینده و دستاوردهای انقلاب

تعداد صفحات	کتاب
۱۴۵	راه مستقیم انقلاب
۵۰	بیانیه گام دوم و شرح بیانیه
۳۷۶	الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۳۱۲	دوران جدید عالم
۴۴۴	روشنای آینده
۶۰۰	ارمغان
۱۸۰۴ صفحه	جمع کل (با محاسبه حذفیات)

مرحله چهارم: سیاست، فرهنگ، حوزه و روحانیت

تعداد صفحات	کتاب
۳۰۴	دغدغه‌های فرهنگی
۶۴	قرارگاه فرهنگی
۴۸۰	صراط (سیاست فهمی و سیاست سازی)
۸۰	روش تحلیل سیاسی
۷۵۲	حوزه و روحانیت در نگاه رهبری
۱۹۲	سیمای آرمانی طلبه
۹۶	حوزه باید انقلابی بماند
۱۷۲۷ صفحه	جمع کل (با محاسبه حذفیات)

پیوست‌ها

انواع سیرهای مطالعاتی موجود
پیرامون اندیشه رهبر معظم انقلاب

سیر معرفی شده دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری	
منبع	سر فصل
کتاب خون دلی که لعل شد	شخصیت شناسی
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	مبانی قرآنی انقلاب اسلامی
کتاب هم‌زمان حسین ع	سیره سیاسی اجتماعی ائمه اطهار ع
رهنامه امین < دفتر امام خمینی ره	اصول فکری و عملی امامین انقلاب
کتاب از نیمه خرداد	
منتخب کتاب ولایت و حکومت	ولایت فقیه
کتاب انقلاب چیست انقلابی کیست	مبانی و شاخص‌های انقلابی‌گری
کتاب دغدغه‌های فرهنگی	فرهنگ
گفتمان معاصر < کتابچه آتش به اختیار	
رهنامه امین < دفتر اخلاق و تربیت	اخلاق و تربیت
کتاب تاریخ از دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای	تاریخ
رهنامه امین < دفتر دشمن شناسی	دشمن شناسی
کتاب روش تحلیل سیاسی	تحلیل سیاسی
رهنامه امین < دفتر آزادی	آزادی
کتاب زن و خانواده	زن و خانواده
رهنامه امین < دفتر عدالت اجتماعی	عدالت
رهنامه امین < دفتر کار و تلاش	اقتصاد مقاومتی
رهنامه امین < دفتر غرب شناسی	غرب شناسی
کتاب کار باید تشکیلاتی باشد	تشکیلات
کتاب تمدن و مهدویت	تمدن و مهدویت

طرح تبیین منظومه فکری رهبری (استاد فخریان) نسخه قدیم	
منبع	سر فصل
کتاب خون دلی که لعل شد	شخصیت شناسی
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	مبانی قرآنی انقلاب اسلامی
کتاب هم‌زمان حسین ع	سیره سیاسی اجتماعی ائمه اطهار ع
کتاب ولایت و انسان سازی	ولایت فقیه
رهنامه امین < دفتر امام خمینی ره	اصول فکری و عملی امامین انقلاب
کتاب از نیمه خرداد	
کتاب انقلاب چیست انقلابی کیست	مبانی و شاخص های انقلابی گری
کتاب دغدغه های فرهنگی	فرهنگ
رهنامه امین < دفتر اخلاق و تربیت	اخلاق و تربیت
کتاب کار باید تشکیلاتی باشد	تشکیلات
سطح دو	سطح دو
کتاب زن و خانواده	زن و خانواده
کتاب روش تحلیل سیاسی	تحلیل سیاسی
رهنامه امین < دفتر دشمن شناسی	دشمن شناسی
رهنامه امین < دفتر عدالت اجتماعی	عدالت
رهنامه امین < دفتر کار و تلاش	اقتصاد مقاومتی
رهنامه امین < دفتر آزادی	آزادی
رهنامه امین < تاریخ	تاریخ
رهنامه امین < دفتر غرب شناسی و دنیای تجدد	غرب شناسی
کتاب تمدن اسلامی	تمدن و مهدویت

طرح تبیین منظومه فکری رهبری (استاد فخریان) نسخه جدید	
منبع	سر فصل
کتاب باید هلو باشد	قبل از شروع
از نیمه خرداد	
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	اعتقادات ناب
کتاب ولایت فقیه (فخریان)	
کتاب انسان ۲۵۰ ساله	
کتاب میراث فاطمی (بقیه الله)	
طرح تبیین < کتاب تشکیلات	تشکیلات
انسان شناسی (بخشی از کتاب منظومه فکری)	معنویت و اخلاق
معیشت پرهیزکارانه	
معیشت مومنانه	
کتاب دغدغه های فرهنگی	فرهنگ
طرح تبیین < کتاب علم	علم
کتاب عهد مشترک	انقلاب و انقلابی گری
کتاب دشمن شناسی	
کتاب دوران جدید عالم	
کتاب مدیریت جهادی	
کتاب روش تحلیل سیاسی	
کتاب عدالت	
کتاب بصیرت و استقامت	
علم و عمل	اقتصاد
کتاب خانواده	هویت زن و خانواده
مجموعه کتاب ۵ جلدی نقش و رسالت زن	

صراط (طرح پیشنهادی خانه طلاب جوان)	
منبع	سر فصل
کتاب خون دلی که لعل شد	شخصیت‌شناسی
کتاب قرارگاه‌های فرهنگی	گام نخست (در نسخه قبلی این قسمت در انتهای سیر و جز رسالت طلبگی بوده)
کتاب کار باید تشکیلاتی باشد	
کتاب خانواده	
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	مبانی اندیشه
کتاب روح توحید نفی عبودیت غیر خدا	
کتاب نبوتها در نهج البلاغه	
کتاب ولایت و حکومت	
کتاب آزادی یعنی آزادی	
کتاب انسان ۲۵۰ ساله (حلقه دوم)	سیره سیاسی اجتماعی ائمه اطهار ع
کتاب استقامت حسینی و استقامت خمینی	
کتاب فشرده‌ای از تاریخ انقلاب	معارف انقلاب اسلامی
کتاب عصر انقلاب اسلامی	
بیانات ۱۲ آذر ۷۹	
منتخبی از بیانات ۱۴ خردادها	
کتاب نگاهی کلان به انقلاب	
بیانیه ی گام دوم انقلاب	رسالت طلبگی
حوزه و روحانیت	

طرح پیشنهادی حجت الاسلام مهدی مطهری	
منبع	سر فصل
تولید: کاملاً علمی و مبنایی	مقدمه ۱: ضرورت حکومت اسلامی قبل از ظهور
کتاب ره، رهرو، رهبر < خط امام	مقدمه ۲: عظمت موسس انقلاب
کتاب هندسه انقلاب	مقدمه ۳: نقاط کلیدی اندیشه امام
منشور روحانیت	
وصیت نامه	
مباحث آقای علیدوست	مقدمه ۴: ولی فقیه در عصر غیبت
کتاب خون دلی که لعل شد	شخصیت شناسی ۱
بخش هایی از کتاب شرح اسم	
جوابیه ی شیخ ولی قاسم	
تولید: بحث های خانوادگی (شخصیت پدر و مادرشان)	
تولید: معرفی حوزه های اندیشه ای که آقا ورود کردند و ویژگی آقا در هر کدام	*شخصیت شناسی ۲*
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	نگاه اجتماعی و عملیاتی به اسلام
کتاب انسان ۲۵۰ ساله (کتاب اصلی)	سیره سیاسی اجتماعی ائمه اطهار علیهم السلام
کتاب همزمان حسین ع	
بعد از ورود مخاطب به عرصه میدان و با توجه به احساس نیازش	موضوعات تخصصی

طرح پیشنهادی حجت الاسلام خاک رنگین (سیر اجمالی)	
منبع	سر فصل
کتاب شرح اسم	شخصیت شناسی
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	جهان بینی اسلامی
کتاب ولایت فقیه ، سایه حقیقت عظمی جلد ۱	ولایت فقیه
کتاب ولایت فقیه در زلال فقه اهل بیت و دو دهه کارآمدی	
کتاب انسان ۲۵۰ ساله	تاریخ اهل بیت
کتاب معارف انقلاب اسلامی	انقلاب اسلامی
کتاب دغدغه های فرهنگی	فرهنگ و نظام فرهنگی
کتاب قرارگاه فرهنگی	
کتاب کار باید تشکیلاتی باشد	مدیریتی - تشکیلاتی
برای مدیران	
کتاب خانواده	زن و خانواده
کتاب زن و بازیابی هویت حقیقی	
کتاب روشنای علم	علم
کتاب مروری بر مبانی و... تفسیری رهبر در تفسیر سوره توبه	تفسیر
کتاب اقتصاد مقاومتی ، درآمدی بر سیاست ها مبانی و عمل	اقتصاد
کتاب روش تحلیل سیاسی	سیاسی بصیرتی
کتاب چگونه با عدالت رفتار کنیم؟	عدالت

طرح پیشنهادی حجت الاسلام خاک رنگین (سیر تفصیلی)	
منبع	سر فصل
کتاب شرح اسم	شخصیت شناسی
کتاب پرتوی از خورشید	
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	جهان بینی اسلامی
بیانات دیدار با دولت ۱۲ آذر ۷۹	
کتاب ولایت فقیه ، سایه حقیقت عظمی (پنج جلد)	ولایت فقیه
کتاب ولایت فقیه در زلال فقه اهل بیت و دو دهه کارآمدی	
کتاب حکومت و ولایت	
کتاب انسان ۲۵۰ ساله	تاریخ اهل بیت
کتاب معارف انقلاب اسلامی	انقلاب اسلامی
کتاب ره رهرو رهبر	
کتاب قاموس عدالت از منظر رهبری	عدالت
الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی	پیشرفت
کتاب دغدغه های فرهنگی	فرهنگ و نظام فرهنگی
کتاب فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری	
برای مدیران	مدیریتی - تشکیلاتی
چلچراغ	
کتاب تربیت فطری	تعلیم و تربیت
کتاب زن و بازیابی هویت حقیقی	زن و خانواده
کتاب روشنای علم	علم
کتاب مروری بر مبانی و... تفسیری رهبر در تفسیر سوره توبه	تفسیر
کتاب بازگشت به نهج البلاغه	نهج البلاغه
کتاب اقتصاد مقاومتی ، درآمدی بر سیاست ها مبانی و عمل	اقتصاد
کتاب روش تحلیل سیاسی	سیاسی بصیرتی
کتاب نقش رهبری در مدیریت بحران ها	
کتاب دشمن شناسی ، شناخت دشمن و روش های مقابله با آن	دشمن شناسی
منظومه فکری مقام معظم رهبری	منظومه فکری

گوهر ناب (خبرگزاری حوزه)	
گام اول: آشنایی با اصول و اهمّ ابعاد اندیشه ای رهبر معظم انقلاب	
منبع	سر فصل
کتاب خون دلی که لعل شد	زندگینامه ی خود گفته
کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	مبانی قرآنی توحید اجتماعی
مقاله روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا	
کتاب هم‌زمان حسین علیه السلام	تجسّم توحید اجتماعی
کتاب منشور معارف انقلاب اسلامی	اصول انقلاب اسلامی
کتاب بدان ایدک الله	طلبه تراز انقلاب
کتاب اندیشه مقاومت	راهبرد تمدن اسلامی
کتاب بانوی تراز	ویژگی های بانوی مؤمن انقلابی (مختص بانوان)

گام دوم: معارف اسلامی، و اصول اسلام شناسی و ابعاد توحید اجتماعی از منظر رهبری	
منبع	سر فصل
کتاب تفسیر سوره مجادله	اخلاق اجتماعی در قرآن
کتاب تفسیر سوره تغابن	نیازهای ضروری حیات ایمانی
کتاب تفسیر سوره ممتحنه	دشمن شناسی در قرآن
کتاب تفسیر سوره براءت	مواجهه‌ی اسلام با جریان کفر+ افشای مختصات جریان نفاق
کتاب شرح نهج البلاغه (نبوت‌ها در نهج البلاغه)	مسیر جریان توحید در جامعه
کتاب شرح نهج البلاغه (منشور حکومت علوی)	اصول حکومت علوی
کتاب نسیم سحر	فهم حدیثی متعالی
کتاب دعا	مدل مطلوب عبودیت
کتاب گفتاری در باب صبر	ایمان شکوهمند و شورمند
کتاب خلوت انس	نماز خوب
کتاب معیشت پرهیزکارانه	مبنای سبک زندگی مؤمنانه
کتاب معیشت مؤمنانه	سبک زندگی اقتصادی
کتاب مرگ تاجرانه	جهاد و شهادت
کتاب صاعقه‌ی گناه	آثار و اقسام گناه و روشهای ترک آن
کتاب درسهای پیامبر اعظم	نیاز جهان معاصر به رسول الله
کتاب نقش نگار	تاریخ زندگی امیرالمؤمنین (ع)
کتاب جاودانه تاریخ	عظمت شخصیت امیرالمؤمنین (ع)
کتاب دو امام مجاهد	یک استراتژی و دو تاکتیک
کتاب چهار گفتار	چه کنیم فاجعه‌ی عاشورا تکرار نشود؟
کتاب حماسه‌ی امام سجاد علیه السلام	نقش حیاتی امام سجاد (ع) در احیاء جریان تاریخی امامت
کتاب پیشوای صادق	ادوار جریان تاریخی امامت
کتاب احادیث اخلاقی تربیتی	اخلاق فردی و اجتماعی

گام سوم: آشنایی با اصول نظری و عملی انقلاب اسلامی	
منبع	سر فصل
کتاب شرح نهج البلاغه (راه روشن مدیران)	اخلاقِ مدیریت
کتاب رجل سیاسی	سیاستمدارِ تراز انقلاب اسلامی
کتاب ولایت و حکومت	حکومت اسلامی و ولایت فقیه
کتاب نظریه‌ی انتظار	علت غایبِ انقلاب اسلامی
کتاب شخصیت امام (از مجموعه‌ی ره، رهرو، رهبر)	اسوه‌ی انسان مؤمن انقلابی
کتاب از نیمه‌ی خرداد	شخصیت و اندیشه‌ی آیت الله خامنه‌ای
کتاب صورت و سیرت انقلاب اسلامی	مؤلفه‌های هویتی انقلاب اسلامی
کتاب شب ظلمانی شاهنشاهی	کلید شناخت تاریخ معاصر
کتاب ارمان	کارآمدی نظام جمهوری اسلامی
کتاب روشنای آینده	آینده پژوهی انقلاب اسلامی
کتاب عدالت	شیوه‌ی عدالت خواهی
کتاب روش تحلیل سیاسی	کلیدهای فهم سیاست
کتاب آتش به اختیار	کنش‌گری انقلابی
منافع ملی، هویت ملی	هویت انسان انقلابی
انقلابی تراز	ویژگی‌های باوری و رفتاری انسان مؤمن انقلابی
کتاب کار باید تشکیلاتی باشد	راهبرد فعالیت انقلابی
کتاب واجب فراموش شده	امر به معروف و نهی از منکر
کتاب مطلع عشق	سبک زندگی اسلامی ازدواج
کتاب خانواده	سبک زندگی اسلامی خانواده

گام چهارم: دیدگاهها و رویکردهای رهبر معظم انقلاب نسبت به نظامهای اجتماعی	
منبع	سر فصل
کتاب سیاست داخلی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب	اصول نظام سیاسی اسلامی و روابط درونی نظام اسلامی
کتاب سیاست خارجی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب	اصول و راهبردهای روابط بین الملل
کتاب تمدن اسلامی	تمدن نوین اسلامی
کتاب مدیریت	اصول مدیریت
کتاب فرهنگ	فرهنگ و انقلاب اسلامی
کتاب روایت رهبری	مناسبات جمهوریت و ولایت
کتاب ۱۱ گفتار پیرامون بیداری اسلامی	مبانی بیداری اسلامی
کتاب فلسطین	مهم ترین مسئله ی جهان اسلام
کتاب دوران جدید عالم	مواجهه ی انقلاب اسلامی با غرب
کتاب شعار سال	نظریه ی جامع اقتصاد مقاومتی